بسم الله الرحمن الرحیم

رشد آموزش قرآن ۳۲

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات کمک آموزشی

دوره‌ی هشتم/ شماره‌ی ۳/ بهار ۱۳۹۰/ ۶۴ صفحه
فصلنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع رسانی

مدیرمسئول: محمد ناصری
سردبیر: سید محسن میر باقری
مدیر داخلی: یونس باقری
هیئت تحریریه: فریبا انجمی، یونس باقری،
سید مهدی سیف، دکتر زهرا کاشانی ها، دکتر مجید معارف،
سید محسن میر باقری، سید محمد حسین میر باقری
و مسعود وکیل
طراح گرافیک: نوید اندرودی
ویراستار: کبری محمودی

نشانی پستی دفتر مجله:
تهران، صندوق پستی: ۶۵۸۵-۱۵۸۷۵
تلفن دفتر مجله: ۹- ۸۸۸۳۱۱۶۱ (داخلی ۳۱۲)
تلفن مستقیم: روزهای چهارشنبه ۸۸۳۰۵۷۷۱
پیام گیر نشریات رشد: ۸۸۳۰۱۴۸۲
مدیرمسئول: ۱۰۲/ **دفتر مجله:** ۳۱۲/ **امورمشترکین:** ۱۱۴
وب گاه : www.roshdmag.ir
رایانامه: goran@roshdmag.ir
تلفن امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۵، ۷۷۳۳۶۶۵۶
شمارگان : ۱۳۰۰۰
چاپ: شرکت افست (سهامی عام)

سرمقاله / / ۲
مبانی فهم و تفسیر قرآن از نگاه شهید مطهری / دکتر حسین علوی مهر/۴
معجزه های علمی قرآن / حسن کاظمی سهلوانی/ ۹
گفت و گو با مهدی نوید، دبیر کل شورای عالی آموزش و پرورش/ رمضانعلی ابراهیم زاده گرجی / یونس باقری/ ۱۰
گفت و گو با حجت الاسلام حقیقت/ مدیر موسسه ی فر هنگی جام طهور / رمضانعلی ابراهیم زاده گرجی/۱۶
برتری مکه نسبت به سایر سرزمین ها/ ۲۱
معرفی پایگاه های پرسش و پاسخ قرآنی و اسلامی / فریبا انجمی/ ۲۲
روش شناخت تعلیم توحید در قرآن/ لیلا خدام/ ۲۴
معیار طراحی سوالات امتحانات دینی و قرآن/۲۸
تکان های خاک / ۳۱
اهداف عبرت آموزی قرآن کریم/علیرضا قاسم زاده/ ۳۲
همایش، گزارش، پیشنهاد/ ابوالفضل نفر/ ۳۸
قرآن و جاذبه زمین/ ۴۱
راهکارهای ایجاد طراوت در کلاس قرآن۲/ فهیمه رضایی/۴۲
یوسف و برادرانش/ ۴۷
همگام با شما همراه با دانش آموزان/۴۸
قرینه در آیات قرآن/صادق علاماتی/ ۵۰
من سه ماموریت دارم/۵۳
مقایسه سیر مشاهده در قرآن و علوم تجربی/کمیته رویکرد فرهنگی و تربیتی/۵۴
کتیبه/ معرفی کتاب/۶۰
تشکل های قرآنی کشور/۶۳

قابل توجه نویسندگان و پژوهشگران:

مجله‌ی رشد آموزش قرآن، نوشته‌ها و گزارش تحقیقات پژوهشگران و متخصصان تعلیم و تربیت به‌ویژه معلّمان دوره‌های مختلف را درصورتی‌که در نشریات عمومی درج نشده و مرتبط با موضوع مجله باشد، می‌پذیرد. لازم است در مطالب ارسالی، موارد زیر رعایت شود:

چکیده‌ای از کل محتوای ارسال شده حداکثر در ۲۵۰ کلمه، همراه مطلب ارسال شود. پی نوشت ها و منابع کامل باشد و شامل نام اثر، نام نویسنده، نام مترجم، محل نشر، ناشر، سال انتشار و شماره‌ی صفحه‌ی مورد استفاده باشد. .در متن‌های ارسالی تا حد امکان از معادل های فارسی واژه‌ها و اصطلاحات استفاده شود.اصل مقاله‌های ترجمه شده به پیوست آن، ارسال شود. .نثر مقاله روان و از نظر دستورزبان فارسی درست باشد و در انتخاب واژه‌های علمی و فنی دقت شود.شکل قرار گرفتن جدول‌ها، نمودارها و تصاویر به، پیوست در حاشیه‌ی مطلب مشخص شود. مطالب یک خط در میان و دریک روی کاغذ نوشته و در صورت امکان تایپ شود. .مطالب مندرج در مجله، الزاماً مبیّن نظر دفتر انتشارات کمک‌آموزشی نیست و مسؤولیت پاسخگویی به پرسش‌های خوانندگان، با خود نویسنده یا مترجم است. .مقاله‌های دریافتی در صورت پذیرش یا رد، بازگشت داده نمی‌شود. .مجله در پذیرش، رد، ویرایش و یا تلخیص مقاله‌های رسیده مجاز است.

چگ

وزارت آموزش و پرورش مسئول آموزش

سال‌های طولانی، کارشناسان، برنامه‌ریزان، مدیران و فعالان حوزه‌ی آموزش و فعالیت‌های قرآنی کشور، با وجود گسترش کمی و کیفی فعالیت‌های قرآنی کشور، از فقدان جایگاه و پایگاه رفیعی که مسئولیت سیاست‌گزاری، هماهنگی، برنامه‌ریزی و نظارت عالیه بر فعالیت‌های قرآنی را داشته باشد، در رنج و نگرانی بودند. این گروه با تلاش‌ها و بررسی‌های بسیار، گفت‌وگو با صاحب‌نظران و با حمایت دبیرخانه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی، زمینه‌ی لازم را برای تدوین و تصویب منشور توسعه‌ی فرهنگ قرآنی کشور فراهم آوردند. این مصوبه که نخستین سند جامع راهبری امور قرآنی کشور است، در جلسات ٦٤٣ و ٦٥١ شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب و برای اجرا ابلاغ شد.

شورای تخصصی توسعه‌ی فرهنگ قرآنی، به‌عنوان رکن اصلی منشور، و زیر نظر شورای عالی انقلاب فرهنگی، به ریاست دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، عضویت چهار وزیر و رؤسا و نمایندگان پاره‌ای از نهادهای مرتبط با فعالیت‌های قرآنی، مسئولیت تحقق اهداف منشور را برعهده گرفت. شورای تخصصی توسعه‌ی فرهنگ قرآنی در اولین جلسه‌ی خود در تاریخ ۸۸/۷/۲۸، «نحوه و ترتیب تقسیم مأموریت‌ها و وظایف قرآنی دستگاه‌ها» را تعیین و تصویب کرد و در تاریخ ۸۸/۱۲/۲٦، مصوبه را برای اجرا، به چهار وزارت «آموزش و پرورش»، «فرهنگ و ارشاد اسلامی»، «علوم، تحقیقات و فناوری»، «بهداشت، درمان و آموزش پزشکی» ابلاغ کرد.

در ماده‌ی اول مصوبه‌ی فوق، مسئولیت حوزه‌ی آموزش عمومی قرآن در کشور، برعهده‌ی وزارت آموزش و پرورش نهاده شده است. بر این اساس، کمیسیون توسعه‌ی آموزش عمومی قرآن در قالب کار گروه تخصصی هماهنگی آموزش عمومی قرآن به ریاست شخص وزیر محترم آموزش و پرورش و با حضور مدیران مرتبط در وزارت‌خانه و نمایندگان دستگاه‌های ذی‌ربط، به تفصیل بیان شده در ماده‌ی اول، تشکیل خواهد شد.

مطابق تبصره‌ی یک ذیل ماده‌ی ۹ آیین‌نامه‌ی شورای تخصصی توسعه‌ی فرهنگ قرآنی، همه‌ی کمیسیون‌ها و ازجمله کمیسیون توسعه‌ی آموزش عمومی قرآن موظف هستند،

ــــــونه؟!

عــــمومی قــرآن همه‌ی آحاد کشور

حداقل یک‌بار در هر ماه با دعوت رییس کمیسیون (وزیر محترم وزارت مربوط) تشکیل جلسه دهند. این جلسات با حضور رییس و دوسوم اعضای کمیسیون رسمیت می‌یابد.

اکنون سخن و پرسش این است که آیا تاکنون در کشور چنین فرصت و امکان ارزشمند و پرتوانی برای پرداختن به توسعه و تعمیق فعالیت‌های قرآنی وجود داشته است؟

وزارت‌های چهارگانه و ازجمله وزارت آموزش و پرورش، از زمان ابلاغ تشکیل کمیسیون‌های مربوط تاکنون، چه جلساتی تشکیل داده‌اند و مصوبات و تصمیمات آن‌ها چه بوده است؟

در وزارت آموزش و پرورش، در یک سال اخیر، کارها و اقدامات مفیدی درباره‌ی فعالیت‌های قرآنی صورت گرفته است، ولی اگر آموزش و پرورش به هر دلیلی نتواند از این فرصت به‌راستی بی‌نظیر، برای سامان‌دهی آموزش عمومی قرآن که مطابق مصوبات اخیر، هم آموزش عمومی قرآن دانش‌آموزان و هم برنامه‌ریزی و مدیریت و نظارت آموزش عمومی قرآن همه‌ی آحاد جامعه برعهده‌ی آن گذاشته شده است، به‌درستی استفاده و نقش و وظیفه‌ی خود را ایفا نکند، چه پیش خواهد آمد.

امید است با توجه به مذاکرات انجام شده و با تشکیل مرتب جلسات کمیسیون توسعه‌ی آموزش عمومی قرآن و کار گروه‌های مرتبط با این کمیسیون، گام‌های اساسی و محکم در سامان‌دهی، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و سایر اقدامات ضروری برای توسعه‌ی آموزش عمومی قرآن در آموزش و پرورش و سایر بخش‌های کشور برداشته شود.

ان‌شاءالله در فرصت‌های آینده، در مورد اولویت‌های کمیسیون مذکور سخن خواهیم گفت. در همین‌جا از همه‌ی خوانندگان، کارشناسان، معلمان و دبیران و علاقه‌مندان به آموزش‌ها و فعالیت‌های قرآنی درخواست می‌کنیم، نظرات و پیشنهادهای خود را در این زمینه، برای درج در مجله با ما درمیان گذارند.

سردبیر

چکیده

مبانی فهم و تفسیر، از عناوین جدید در مباحث قرآن‌پژوهی است. استاد شهید مطهری همان‌طور که در بسیاری از علوم اسلامی تخصص و تبحر کافی داشت، در مباحث تفسیر و علوم قرآنی نیز از دانشمندان صاحب‌نظر بود؛ ولی عمر شریف وی اجازه نداد تا کتابی مستقل در مباحث برون‌قرآنی یا تفسیری به‌طور کامل به‌نگارش درآورد.

مطالبی که پیش‌رو دارید، به‌طور پراکنده در میان کتاب‌های ایشان ازجمله مهم‌ترین کتاب استاد در موضوع مباحث قرآنی، یعنی «آشنایی با قرآن» (جلد اول)، گردآوری شده است. در این کتاب، استاد مباحث برون‌قرآنی را به‌طور گذرا و خلاصه، با عنوان «شناخت قرآن» آورده است که برخی از موضوعات آن با عنوان مبانی فهم و تفسیر ارائه می‌شود.

مبانی فهم و تفسیر قرآن، به مباحثی بنیادی و زیرساختی می‌گویند که زمینه‌های دست‌یابی به مراد خداوند را فراهم می‌سازد.

مبانی صدوری، به صدور قرآن مجید از ناحیه‌ی ذات اقدس حق تعالی و مبانی دلالی به فرایند فهم مراد خداوند مربوط‌اند. استاد شهید، مبانی اول را اصالت انتساب و مبنای دوم را اصالت مطالب و معارف قرآن نامیده‌اند که از این رهیافت به اصل دیگری، یعنی الهی بودن قرآن به‌عنوان معجزه‌ای جاوید می‌توان دست یافت.

از مهم‌ترین مبانی دلالتی فهم قرآن کریم، امکان فهم قرآن است که طبق آیات قرآن و دلایل عقلی، فهم قرآن امری ممکن است؛ برخلاف دیدگاه اخباریون که قرآن را برای همه قابل فهم نمی‌دانند. مبنای دیگر، زبان قرآن است. استاد شهید با توجه به بعد معنوی و تأثیرگذاری قرآن کریم، زبان قرآن را زبان دل و عقل معرفی می‌کند.

استقلال داشتن در دلالت، ارجاع متشابهات به محکمات، جهانی بودن و جاودانگی قرآن، از دیگر مبانی است که در آثار استاد قابل جست‌وجو است.

افزون بر مبانی فوق، عوامل تأثیرگذار دیگری در فهم قرآن، از جانب استاد مطرح شده است که می‌توان از آن‌ها به‌عنوان دانش‌های لازم برای مفسر، ازجمله آشنایی با زبان عربی، تاریخ

مبانی فهم و تفسیر قرآن از نگاه شهید مطهری

پژوهش

دکتر حسین علوی مهر

سالروز شهادت استاد مرتضی مطهری
و هفته معلم را گرامی می داریم

اسلام، اسباب نزول و احادیث یاد کرد. عامل مهم دیگر برای فهم قرآن، بینش و تدبر است که استاد شهید، تدبر را راهی برای برداشت‌های صحیح از قرآن و دوری از انحراف‌ها دانسته است.

کلیدواژه‌ها: مبانی، فهم و تفسیر قرآن، امکان فهم قرآن، زبان قرآن، استقلال در دلالت.

درآمد

واژه‌ی «مبانی»، جمع کلمه‌ی «مبنا»، در زبان فارسی به معنای ساختمان، عمارت و نیز اساس، پایه و بنیان به‌کار می‌رود[1] و در اصطلاح به دسته‌ای از پیش‌فرض‌ها، اصول موضوعه و باورهای اعتقادی یا علمی می‌گویند [شاکر، ۱۳۸۲: ٤٢-٤٠] که منظور از آن، اموری است که بود و نبود (هست و نیست) آن‌ها موجب می‌شود، اساس فهم و تفسیر قرآن به‌درستی شناخته و یا برعکس خدشه‌دار شود؛ مانند این‌که آیا قرآن از جانب خداوند نازل شده است یا نه؟ یا فهم و تفسیر آن جایز و ممکن است یا نه؟ پس منظور از آن، مباحثی بنیادی و زیرساختی است که می‌تواند زمینه‌ساز دست‌یابی به مراد خداوند باشد.

این مبانی در یک فرایند (که توضیح آن خواهد آمد) شامل وحیانی بودن متن قرآن، مباحث امکان و جواز فهم و تفسیر، زبان‌شناسی قرآن، ظاهر و باطن، نسخه‌های فهم، انسجام ساختاری قرآن کریم، تدبر و تفکر، انسجام محتوایی، شرایط و ضوابط فهم قرآن می‌شود. برخی از این اصطلاح‌ها اگرچه تازه می‌نمایاند، اما مفسران و دانشمندان علوم قرآنی از زمان‌های گذشته به آن‌ها توجه داشته و درباره‌ی آن‌ها مباحثی ارائه داده‌اند که برخی از این مباحث مانند امکان فهم، زبان قرآن، ظاهر و باطن، لایه‌ها و سطح معانی و تدبر در قرآن را در مقدمات تفاسیری مانند «تفسیر تبیان» از **شیخ طوسی** (م ٤٦٠ق) و تفسیر «جامع‌البیان» **طبری** (م ۳۱۰ق) می‌توان جست‌وجو کرد.

مبانی صدوری و دلالی

در یک تقسیم‌بندی کلی و اساسی، مبانی فهم و تفسیر قرآن کریم را به مبانی صدوری و مبانی دلالی تقسیم می‌کنند [هادوی، ۱۳۷۷: ۳۱]. منظور از مبانی صدوری، آن نوع از مبانی است که صدور قرآن موجود را به تمام و کمال، از ناحیه‌ی ذات اقدس حق تعالی به اثبات می‌رساند [شاکر، ۱۳۸۲: ٤٢-٤٠]. قریب‌به‌اتفاق مفسران و دانشمندان علوم قرآنی معتقد به وحیانی بودن قرآن کریم هستند [خرقانی، ۱۳۸۰: ٤٠-۳۹]. منظور از مبانی دلالی، آن مبانی است که فرایند فهم مراد خداوند از متن را سامان می‌دهد [شاکر، ۱۳۸۲: ٤٢-٤١] و این قسم مباحثی را نظیر زبان قرآن، امکان و جواز فهم استقلال دلالی قرآن و لایه‌ها و سطح‌های معانی قرآن دربرمی‌گیرد [همان، ٤٢].

استاد شهید ضمن توجه به این دو مبنا، مبنای دیگری را نیز می‌افزاید و آن‌ها را اصالت‌های سه‌گانه‌ی شناخت قرآن معرفی می‌کند. ایشان می‌نویسد: مطالعه پیرامون قرآن، ما را با «اصالت‌های سه‌گانه‌ی» این کتاب آشنا می‌کند. **اولین** اصالت قرآن، اصالت انتساب است. این‌که بی‌هیچ شکی و بدون آن‌که نیازی به جست‌وجو در نسخه‌های قدیمی باشد روشن است آن‌چه امروز به نام قرآن مجید تلاوت می‌شود، عین همان کتابی است که آورنده‌اش، **حضرت محمدبن عبدالله(ص)** آن را به جهانیان عرضه کرده است.

منظور از مبانی صدوری، آن نوع از مبانی است که صدور قرآن موجود را به تمام و کمال، از ناحیه‌ی ذات اقدس حق تعالی به اثبات می‌رساند

دوم، اصالت مطالب است، به این معنا که معارف قرآن التقاطی نیست، بلکه ابتکاری است. تحقیق در این زمینه، وظیفه‌ی شناخت تحلیلی است.

اصالت **سوم**، اصالت الهی قرآن است؛ یعنی این معارف از افقی ماورای ذهن و فکر حضرت رسول به ایشان افاضه شده و ایشان فقط حامل این وحی و پیام بوده‌اند و این نتیجه‌ای است که از شناخت ریشه‌ای قرآن به‌دست می‌آید [مطهری، ۱۳۷۵: ۱۹].

این‌که ایشان با طرح اصالت انتساب و اصالت الهی قرآن، به همان مبانی صدور فهم و تفسیر قرآن اشاره کرده است و

این‌که قرآن کریم، منسوب به خداست و از جانب او صادر شده است. اصالت مطالب که آن را شناخت تحلیلی یا شناخت ریشه‌ای قرآنی نیز می‌نامند، به مبانی دلالی قرآن کریم اشاره دارد. استاد در ادامه در توضیح این اصل می‌نویسد: تعیین اصالت معارف قرآنی، بر شناخت نوع دوم مبتنی است؛ بدین معنا که محتویات قرآن چیست و چه مسائلی در قرآن مطرح شده و درباره‌ی چه مسائلی بیشتر حساسیت نشان داده شده و موضوعات آن چگونه ارائه شده است [پیشین].

الف) مبانی صدوری الهی بودن متن قرآن

اگر مبانی دلالی و دلالت‌های قرآن کریم خوب تبیین شود، ما را به اصل سوم، یعنی اصالت الهی که معجزه بودن قرآن است می‌رساند و اثبات می‌کند که قرآن کریم معجزه‌ای الهی است و کسی مانند آن را نمی‌تواند بیاورد [پیشین]. درنتیجه، متن قرآن تنها از جانب خداوند صادر شده است.

آن‌چه که بیش از پیش، عظمت و رفعت آسمانی بودن قرآن کریم را روشن می‌سازد، این است که این کتاب عظیم آسمانی، با این همه معارف، در موضوع‌های مانند مبدأ، معاد، انسان، اخلاق، قصص، عبرت‌ها، موعظه‌ها و با این لطف زیبایی و فصاحت، بر زبان کسی جاری شده که خود «امی» بوده است

دلیل مهم دیگر برای الهی بودن قرآن کریم، امی بودن پیامبر است. استاد مطهری می‌نویسد: یکی از نکات روشن زندگی رسول اکرم این است که درس ناخوانده و مکتب ندیده بوده است. نزد هیچ معلمی نیاموخته و با هیچ نوشته و دفتر و کتابی آشنا نبوده است [پیامبر امی، بی‌تا: ٥]. استاد پس از شواهد تاریخی فراوان می‌نویسد:

آن‌چه که بیش از پیش، عظمت و رفعت آسمانی بودن قرآن کریم را روشن می‌سازد، این است که این کتاب عظیم آسمانی، با این همه معارف، در موضوع‌هایی مانند مبدأ، معاد، انسان، اخلاق، قصص، عبرت‌ها، موعظه‌ها و با این لطف زیبایی و فصاحت، بر زبان کسی جاری شده که خود «امی» بوده است.

استاد برای الهی بودن نص قرآن به آیاتی نیز اشاره می‌کند.

این کلمات و عبارات سخن خداست. پیامبر انشاکننده‌ی قرآن نیست، بلکه آن‌چه را که توسط روح‌القدس یا جبرییل به اذن خدا بر او القا شده است، بیان می‌کند.

از دیگر آیاتی که بر این حقیقت دلالت دارد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

ـ قل من کان عدواً لجبریل فانّه نزّله علی قلبک باذن الله [بقره/ ٩٧].

ـ قل نزّله روح‌القدس من ربّک بالحقّ [نحل/ ١٠٢].

ـ نزل به الرّوح‌الأمین [شعرا/ ١٩٣].

ب) مبانی دلالتی فهم و تفسیر قرآن

١. حجیت ظواهر و امکان فهم قرآن

دراین‌باره، دو دیدگاه اساسی وجود دارد:

اول: فهم قرآن ممکن است، چرا که قرآن کتابی است که برای هدایت و برطرف کردن نیازهای مردم نازل شده تا معانی آن را درک کنند و به اوامر آن عمل کنند و از نواهی آن اجتناب نمایند. افزون بر دلایل عقلی، آیات قرآن با صراحت بر این مطلب دلالت دارد؛ ازجمله «هذا بیان للناس» [آل‌عمران/ ١٣٨]: این قرآن دارای مطالب روشن و گویا برای مردم است و نیز «و لقد یسّرنا القرآن للذّکر فهل من مدّکر» [قمر/ ٤٠]. ما این قرآن را برای یادآوری آسان قرار دادیم.

دوم: در مقابل دیدگاه نخست، برخی از اخباریون بر این باورند که ظاهر قرآن حجیت ندارد و برای همه قابل فهم نیست، چرا که قرآن مقامی بلندمرتبه، و معانی والا و پیچیده‌ای دارد که مانع از فهم عمومی قرآن می‌شود. درواقع، فهم قرآن، ویژه‌ی افراد خاصی است که در روایات به «من خوطب به» تعبیر شده‌اند [خویی، ١٣٦٤: ٢٧٠-٢٦٧].

باطل بودن این دلایل روشن است؛ چرا که اگر قرآن برای عموم مردم قابل فهم نباشد، پس نازل شدن آن برای عموم مردم، لغو خواهد بود.

استاد مطهری ضمن طرح مطالب فوق، به نقد دیدگاه اخباریون پرداخته است. ایشان می‌نویسد:

در تحلیل و شناخت محتوای قرآن، نخستین سؤالی که مطرح می‌شود این است که آیا اساساً قرآن قابل شناخت و بررسی هست؟! آیا می‌توان در مطالب و مسائل قرآن تفکر و تدبر کرد، یا آن‌که این کتاب اساساً برای شناختن عرضه نشده، بلکه صرفاً برای تلاوت و قرائت و یا برای ثواب بردن و تبرک و تیمن است.

دراین‌باره باید گفت، در میان علمای شیعه در سه چهار قرن پیش، افرادی پیدا شدند که معتقد بودند ظاهر قرآن دارای حجیت نیست. این‌ها از میان منابع چهارگانه‌ی فقه، قرآن، سنت، عقل و اجماع که از طرف علمای اسلام به‌عنوان معیار شناخت مسائل اسلامی عرضه شده بود، سه منبع را قبول نداشتند. در مورد اجماع می‌گفتند: این رسم سنی‌ها است و نمی‌توان از آن تبعیت کرد. درخصوص عقل می‌گفتند: با این همه خطای عقل، اعتماد به آن جایز نیست. اما در مورد قرآن محترمانه ادعا می‌کردند، قرآن بزرگ‌تر از آن است که ما آدم‌های حقیر، بتوانیم آن را مطالعه کنیم و در آن بیندیشیم. فقط پیامبر و ائمه حق دارند در آیات قرآن تفحص کنند. ما فقط حق تلاوت آیات را داریم. این گروه همان اخباریون هستند.

اخباریون تنها مراجعه به اخبار و احادیث را جایز می‌دانستند. شاید تعجب کنید اگر بدانید، در بعضی از تفاسیری که توسط این افراد نوشته شده است، اگر در ذیل آیه‌ای حدیثی بود، آن را ذکر می‌کردند و اگر حدیثی وجود نداشت، از ذکر آیه خودداری می‌کردند؛ گویی در اصل آن آیه از قرآن نیست.

این عمل یک نوع ظلم و جفا بر قرآن بود و پیداست جامعه‌ای که کتاب آسمانی خود، آن هم کتابی مانند قرآن را به این شکل طرد کند و آن را به دست فراموشی بسپارد، هرگز در مسیر قرآن حرکت نخواهد کرد [مطهری، ۱۳۷۵: ۲۵]. اساساً فهم قرآن بر حجیت ظواهر آن مبتنی است. در غیر این صورت، بهره‌مندی معنایی از قرآن تعطیل خواهد شد. استاد جایگاه اصلی این بحث را علم اصول می‌داند و می‌فرماید: این مبحث را اصولیون شیعه، برای رد شبهات گروه اخباریون مطرح کرده‌اند و [آنان] ثابت می‌کنند که استفاده‌ی مسلمین از قرآن به‌صورت مستقیم است. اصولیون می‌گویند: خود قرآن تصریح می‌کند و فرمان می‌دهد که مردم در آن تدبر کنند و فکر خود را در معانی بلندش به پرواز درآورند. پس مردم حق دارند مستقیماً معانی آیات قرآنیه را در حدود توانایی به‌دست آورند و عمل نمایند [مطهری، سال نشر: ۳۵].

۲. معناداری زبان قرآن

بدون تردید، قرآن کریم به زبان عربی فصیح نازل شده است. افزون بر متن و نص زیبای آن، آیاتی از قرآن بر این مطلب دلالت دارد که می‌فرماید: «انّا أنزلناه قرآناً عربیاً لعلّکم تعقلون»: ما قرآن را به زبان عربی فصیح فرو فرستادیم؛ شاید شما در آن اندیشه کنید [یوسف/ ۲].

اما در این‌که زبان قرآن (شیوه‌های گوناگون انتقال معنا) چیست، دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده‌اند. برخی زبان قرآن را زبان عرف عام دانسته‌اند، بدین‌معنا که قرآن کریم مطابق با زبان عموم مردم آن زمان، دارای سادگی و خالی بودن از اصطلاحات پیچیده‌ی علمی و ادبی است [فراستخواه، ۱۳۷۶: ۲۵۶؛ نکونام، ۷۸] و همان‌گونه که مردم آن عصر سخن می‌گفته‌اند نازل شده است؛ ولی در نوع خود فصیح‌ترین آن‌ها را انتخاب نموده است.

برخی دیگر، زبان قرآن را زبان عرف خاص دانسته‌اند؛ بدین‌معنا که قرآن دارای اصطلاحات ویژه‌ی خود است. همان‌طور که اگر کسی بخواهد متون پزشکی را بفهمد، ناچار از آشنایی با فرهنگ اصطلاحات پزشکی است، برای فهمیدن قرآن نیز باید با فرهنگ دین و اصطلاحات آن به‌ویژه دین

آن‌چه را که ما دل می‌نامیم، عبارت است از احساس بسیار عظیم و عمیق که درون انسان وجود دارد و گاهی اسم آن را هستی می‌گذارند؛ یعنی احساسی از ارتباط انسان با هستی مطلق

اسلام آشنا باشد. کسی که در تفسیر قرآن تنها از معنای عمومی واژه‌ها استفاده می‌کند؛ مانند کسی است که متن پزشکی را با استفاده از فرهنگ‌های عمومی ترجمه و تفسیر کند که قطعاً رفتن به بی‌راهه است [شاکر: ۱۳۸۲: ۱۲۰]. برخی دیگر به زبان رمزی و اشاری[۲]، برخی زبان سمبلیک، برخی تمثیلی[۳] و برخی ترکیبی معتقد هستند. بدین معنا که قرآن ترکیبی از زبان‌های مختلف است که پیش از این بیان شد [امام خمینی، ۱۳۶۰: ۱۹۰-۱۷۸].

برخی دیگر نیز زبان قرآن را براساس روح حاکم بر قرآن، زبان هدایتی و خاص می‌دانند [سعیدی روشن، ۱۳۸۲: ٤٠٤]. استاد مطهری با توجه به شیوه‌های مختلف انتقال معنا و روح حاکم بر قرآن، بعد معنوی و تأثیرگذاری را در زبان قرآن اصل

می‌داند. برخلاف بیشتر دیدگاه‌های فوق که به بعد ظاهری توجه کرده‌اند، ایشان زبان قرآن را زبان منطق و تعقل و زبان دل می‌داند: «قرآن با زبان منطق و استدلال با مخاطب خود سخن می‌گوید؛ اما به‌جز این زبان، قرآن زبان دیگری نیز دارد که مخاطب آن عقل نیست، بلکه دل است و این زبان دوم، احساس نام دارد. آن‌که می‌خواهد با قرآن آشنا گردد و بدان انس بگیرد، می‌باید با این دو زبان، هر دو، آشنایی داشته باشد و هر دو را در کنار هم مورد استفاده قرار دهد. تفکیک این دو از هم، مایه‌ی بروز خطا و اشتباه و سبب خسران و زیان خواهد بود.»

آن‌چه را که ما دل می‌نامیم، عبارت است از احساس بسیار عظیم و عمیق که درون انسان وجود دارد و گاهی اسم آن را هستی می‌گذارند؛ یعنی احساسی از ارتباط انسان با هستی مطلق [مطهری، ۱۳۷۵: ۳۵].

در جای دیگر می‌نویسد: قرآن در توصیف خود، برای

بدون توجه به آیات دیگر قرآن کریم نمی‌توان مفاهیم آیات را به‌درستی شناخت؛ زیرا قرآن دارای مجمل و مبین، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، مطلق و مقید و مانند آن است

خود دو زبان قائل می‌شود. گاهی خود را کتاب تفکر و منطق و استدلال معرفی می‌کند و گاهی کتاب احساس و عشق. به‌عبارت دیگر، قرآن تنها غذای عقل و اندیشه نیست، غذای روح هم هست.

ایشان در تأثیرگذاری زبان دل در احساسات انسان با موسیقی قرآن تأکید می‌کند و می‌نویسد: قرآن بر موسیقی خاص خودش تأکید زیادی دارد. موسیقی‌ای که اثرش از هر موسیقی دیگر در برانگیختن احساسات عمیق و متعالی انسان بیشتر است و می‌افزاید: کسی که زبان دل را بداند و با آن انسان را مخاطب قرار دهد، او را از اعماق هستی و کنه وجودش به حرکت درمی‌آورد. آن وقت دیگر تنها فکر و مغز انسان تحت‌تأثیر نیست، بلکه سراسر وجودش تحت‌تأثیر قرار می‌گیرد. به‌عنوان نمونه‌ای از زبان احساس، شاید بتوان موسیقی قرآن را مثال آورد [مطهری، ۱۳۷۵: ۳۷-۳۶].

شهید مطهری زبان قرآن را در برخی داستان‌های قرآن کریم، زبان سمبلیک می‌داند. ایشان می‌نویسد: ما اگر خصوصاً قرآن کریم را ملاک قرار دهیم، می‌بینیم قرآن داستان آدم را به‌صورت به اصطلاح سمبلیک طرح کرده است. منظورم این نیست که آدم که در قرآن آمده است، نام شخص نیست، چون سمبل نوعِ انسان است‌ـ ابداًـ قطعاً آدم اول یک فرد و یک شخص است و وجود عینی داشته است. منظورم این است که قرآن، داستان آدم را از نظر سکونت در بهشت، اغوای شیطان، طمع، حسد، رانده شدن از بهشت، توبه و... به‌صورت سمبلیک طرح کرده است [مطهری، ۱۳۵۷: ۱۳۳-۱۳۲].

۳. استقلال دلالتی قرآن

استقلال دلالتی قرآن از مبانی روش تفسیر قرآن به قرآن است[۴]، اما از آن‌جا که مربوط به دلالت قرآن کریم است، برخی[۵] آن را از مبانی دلالی فهم و تفسیر قرآن می‌دانند؛ چنان‌چه در آغاز مقاله به آن اشاره شد.

شناخت و تفسیر قرآن، به کمک خود قرآن به معنای استغنای قرآن از غیر آن در تفسیر قرآن به قرآن، تجلی می‌یابد. سابقه‌ی این موضوع به عصر پیامبر و ائمه‌ی اطهار می‌رسد. بدون توجه به آیات دیگر قرآن کریم نمی‌توان مفاهیم آیات را به‌درستی شناخت؛ زیرا قرآن دارای مجمل و مبین، ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه، مطلق و مقید و مانند آن است.

قرآن خود، نور و روشنگر است و نیز تبیان هر چیزی است: «و نزّلنا علیک الکتاب تبیاناً لکلّ شیء» [نحل/ ۸۹]. چگونه می‌شود کتابی که نور است و بیان‌کننده‌ی هر چیزی، روشنگر خود نباشد و اجمال و ابهام را از خود نزداید؟!

استغنای قرآن از غیر آن، اگرچه از ظاهر کلام علامه طباطبایی (رحمت‌الله) استفاده می‌شود،[۶] اما با توجه به بیان دیگر ایشان که پیامبر و ائمه، عهده‌دار بیان جزئیات قانون‌ها و توضیح احکام شرعی‌ای هستند که از ظاهر قرآن به دست نمی‌آید [طباطبایی، ۱۳۵۰: ۳۵] و نیز با توجه به مطلبی که ذیل آیه‌ی ٤٤ از سوره‌ی نحل، درباره‌ی حجیت قول پیامبر و ائمه‌ی معصومین[۷] مطرح نموده‌اند، استفاده می‌شود که در کل احادیث در تفسیر قرآن دخالت دارند.[۸]

ادامه این مقاله را در شماره بعد بخوانید

درنـــگ

ان هذا القرآن یهدی للتی هی اقوم

[اسراء: ۹]

حسن کاظمی سهلوانی

قرآن،
این کلام نورانی و این سخن رحمانی
که به حق معجزه‌ی جاویدان حضرت ختمی مرتبت
(ص) است، از جنبه‌های متفاوت اعجاز شگفت‌انگیزی دارد.
از جمله، اعجاز لفظی و اعجاز معنوی که از زمان نزول تاکنون، همواره
اندیشمندان و صاحب‌نظران در دریای بیکران آن غواصی کرده‌اند و هر یك
به میزان ظرفیت وجودی خویش، دُرهایی را استخراج و تقدیم کرده‌اند که بسیار
شگفت‌آفرین و تحسین برانگیز بوده است.
اعجاز معنوی قرآن، دامنه‌هایی بس گسترده‌تر را در برمی‌گیرد، به صورتی که همه ساله اندیشمندان رشته‌های علوم با تعمق در معانی ژرف قرآن، نکاتی را کشف می‌کنند که یا علم به تازگی بدان‌ها پی‌برده یا پاره‌ای از جوانب آن را اندیشمندان در عصر جدید کشف کرده‌اند و این در حالی است که قرآن کریم، قرن‌ها پیش بدان اشاره کرده است. اما بینش و فهم بشر تا به امروز قادر به فهم و حلاجی آن نبوده است. این مقاله، پاره‌ای از اعجازهای علمی قرآن را بررسی می‌کند که دانش بشری، رموز این علوم را در قرن حاضر کشف و استخراج کرده است. نگارش این موضوعات ترجمه‌ای آزاد است از کتاب «موسوعه الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم» نوشته‌ی یوسف الحاج احمد که در سال ۲۰۰۷ میلادی در سوریه منتشر شد. در این مقاله، سعی بر آن بوده است که علاوه بر ترجمه، به پژوهش‌های جنبی دیگر در رابطه با موضوع نیز پرداخته شود و در واقع، مقاله رنگ ترجمه و تحقیق به خود بگیرد.

کلیدواژه ها: اعجاز معنوی قرآن، علم و قرآن، قرآن معجزه‌ی جاویدان.

از آنجا که سه موضوع علمی مطرح شده در این مقاله هر یك مستقل از هم هستند
ادامه آن را در صفحات ۱۵، ۲۱ و ۳۱ مطالعه فرمایید.

مهدی نوید در گفت‌وگو با فصل‌نامه‌ی رشد آموزش قرآن تشریح کرد:

تحـــول بنیادین در راه است آمـــاده باشیم

گفت‌وگو: رمضانعلی ابراهیم‌زاده گرجی
یونس باقری

اشاره

گفت‌وگویی که مشروح آن حضور خوانندگان محترم فصل‌نامه‌ی «رشد آموزش قرآن» تقدیم مي‌شود، با مهندس **مهدی نوید** انجام شد. مهدی نوید در مقام دبیر کل شوراي‌عالي آموزش‌وپرورش با خبرنگاران مجله به گفت‌وگویی دوستانه نشست. شورای‌عالی آموزش‌وپرورش، عالی‌ترین نهاد تصمیم‌گيري در حوزه‌ي آموزش‌وپرورش به حساب مي‌آید و مصوباتش حکم قانون دارد.

نوید که تا انتصاب در سمت کنوني، تصدي رده‌هاي متفاوت مديريتي را در وزارت آموزش‌وپرورش در کارنامه‌ی شغلی خود دارد، از جهاد سازندگی به آموزش‌وپرورش آمده است. وی در دوره‌های ابتدایی، راهنمایی و دبیرستانی تدریس کرده است و سابقه‌ی تدریس در مراکز تربیت معلم و دانشگاه قرآن را هم دارد. هفت سال مدیرکل امور فرهنگی ـ هنری امور تربیتی و شش سال معاون سازمان نوسازي مدارس بود. پس از معاونت «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی»، مدتی ریاست آن را به عهده گرفت و سرانجام دبیر کلی شورای عالی آموزش‌وپرورش را عهده‌دار شد. این نکته جالب توجه است که مهدي نوید، در تلفیق دروس دینی و قرآن نقش داشت!

وی با کوله‌باری از تجربه‌های مدیریتی و اجرایی و تدریس، به پرسش‌های ما درباره‌ی ساختار شورای‌عالی آموزش‌وپرورش و وظایف این نهاد، محتوای سند ملی آموزش‌وپرورش، برنامهی درسی ملی، جایگاه قرآن و معارف قرآنی در سند ملی، برنامه‌ی درسی ملی و وضعیت آموزش قرآن و برخی مسائل مربوط به این درس پاسخ گفت. امیدواریم خوانندگان گرامی با مطالعه‌ی مشروح این گفت‌وگو احساس رضایت کنند.

○ **بفرمایید ارتباط سند ملی آموزش و پرورش با برنامهٔ درسی ملی چیست؟**

● سند ملی سندی تحول‌آفرین برای نهاد آموزش‌وپرورش است که همهٔ مؤلفه‌ها و زیرنظام‌هایش را دربرمی‌گیرد؛ از جمله محتوای برنامهٔ درسی ملی را. به اعتقاد ما، اگر قرار است تحولی در آموزش‌وپرورش به وجود آید و از کارامدی و اثربخشی لازم برخوردار شود، تنها با تغییر یک یا دو مؤلفه، تغییرات مورد نیاز ایجاد نمی‌شوند. همهٔ عوامل پیدا و پنهان این نظام باید تغییر کنند.

در سند ملی، از منظر تقسیم کار ملی به آموزش‌وپرورش نگاه کرده‌ایم. هم‌چنین، از بعد عوامل بیرونی سیستم واکاوی شده است که آن‌ها باید چه تغییر نقشی بدهند تا آموزش‌وپرورش بتواند نقش خود را به خوبی اجرا کند. برای مثال، در جای‌جای این سند آورده شده است که اگر به دنبال تحول جدی و پیشرفت در کشوریم، اگر به انسان به عنوان سرمایهٔ فرهنگی و اجتماعی معتقدیم، باید تغییراتی در آموزش‌وپرورش به وجود آوریم. اگر قرار است خلاقیت در کشور تقویت شود و کارآفرینی و تحقیق و پژوهش در کشور گسترش یابد، باید کار را از دبستان آغاز کنیم؛ یعنی از زاویهٔ بیرونی به این نظام نگاه کرده‌ایم.

بحث اصلی در سند ملی آموزش‌وپرورش این بود که تغییرات مورد نظر باید در تمام زیرنظام‌های این نهاد به وجود آیند. یعنی تربیت معلم به «طرح جامع نیروی انسانی» نیاز دارد. همان‌طور که پژوهش نیازمند «طرح جامع پژوهش» است. برای محتوای درسی نیز باید «طرح جامع محتوای درسی» تهیه کرد.

«طرح جامع محتوای درسی» را که نقشهٔ یادگیری محتوای درسی را تبیین می‌کند، «برنامهٔ درسی ملی» نامیدیم. برنامهٔ درسی ملی، عضوی از مجموعهٔ سند ملی آموزش‌وپرورش است و فرایند یادگیری مبتنی بر مواد نظری را تثبیت می‌کند. مفهوم برنامهٔ درسی ملی این است که دانش‌آموز از ابتدای ورود به دبستان تا زمانی که از دبیرستان خارج می‌شود، چه موضوع‌هایی را با چه سطح و عمقی و چگونه فرا بگیرد. معلمان نیز باید چه مهارت‌هایی داشته باشند و چگونه به دانش‌آموزان آموزش بدهند.

○ **آیا می‌توانیم بگوییم برنامهٔ درسی ملی درصدد است، فلسفهٔ تعلیم و تربیت را در حوزهٔ یاددهی ـ یادگیری اجرایی کند؟**

● فقط در قسمت محتوا! اما در بخش نیروی انسانی، برنامهٔ جامع نیروی انسانی در سند ملی دیده شده است. یعنی چگونه معلم تربیت شود تا بتواند برنامهٔ درسی ملی را پیاده کند. در این برنامه، از حوزهٔ منابع انسانی گرفته تا ورودی، نگه‌داشت و چگونگی ارتقای نیروی انسانی تعریف شده است.

سند ملی سندی تحول‌آفرین برای نهاد آموزش‌وپرورش است که همه مؤلفه‌ها و زیرنظام‌هایش را دربرمی‌گیرد؛ از جمله محتوای برنامه درسی ملی را

○ **براساس برنامهٔ درسی ملی، دو دورهٔ شش ساله تعریف شده است. محتوا چگونه با این وضع اجرایی تطبیق داده می‌شود؟**

● تغییر ساختار، تغییر محتوا را به همراه دارد. اکنون دوره‌های تحصیلی نظام آموزشی کشور به صورت ۵، ۳، ۳ و یک سال تنظیم شده است. در ساختار پیشنهادی در سند ملی، این تقسیمات به ۶، ۳ و ۳ سال تغییر یافته است. که محتوای پایهٔ ششم ابتدایی در دست تهیه است.

○ **جناب‌عالی دربارهٔ تغییر فلسفهٔ آموزش‌وپرورش و تدوین سند ملی مطالب گویایی فرمودید. با عنایت به فرمایش مکرر مقام معظم رهبری دربارهٔ مهجور ماندن قرآن در آموزش‌وپرورش، آن‌چه از فلسفهٔ تعلیم و تربیت و برنامهٔ درسی ملی گفتید، چه عایداتی برای آموزش قرآن دارد؟**

● فرمایش مقام معظم رهبری، از دغدغه‌های دوستان تدوینگر سند ملی بود. این گروه درصدد بودند، مبانی تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران را براساس آموزه‌های قرآنی پی‌ریزی کنند و این کار را هم کرده‌اند. امیدواریم تعلیم و تربیت اسلامی در سند ملی، مبتنی بر آموزه‌های قرآنی باشد. زیرا از آموزه‌های قرآنی الهام گرفته‌ایم.

○ **دکتر مهرمحمدی و همکارانشان این کار را کرده‌اند؟**

● بله. لذا تمامی واژه‌های فلسفهٔ تعلیم و تربیت و کلیدواژه‌ها، قرآنی هستند؛ مثل بحث «حیات طیّبه». اگر این بحث درست فهم و درست عملیاتی شود، اصلی‌ترین اتفاق همین اتفاق خواهد بود.

○ **گفته می‌شود در برنامهٔ درسی ملی، قصد بر آن است که درس دینی و قرآن دورهٔ ابتدایی را یکی کنند. به نظر ما کاری اشتباه است و درس قرآن باید از درس دینی جدا باشد. شما چه نظری دارید؟**

● به این مسئلهٔ جزئی باید در برنامهٔ درسی ملی پرداخته شود. بنده اطلاعی از کم و کیف کار ندارم. بنده هم با شما

زبان‌آموزی به تکرار و مداومت نیاز دارد، زیرا قرآن هم‌زبانی است که دانش‌آموز باید فرابگیرد. چون دانش‌آموزان هر روز قرآن می‌خوانند، این کار سبب تقویت یادگیری آنان شد و یادگیری و تکرار سبب تعمیق یادگیری هم می‌شود

موافقم که درس قرآن باید مستقل دیده شود تا امکان انس بچه‌ها با قرآن فراهم آید. در سند ملی، اصطلاح «سواد قرآنی» آمده است، با این هدف که دانش‌آموزان ضمن خواندن قرآن، مفاهیم قرآنی را نیز بیاموزند، با قرآن کار کنند و از قرآن الهام بگیرند. ما کوشیدیم آموزه‌های قرآنی را مبنای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری قرار بدهیم و بدین ترتیب در راستای تحقق آموزه‌های قرآنی حرکت کنیم. یعنی سعی شد هر دو جنبه دیده شود.

○ پس در سند ملی آموزش‌وپرورش اصطلاح «سواد قرآنی» آمده است؟

● بله آمده است. اگر قرار است «سواد قرآنی» تحقق یابد، در دبستان بچه‌ها باید بتوانند قرآن را از رو بخوانند. اما این‌که در کنار درس دینی این آموزش صورت بگیرد یا به صورت مستقل، بحث کارشناسی را می‌طلبد که باید دید دوستان چه تصمیمی می‌گیرند.

○ بنده به عنوان کارشناس آموزش قرآن در مدارس، این دغدغه را با شما در میان می‌گذارم.

● در سؤال قبلی گفتم که با شما موافقم، زیرا در دورهٔ دبستان بچه‌ها نمی‌توانند قرآن را از رو بخوانند. درس دینی هم اقتضاها و باید و نبایدهای خود را دارد و می‌تواند درس مستقلی باشد. بنده هم بر تفکیک این دروس از هم تأکید دارم.

○ قرار است اجرای ۳۰ درصد طرح تجمیع آموزش قرآن در سال سوم ابتدایی، با مجوز شورای‌عالی آموزش‌وپرورش، به مدارس سراسر کشور تعمیم یابد. می‌خواهیم بدانیم نتیجهٔ پژوهشی که صدور مجوز اجرای طرح را در سراسر کشور در پی داشت، چه بود؟

● این طرح برای تجمیع زمان آموزش بود و ساعات درسی در طول یک سال تحصیلی نه کم و نه زیاد شد. در هفتهٔ اول یا حتی در هفتهٔ دوم، ساعات موظف تدریس قرآن در سال سوم ابتدایی را دو ساعت قرار دادند. پس از آن به مدت یک ماه، زمان آموزش روزانه و فشرده شد. بعد از آن تا پایان سال، تدریس به صورت عادی ادامه پیدا می‌کرد.

«پژوهشگاه مطالعات آموزش‌وپرورش» بر ساعات تدریس دورهٔ آزمایشی نظارت داشت. یافته‌های پژوهشگاه نشان داد که برنامهٔ تجمیع، در یادگیری و تسهیل یادگیری دانش‌آموزان نقش مؤثری داشت. این دوره نشان داد که زبان‌آموزی به تکرار و مداومت نیاز دارد، زیرا قرآن هم‌زبانی است که دانش‌آموز باید فرابگیرد. چون دانش‌آموزان هر روز قرآن می‌خوانند، این کار سبب تقویت یادگیری آنان شد و یادگیری و تکرار سبب تعمیق یادگیری هم می‌شود. و به دلیل آن‌که قرآن کلام خداوند است، تأثیر روحی و روانی هم در بچه‌ها دارد.

این طرح پیامد تربیتی هم داشت. از این طرح هم معلمان و هم خانواده‌ها استقبال کردند. بنابراین شورای‌عالی آموزش‌وپرورش بر تعمیم اجرای این طرح در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۰ در مدارس سراسر کشور تأکید کرده است.

○ حدود ۱۰ سال می‌شود که در دورهٔ دبیرستان، درس‌های دینی و قرآن تلفیق شده‌اند که با عنوان «درس دینی و زندگی» اشتهار یافته است. معلمان در این مورد نظر یگانه‌ای ندارند و به همین دلیل، بیشتر به بخش دینی می‌پردازند و به بخش قرآن کم لطفی می‌شود. گروهی از معلمان خواهان تفکیک درس قرآن و دینی از یکدیگرند. نظر شما به عنوان یک کارشناس چیست؟ آیا شورای‌عالی آموزش‌وپرورش نمی‌خواهد با کار پژوهشی، مشخص کند که وضع کنونی مفید است یا باید این دو درس از هم جدا باشند؟

● من در فرایند ادغام این دو درس بوده‌ام و در تصمیم‌گیری

بنده با شما موافقم که درس قرآن باید مستقل از درس دینی باشد تا امکان انس بچه‌ها با قرآن فراهم آید. و این موضوع باید در برنامه درسی ملی مورد بررسی قرار گیرد

نقش داشته‌ام. آن زمان با چند پیش فرض این کار شد. اگر پیش‌فرض‌ها محقق شوند، تصمیم قابل دفاعی است.

فرض تصمیم‌گیران این بود که دانش‌آموزان در دوره‌های دبستان و راهنمایی بر روخوانی و روان‌خوانی قرآن مسلط می‌شوند. در این صورت، دبیرستان جای آموزش روخوانی و روان‌خوانی و حتی تجوید و قواعد نیست. فرض دیگر این بود که در دورۀ راهنمایی تحصیلی، مفاهیم نیز آموزش داده می‌شوند، پس در دبیرستان باید به معارف بپردازیم و به این ترتیب، هدف هر دوره نیز برآورده می‌شود؛ یعنی همان هدف‌هایی که شورای‌عالی برای دوره‌های دبستان، راهنمایی و دبیرستان تعیین کرده است.

پیش‌فرض دوم این بود که گرایش اصلی معلمان از زاویه‌ی معارف قرآنی است، نه صرفاً فلسفی- با این دو پیش‌فرض- گرایش معلمان و تأمین هدف هر دوره‌ی آموزشی- شورای عالی این دو درس را ادغام کرد. با این استدلال، آموزش دین در دوره‌ی دبیرستان، همان تعلیماتی است که ریشه در قرآن دارد و از دل آیات قرآن و روایات استخراج می‌شود. لذا این دو درس می‌توانند با هم باشند. بدین‌ترتیب، معلم وقت بیشتری برای تفکر و تدبر در قرآن و مأنوس کردن بچه‌ها با قرآن خواهد داشت و اندیشه‌ی دینی دانش‌آموزان که ریشه در قرآن دارد، تقویت شود.

○ می‌شود کتاب، کتابی دینی باشد و با الهام از قرآن و مستند به آیات قرآن نوشته شود، اما درس جداگانه‌ای هم برای آموزش قرآن داشته باشیم. این منافاتی با آن‌چه می‌فرمایید ندارد.

● منافاتی ندارد، اما در این درس چه می‌خواهید یاد بدهید؟ باید قرآن را باز کنید و معارف قرآنی را یاد بگیرید.

○ برای مثال، در درس مفاهیم قرآنی دوره‌ی راهنمایی، اکثر اصطلاحات پرکاربرد قرآنی آموزش داده می‌شوند. اصطلاحات باقی‌مانده را می‌توان در دبیرستان یاد داد. برای این‌کار می‌توان به دانش‌آموزان دبیرستانی قرآن کاملی داد که در آن، لغات مشکل در گوشه‌ای از هر صفحه ترجمه شوند و ذل آیات مشکل، ترجمه‌ی ساده‌ای بیاید. بدین‌صورت آموزش قرآن در دبیرستان به شکل مستقل درمی‌آید و در همان حال، مستندات درس دینی هم ملهم از قرآن خواهد بود.

● قابل تأمل است. هدف انس بچه‌ها با قرآن است. اگر کتاب دینی به‌صورت مناسب با قرآن درهم تنیده شده باشد،...

○ در کتابی که در حال حاضر مبنای تدریس است، نتوانسته‌اند این کار را انجام دهند. البته دو نظر بین معلمان وجود دارد: عده‌ای از معلمان معتقدند، هدف تعیین‌شده برای حد فراگیری قرآن تأمین نمی‌شود. پیشنهاد بنده این است که شورای‌عالی آموزش و پرورش برای تعیین تکلیف به پژوهش همه‌جانبه‌ای دست بزنند؛ همان‌طور که برای طرح تجمیع آموزش قرآن در پایه‌ی سوم عمل کرده است، تا وضعیت درس قرآن در دبیرستان مشخص شود.

● می‌توان این کار را کرد.

○ می‌توانیم این خبر را به مخاطبان مجله بدهیم؟

● باید منتظر باشیم و ببینیم که برنامه‌ی درسی ملی چگونه با این پدیده مواجه می‌شود. اگر همین سیاق کنونی ادامه یابد، آن‌وقت می‌توان در آن تأمل کرد.

○ به احتمال زیاد، درس دینی و قرآن را با هم دیده‌اند. پیشنهاد ما این است که شورای‌عالی قبل از این‌که چنین اتفاقی در برنامه‌ی درسی ملی بیفتد، کار پژوهشی انجام دهد.

معلمان قرآن علاوه بر داشتن مهارت‌های عمومی باید از دو ویژگی دیگر هم برخوردار باشند: اول به معلمی قرآن عشق بورزند. دوم، داشتن مهارت‌های قرآنی است

حال به بخش دیگر گفت‌وگو بپردازیم. شورای‌عالی انقلاب فرهنگی، منشور آموزش عمومی قرآن را تصویب کرد. در این منشور، آموزش و پرورش، متولی آموزش عمومی قرآن شده است، اگر قرار باشد مصوبه‌ی شورای‌عالی انقلاب فرهنگی از طریق آموزش و پرورش اجرایی شود، آیا شورای‌عالی آموزش و پرورش آمادگی دارد و آیا در این زمینه تاکنون اقدامی کرده است؟

● منشور مورد نظر به کل کارهای قرآنی در کشور پرداخته است و در بخش آموزش عمومی، مسئولیت را متوجه آموزش و پرورش دانسته است. باید دستگاه‌های مربوط تصمیم بگیرند. شورای‌عالی آموزش و پرورش در این زمینه مسئولیتی ندارد و ما هم به سهم خود اعلام حمایت کرده‌ایم. برنامه‌هایی که قرار است در بخش دانش‌آموزی اجرا شوند، باید در این شورا به تصویب برسند و به صورت قانون درآیند.

○ گذشته از فرمایش رهبری درباره‌ی مهجور بودن قرآن در آموزش و پرورش و مصوبه‌ی شورای عالی انقلاب فرهنگی، فعالیت‌های متفرقه‌ای مثلاً در دارالقرآن و امور تربیتی انجام می‌گیرد. آیا بهتر نیست نهاد مستقلی در آموزش و پرورش شکل بگیرد تا تمام فعالیت‌های قرآنی را هدایت کند؟

● به تشکیل نهاد یا سازمان جدید اعتقادی ندارم. زیرا مشکل این نیست. چنین نهادی در صورت تشکیل، بیش از چهار قدم نمی‌تواند بردارد. مشکل اساسی در نوع نگاه ما به قرآن نهفته است. مشکل در مناسباتی است که با قرآن داریم. تا زمانی که این مشکل وجود دارد، مشکلات دیگر هم‌چنان باقی می‌مانند. باید قرآن را در هر کاری منبع پر فیض دید. برای هر پژوهش، تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری باید به قرآن رجوع داشت. چرا پژوهشگران ما هنگام تحقیق به انواع و اقسام کتاب‌ها رجوع می‌کنند و از آن‌ها کُد می‌دهند، اما به قرآن رجوعی ندارند؟ اگر نگاه ما به قرآن تغییر کند، از مهجوریت درمی‌آید.

وقتی بخشی را به دلیل اهمیت آن جدا می‌کنیم، بخش‌های دیگر خود را کنار می‌کشند و از خود رفع مسئولیت می‌کنند. رویکرد قرآنی باید رویکرد حاکم بر نظام آموزش و پرورش باشد و در برنامه‌های درسی ما فضای قرآنی مشاهده شود. باید شیوه‌های مدیریتی ما ملهم از آیات قرآنی باشد و روح پیام‌های قرآنی در نظام نیروی انسانی و تربیت معلم ما نهادینه شود. به‌طور کلی، امور تربیتی و غیر امور تربیتی، مستقیم و غیرمستقیم به قرآن رجوع کند. در این صورت و با رویکرد قرآنی می‌توان مشکلات را حل کرد و قرآن را از مهجوریت درآورد.

○ مصوبات مجلس شورای اسلامی را، تا شورای نگهبان با شرع و قانون اساسی تطبیق ندهد، تأیید نمی‌کند. آیا در آموزش و پرورش هم نهادی هست که مصوبات این وزارت‌خانه را بررسی کند تا جهت‌گیری‌های آن با روح کلی قرآن منافات نداشته باشد؟

● خیرا! شورای‌عالی آموزش و پرورش ذیل قوانین مجلس، قانون تصویب می‌کند. این مصوبات نباید با چارچوب‌های قانون اساسی و مصوبات مجلس شورای اسلامی مغایرت داشته باشند. ضمن این‌که یک نفر مجتهد آشنا با تعلیم و تربیت اسلامی، در شورای‌عالی حضور دارد و از مرزها مراقبت می‌کند.

○ از نظر شما چه نسبتی بین آموزش قرآن و تربیت دینی وجود دارد؟

● آموزش دینی به‌صورت عام و آموزش قرآن به‌صورت خاص برای تحقق تربیت دینی است. از مجرای آموزش‌های قرآنی باید به تربیت دینی رسید. اما به نظر من، آموزش‌های قرآنی در آموزش و پرورش، هم موضوعیت و هم طریقیت دارد. یعنی ما وظیفه داریم به بچه‌ها قرآن را آموزش بدهیم تا ضمن خواندن، با آن مأنوس شوند و مفاهیم قرآنی را درک کنند. نباید در این حد هم متوقف بمانیم، زیرا هدف آموزش قرآن، تربیت قرآنی است، لذا بین آن‌ها نسبت عموم و خصوص من وجه وجود دارد.

متأسفانه، گاهی- هرچند اندک- مشاهده می‌شود، افراد در مقدمات آموزش قرآن متوقف شده‌اند. یعنی قرآن را راحت و درست می‌خوانند، اما رفتار و منش قرآنی ندارند و دیگران از دست و زبان این عده در امان نیستند. اینان مصداق آیه‌ی مبارکه‌ی «کمثل الحمار یحمل اسفاراً» [جمعه/ ۵] هستند. آموزش قرآن آن‌جا معنا پیدا می‌کند که در گام اول، در جان قاری خانه کرده باشد. اگر سخن، منش، نگاه و تفکر قاری، رنگ و بوی قرآنی داشته باشد، اگر چنین نباشد، چه فرقی با آموزش چیزهای دیگر دارد؟ گرچه تنها خواندن و آموزش قرآن فضیلت به‌حساب می‌آید، اما سبب هدایت آدم‌ها نمی‌شود.

○ وقتی در درس اخلاق شرکت می‌کنیم، مربی و معلم، درس اخلاق می‌گوید و در میان گفتارش از آیات قرآن

بهره می‌گیرد، اما نمی‌گوید درس قرآن می‌دهد. یا مرجعی که فقه تدریس می‌کند، به‌طور قطع در خلال مطالب خویش از آیات قرآن استفاده می‌کند، اما باز هم درس قرآن نمی‌دهد. آیا تدریس کنونی دینی و قرآن، مانند همان درس اخلاق و درس فقه نیست؟ اگر این‌طور باشد، بچه‌ها نمی‌توانند قرآن یاد بگیرند. آیا این استدلال برای استقلال درس قرآن کفایت نمی‌کند؟

● در سطوح تخصصی و پیشرفته این تفاوت مشاهده می‌شود؛ مانند فقه که درس تخصصی دانش دینی است. به درس اخلاق نیز در آموزش و پرورش که ما مسئولیت آموزش عمومی بچه‌ها را داریم، می‌توان از زاویه‌ی دیگری نگاه کرد. برای مثال، می‌توان درباره‌ی اخلاق قرآنی گفت، به جای اخلاق تخصصی. البته کار سختی است. به همین دلیل شاید دوستانی که درس دین و زندگی را آماده کرده‌اند، نتوانسته‌اند خوب از عهده برآیند، اما نگاه، نگاه درستی است. ما به این دلیل که آموزش عمومی است، معارف عمومی را آموزش می‌دهیم. اما در سطوح تخصصی، باید از منظر فلسفی، کلامی و... به هر موضوع نگاه کنیم که در بحث عمومی نمی‌گنجد.

○ مجله‌ی «رشد آموزش قرآن» را که مطالعه می‌فرمایید. آیا نظر خاصی درباره‌ی آن دارید؟

● مجله‌ی خیلی خوبی است. فراز و فرودهایی داشته، اما جریان تکاملی را از دست نداده است. یعنی شیب آن به سمت رشد و بالندگی است. مطالب آن خیلی ساده و خبری شده‌اند.

○ آیا پیشنهادی برای افزایش کیفیت آن دارید؟

● باید با نظرسنجی‌های کاملاً علمی از معلمان و مربیان که مخاطبان اصلی‌اند، برنامه‌ریزی‌های سالانه انجام گیرد. بحث‌های قرآنی دو حیطه‌ی جدی دارند:

الف) اقتضاهای زمان در آن‌ها لحاظ شده باشد. یعنی فهمی از قرآن ارائه شود که پاسخ‌گوی نیاز زمان باشد. گذشتگان، زحماتشان برای دوره‌ی خودشان بوده است. ما باید پاسخ سؤال‌های امروز را از قرآن بطلبیم، آن‌ها را استخراج کنیم و در اختیار مخاطبان قرار دهیم.

از ویژگی‌های زمان حاضر، «فرهنگ مدرنیته» است. مدرنیته مدعی است که به عقل انسان بها می‌دهد و برای پدیده‌ها تبیین عقلی دارد. ما که در مقام دفاع از دین قرار داریم، باید روش تعقلی را ترویج کنیم. به تعبیر **شهید مطهری** در بحث ایمان، یکی از ویژگی‌های مذهبی، «ایمان تعقلی» است نه تعبدی. باید به‌ویژه برای نوجوانان و جوانان در مدارس و دبیرستان‌ها که در سن رشد عقلی قرار دارند،

تمام صاحب‌نظران و متخصصان باور دارند که وضع کنونی در آموزش‌وپرورش، هم از نظر آموزشی و هم از نظر تربیتی و هم از نظر آموزه‌های سیاسی، همان وضعی نیست که جامعه انتظار دارد

از قرآن تعریف تعقلی ارائه دهیم. بها دادن به عقل و تعقل از ویژگی‌های قرآن است. امتیاز قرآن همین ویژگی است. قرآن می‌فرماید: «قل هاتوا برهانکم» و با تعابیر مختلف هم طلب برهان می‌کند. باید با این نگاه به دین و معارف دینی، بچه‌ها را با معارف قرآنی آشنا کنیم.

متأسفانه، گاهی بوعی تحجر و خرافه را از برخی از آموزش‌های دینی احساس می‌کنیم. ما معلمان باید به برهان عقلی پناه ببریم و مقتضیات زمان را در نظر بگیریم. گاهی ترجمه‌هایی از قرآن را در اختیار بچه‌ها قرار می‌دهند که حتی نمی‌توانند آن‌ها را بخوانند؛ لذا ارتباط با قرآن ممکن نمی‌شود.

بنابراین ما به عنوان معلم- چه معلم قرآن چه معلم درس‌های دیگر- نباید آن‌چه را می‌دانیم بیان کنیم، بلکه باید با توجه به نیازهای زمان و نیاز فهم مخاطب سخن بگوییم. توجه به نیاز فردای مخاطبان بسیار اهمیت دارد. زیرا معلمی که تصویری از آینده نداشته باشد، نمی‌تواند دانش‌آموزان را برای فردا و فرداها تربیت کند. به‌طور کلی توجه به نیازهای امروز و فردا ضرورت دارد.

ب) مبتنی بر مخاطب‌شناسی باشند. زیرا معلم باید مخاطبان خود، یعنی دانش‌آموزان را بشناسد. بنابراین باید سخنانی ناب از بزرگان دین را با آنان درمیان گذاشت که ظرفیت فهم آن‌ها را داشته باشند. اگر نتوانند سخن و گفتار خوب را درک کنند، ممکن است دچار بدفهمی شوند. در روایات زندگی پیامبر اکرم(ص) آمده است، آن حضرت در حال گفت‌وگو با **سلمان** بود. وقتی **ابوذر** وارد شد، رسول خدا(ص) سخنانش را قطع کرد. بعد می‌فرماید: اگر ابوذر می‌دانست در قلب سلمان چه می‌گذرد، او را تکفیر می‌کرد. وقتی بین سلمان و ابوذر این‌قدر در فهم معارف فاصله وجود دارد، دیگر از ما و بچه‌های امروزی چه توقعی می‌توان داشت؟

بنده شاهد فاصله‌گیری برخی از بچه‌ها از برخی از معارف دینی بوده‌ام. زیرا سخنانی را شنیده بودند که نتوانسته بودند هضم کنند. یا تبیین نادرستی برای آنان شده بود.

○ زحمت کشیدید که در این گفت‌وگو شرکت کردید.

● موفق و مؤید باشید.

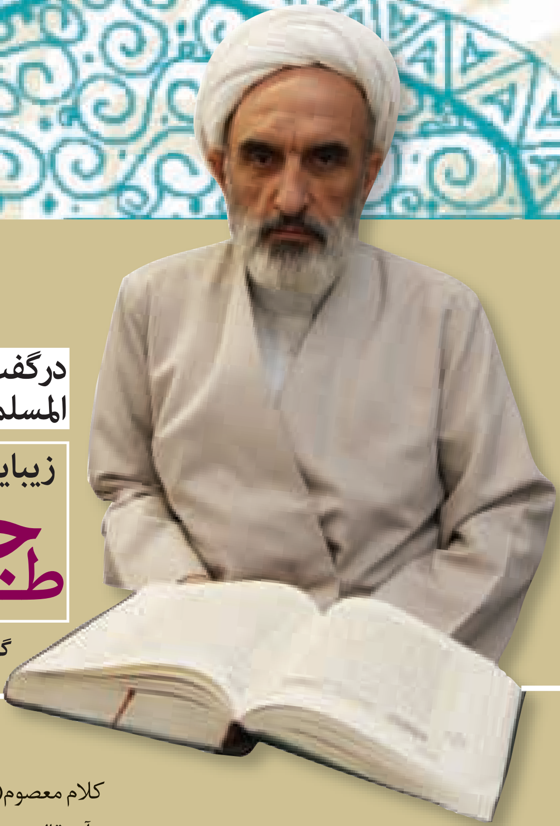

در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام و المسلمین عبدالله حقیقت حاصل شد

زیبایی‌های قرآن و عترت در جام طهور

گفت‌وگو: رمضانعلی ابراهیم‌زاده گرجی

«مؤسسه‌ی فرهنگی و هنری جام طهور»، مؤسسه‌ی غیرانتفاعی و غیردولتی است که سعی دارد معارف اسلامی را، با استفاده از روش‌های جذاب و مستند، از طریق ابزار روزآمد، به مخاطبان عرضه دارد. برای معرفی این مؤسسه، نوع فعالیت‌های آن و امکاناتی که دارد، با حجت‌الاسلام و المسلمین **عبدالله حقیقت**، مدیر مؤسسه، به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

● لطفاً برای مخاطبان فصل‌نامه‌ی رشد آموزش قرآن، درباره‌ی چگونگی و چرایی تشکیل «مؤسسه‌ی فرهنگی هنری جام طهور» توضیح بدهید.

○ سال ۱۳۷۸ با جمعی از دوستان در مجلس شهادت **حضرت زهرا (س)** گفت‌وگو می‌کردیم، سخن به این روایت **حضرت رضا (ع)** رسید که فرمود: «رحم‌الله اَحیی امرَنا» (خداوند رحمت کند کسی را که امر ما را زنده کند). و در روایت دیگر آمده است: اگر مردم زیبایی کلام ما را درمی‌یافتند، به طور قطع از ما پیروی می‌کردند.

در همین جلسه مطرح شد که اگر ما بتوانیم کلام معصوم(ع) را در قالب‌هایی ارائه کنیم که زیبایی‌های کلام در آن قالب تجلی یابد، رجوع مردم به آن‌ها نیز افزایش خواهد یافت.

سرانجام دوستان حاضر در آن جمع تصمیم گرفتند برای انتقال پیام معصوم (ع)، از فناوری‌های جدید از جمله نشریه‌ی الکترونیک استفاده کنند. زیرا این نشریات در دسترسی به اطلاعات، سریع عمل می‌کنند و گستره‌ی بهره‌گیری از آنان نیز محدودیت ندارد. لذا به تأسیس پایگاه اینترنتی طهور به نشانی www.tahoor.com اقدام کردند.

● مؤسسه را چگونه اداره می‌کنید؟

○ مؤسسه هیئت مؤسس و هیئت مدیره دارد. بنده هم به عنوان مدیر مؤسسه‌ی فرهنگی و هنری جام طهور انتخاب شده‌ام. مؤسسه از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجوز رسمی دارد و براساس مقررات جمهوری اسلامی عمل می‌کند و غیرانتفاعی است.

● هزینه‌های مؤسسه را از چه منابعی تأمین می‌کنید؟

○ مؤسسه‌ی فرهنگی و هنری جام طهور، غیرانتفاعی و غیروابسته به نهادهای دولتی است. در همان جلسه‌ی شهادت

پایگاه اینترنتی طهور به عنوان پایگاه مادر، دربرگیرنده‌ی ۹ پایگاه فرعی است که هر یک با نشانی مستقل به موضوع مشخصی اختصاص یافته‌اند. ورود به این پایگاه‌ها، هم از طریق پایگاه مادر و هم به صورت مستقل امکان‌پذیر است

حضرت زهرا (س) که از آن یاد کردم و گفت‌وگوی دوستان منجر به تشکیل این مؤسسه شد، بحث دیگری هم بین دوستان به وجود آمد که درباره‌ی انجمن‌های خیریه بود. در آن جلسه گفته شد، چرا انجمن خیریه‌ای در ایران نداریم تا در زمینه‌ی فرهنگ فعالیت کند، در حالی که انواع انجمن‌های خیریه‌ی دیگر را داریم؛ مثل انجمن خیریه‌ی مدرسه‌سازان، کمک به ایتام و رسیدگی به بیماران. پاسخ این بود که بازده این کارها در کوتاه‌مدت و در خارج قابل رؤیت است. لذا جذابیت دارد. تبلیغ هم در این زمینه‌ها بیش‌تر است. اما در زمینه‌ی فعالیت فرهنگی، نه تبلیغ می‌شود و نه تبلیغ درست می‌شود. ضمن این‌که نتیجه‌ی آن ممکن است پس از سال‌ها کار حاصل شود و عموماً نیز نمی‌توان به چشم سر مشاهده کرد. برای مثال، فرد یا افرادی که به دنبال تلاش فرهنگی تحول روحی پیدا کرده‌اند، امکان دارد در عرض چند سال در آنان تحول مثبت ایجاد نشود و این دگرگونی در میان جمع نیز بسیار نهفته‌تر و با کندی و تدریجی است. بنابراین، جاذبه‌های عینی کوتاه‌مدت ندارد، ولی این سرمایه‌گذاری بنیانی است. باید در این زمینه افرادی که خداوند به آنان نعمت داده و متمول‌اند، به این حوزه وارد شوند. لذا چند تن از دوستان آن جمع هزینه‌های مؤسسه را تقبل کردند و البته بعداً دوستان دیگری نیز در حد توان به آنان پیوسته‌اند و به این طریق هزینه‌های کنونی را تأمین می‌کنند.

● فعالیت شما در فضای مجازی متمرکز شده است و مخاطبان مؤسسه‌ی فرهنگی طهور باید حتماً به اینترنت و پایگاه‌های اینترنتی دسترسی داشته باشند، ضمن آشنا کردن مخاطبان مجله با این پایگاه‌ها، بفرمایید برای ورود به پایگاه آیا شرایطی قرار داده‌اید؟

○ برای ورود به سایت‌های طهور، هیچ شرطی وجود ندارد. هر کس می‌تواند با داشتن نشانی پایگاه، وارد آن شود و از مواد موجود در آن استفاده کند. استفاده از مطالب آن نیز رایگان است. البته یک پایگاه کاربران هم داریم که به دلیل ارائه‌ی سرویس ویژه، علاقه‌مندان ابتدا در پایگاه ثبت‌نام می‌کنند. هنگام معرفی پایگاه‌ها، توضیح لازم را عرض خواهم کرد.

پایگاه طهور نوعی پایگاه جامع اینترنتی است که حاصل فعالیت‌های مؤسسه‌ی فرهنگی و هنری جام طهور، پس از پردازش لازم، در این پایگاه قرار می‌گیرد. این پایگاه از جمله با هدف‌های زیر سازمان‌دهی شد:

ـ فراهم‌سازی امکان دسترسی سریع و آسان به معارف دینی، همراه با دسته‌بندی‌های منطقی، استفاده‌ی بهینه از محتوای موجود در معارف اسلامی و ارائه‌ی نظریات اندیشمندان شیعی در حوزه‌های گوناگون

پایگاه اینترنتی طهور به عنوان پایگاه مادر، دربرگیرنده‌ی ۹ پایگاه فرعی است که هر یک با نشانی مستقل به موضوع مشخصی اختصاص یافته‌اند. ورود به این پایگاه‌ها، هم از طریق پایگاه مادر و هم به صورت مستقل امکان‌پذیر است. پایگاه‌های فرعی و به عبارت بهتر پایگاه‌های تخصصی، عبارت‌اند از: ۱. کتاب‌خانه‌ی طهور؛ ۲. دایره‌المعارف طهور؛ ۳. اعلام طهور؛ ٤. کتاب‌شناسی طهور؛ ۵. ترجمه‌ی قرآن طهور؛ ٦. تفسیر طهور؛ ۷. پادکست طهور؛ ۸. سایت کاربران؛ ۹. سایت پنج روز.

●کار محتوایی‌تان را با تمرکز بر چه موضوعی آغاز کرده‌اید؟

○ ابتدا زندگی ١٤ معصوم (ع) را آماده کردیم و در فضای مجازی قرار دادیم. البته ما به این نکته نیز توجه کردیم که نباید به وحدت میان تشیع و تسنن خدشه‌ای وارد شود. تاکنون ۵۰۰۰ فیش در این زمینه تهیه و تدوین شده است که همه را در دسترس کاربران قرار داده‌ایم. مواد موجود در فضای مجازی، به اصطلاح رایج در این فضا به صورت «شبکه‌ی تار عنکبوتی» سازمان داده شده است. برای مثال، اگر بدانید پیامبر اسلام(ص) در مکه متولد شد، با کلیک روی واژه‌ی مکه، اطلاعات مربوط به آن ظاهر می‌شود. اگر روی نام بنیان‌گذار خانه‌ی خدا ـ حضرت ابراهیم (ع) ـ کلیک کنید، تمام داده‌های موجود مربوط در

نسخه‌ی فارسی سایت دانش‌نامه (دایره‌المعارف) طهور، مباحث بسیاری را دربر دارد؛ از جمله: موضوعات اصلی دینی (عقاید، اخلاق، احکام، فرهنگ و علوم انسانی و زندگی‌نامه‌ی شخصیت‌های اسلامی) نجوم، ادیان آسمانی و آیین‌ها (ادیان غیرآسمانی)

پایگاه، در دسترس قرار می‌گیرند.

خوب است از مرحوم علاقه‌مندان رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش‌وپرورش یاد کنم. شبکه‌ی رشد آموزش‌وپرورش که در زمان مرحوم علاقه‌مندان تأسیس شد، کار را با همین فیش‌های زندگی ۱۴ معصوم (ع) که از طرف مؤسسه‌ی فرهنگی و هنری جام طهور در اختیارشان قرار گرفت، آغاز کرد. تعبیر ایشان این بود که به برکت زندگی ۱۴ معصوم(ع)، شبکه‌ی اینترنتی رشد تقویت خواهد شد. در حقیقت، تا آن زمان، این شبکه محتوایی در اختیار نداشت. هم‌اکنون ۵۰۰۰ فیشی که مؤسسه‌ی فرهنگی طهور در اختیار آموزش‌وپرورش قرار داد، با عنوان «دانش‌نامه‌ی اسلامی» در شبکه‌ی رشد وجود دارد.

● پس از آن فعالیت مؤسسه در چه زمینه‌ای متمرکز شد؟

○ پس از آن و در حدود سال ۱۳۸۱، توجه همکاران مؤسسه به معارف اسلامی معطوف شد؛ با عنایت به دو ویژگی: با نوآوری در شیوه‌ی بیان و قالب بیان همراه باشد.

پایگاه اینترنتی نیز گسترش یافت و از یک سایت در ابتدای فعالیت، به ۱۰ سایت در حال حاضر افزایش یافت. این سایت‌ها که هر یک سایت تخصصی به حساب می‌آیند، عبارت‌اند از:

۱. کتاب‌خانه‌ی طهور: در سایت کتاب‌خانه‌ی طهور حدود ۱۰ هزار مقاله ذخیره شده است که اکثر آنان از آثار مکتوب **علامه سید محمد حسین طباطبایی، شهید مرتضی مطهری** و **علامه تهرانی** استخراج شده‌اند. نشانی سایت چنین است:

www.tahoorkotob.com

● آیا کار خاصی روی مطالب این افراد انجام داده‌اید یا به همان صورتی که در کتاب آمده است، در سایت قرار می‌گیرد؟

○ در آثار ایشان مطالب بسیار ارزشمندی وجود دارد، ولی امکان دسترسی سریع و صحیح به آن‌ها خیلی کم است. نمونه‌ای را بیان کنم. از شهید مطهری بیش از ۱۰۰ عنوان کتاب باقی‌مانده است که تاکنون چاپ و منتشر شده‌اند. اگر ما بخواهیم از مطلبی در کتاب وی استفاده کنیم، نمی‌دانیم در کدام کتاب دنبال آن برویم و یافتن آن کار سختی است. یا برخی از مطالب را علامه طباطبایی و شهید مطهری فی‌البداهه و استدراکی بیان کردند. مثلاً استاد مطهری در یک سخن‌رانی در حسینیه‌ای، درباره‌ی کار صحبت کرد و بیان زیبایی درباره‌ی فواید کار دارد. اما هرگز به نظر ما نمی‌رسد که درباره‌ی موضوع کار به کتاب «حماسه‌ی حسینی» رجوع کنیم. به این علت، در مؤسسه‌ی فرهنگی و هنری طهور تصمیم گرفتیم، مطالب و آثار فراوان را براساس موضوع استخراج کنیم و به صورت متن قابل استفاده در اینترنت قرار دهیم. لذا با انتخاب عنوان‌های مناسب برای هر موضوع، مفاد آن نیز طبقه‌بندی شد، کاربر به راحتی می‌تواند با استفاده از روش جست‌وجو (serch) و طبقه‌بندی، به مواد مورد نیاز و علاقه دست یابد.

این سایت کاربران بسیار زیادی دارد. برای همگان نیز قابل استفاده است، از استاد و تحصیل‌کردگان سطح بالای حوزه بگیر تا دانش‌آموز و طلبه و دانشجو.

● فقط به آثار این سه تن اکتفا کرده‌اید؟

○ اساس کار را بر استخراج مواد از کتاب‌های علامه طباطبایی، استاد مطهری و علامه تهرانی قرار داده‌ایم و تاکنون از آثار دیگر کمتر استفاده کرده‌ایم.

۲. دایره‌المعارف طهور: نسخه‌ی فارسی سایت دانش‌نامه (دایره‌المعارف) طهور، مباحث بسیاری را دربر دارد؛ از جمله: موضوعات اصلی دینی (عقاید، اخلاق، احکام، فرهنگ و علوم انسانی و زندگی‌نامه‌ی شخصیت‌های اسلامی) نجوم، ادیان آسمانی و آیین‌ها (ادیان غیرآسمانی). مطالب دانش‌نامه براساس مدخل تدوین شده است که در دانش‌نامه‌نویسی رواج دارد.

به محققان مؤسسه تأکید کرده‌ایم که هنگام تهیه‌ی مواد هر مدخل تمام مطالب باید مستند و با ذکر دقیق منابع و مآخذ باشند تا روی سایت قرار گیرند. به اصطلاح، از گُستره‌ای

عمل‌کردن اجتناب شد.

برخی از مدخل‌ها بسیار پرمحتوا شده‌اند. مدخل فلسفه از دو هزار فیش تشکیل شده که مجموعه‌ی کاملی از اُمّهات فلسفه به همراه اطلاعات مفیدی درباره‌ی کلیات فلسفی.

با روش جست‌وجو و طبقه‌بندی، می‌توان به مطالب دل‌خواه دست‌رسی یافت. از طریق www.tahoordanesh.com به این پایگاه راه می‌یابید.

این سایت به عنوان یک پایگاه مرجع مطرح است. امیدواریم کاربران به تدریج از مراجعه به منابع و پایگاه‌های دیگر بی‌نیاز شوند.

۳. کتاب‌شناسی طهور با نشانی www.book.tahoor.com در پایگاه کتاب‌شناسی طهور، اطلاعات کتاب‌ها را با طبقه‌بندی شامل علوم قرآنی و تفسیر (۷٦ عنوان)، اخلاق و آداب و سنن (۲۸ عنوان)، کلام و عقاید (۱۲۵ عنوان)، فقه و اصول (۳۹ عنوان)، عرفان و تصوف (۳٦ عنوان)، فرق و ادیان (۹ عنوان)، معارف دینی و متفرقه (۸٦ عنوان) حدیث و حدیث‌شناسی (۱۷ عنوان)، سرگذشت‌نامه (۲۸ عنوان)، ادبیات و هنر (۱۹ عنوان)، تاریخ و جغرافیا (۱۸ عنوان)، علوم و فرهنگ (۳۱ عنوان) و فلسفه و منطق (٤٤ عنوان) ذخیره کرده‌ایم.

برای معرفی هر کتاب دو تا سه صفحه مطلب تدارک دیده شد که دربردارنده‌ی موضوع، تعریف کتاب، شخصیت و زندگی نویسنده، ساختار کتاب، در هر فصل درباره‌ی چه موضوعی بحث می‌شود، شناسنامه‌ی کتاب (نام کتاب، زمان چاپ، تعداد نسخ چاپی، نام نویسنده) و نام مترجم در صورت داشتن مترجم است. اگر افرادی درباره‌ی کتابی اظهارنظر کرده‌اند، آرای آنان را هم می‌آوریم. عکس جدید کتاب نیز ارائه می‌شود. ذیل این کتاب، اگر نویسنده آثار دیگری هم داشته باشد، نام او نیز می‌آید.

کتاب‌شناسی طهور می‌تواند مرجعی باشد برای آشنایی توصیفی با کتاب‌های گوناگون. در اینترنت این کار جدیدی است و با استقبال هم مواجه شده است. به‌ویژه که کار را براساس طبقه‌بندی موضوعی سامان داده‌ایم و یافتن کتاب‌های تخصصی راحت شده است:

در این سایت، کمتر و به ندرت به کتاب‌های روز و در حاشیه توجه می‌شود.

۴. اَعلامِ طهور، سایت نام‌های مشخص (اعلام) است، با این نشانی: www.alaam.tahoor.com

اعلام در سایت طبقه‌بندی شده و تاکنون شامل اعلام طبقه‌بندی شده‌ی زیر است:

انبیا، ١٤ معصوم، فقها و اصولیون، فلاسفه، مورخان، محدثین، مفسران، عرفا، زمام‌داران، متکلمین، فرق و مکاتب، مکان‌ها، زمان‌ها، اقوام و قبایل، حوادث تاریخی، شعرا و ادبا.

هدف مؤسسه این است که پایگاه اعلام طهور، به پایگاهی مرجع و مادر تبدیل شود.

برای هر یک از اعلام، اطلاعات اولیه تهیه شده است. آن‌چه درباره‌ی افراد آمده است، مربوط است به افراد با شخصیت‌های مثبت و منفی. اشخاصی را که از آن‌ها عکس داشته‌ایم، از عکسشان استفاده کرده‌ایم و اشخاصی که تألیفات و آثار مکتوب دارند، به آثارشان لینک می‌دهیم.

● برای تنوع بخشی می‌توانید از طراحی و نقاشی هم استفاده کنید، سبب جاذبه‌ی کارتان می‌شود.

○ پیشنهاد خوبی است. غیر از اشخاص، موضوع‌های دیگر باید مقتضی استفاده از طرح باشند. درباره‌ی مسائل نظری نمی‌توان این کار را کرد.

● اصل اقتضا درست است، اما اگر بتوانید طراح مسلط و باسواد پیدا کنید، درباره‌ی مسائل نظری نیز می‌شود این کار را کرد. تجربه‌ی مطبوعات را در دست‌رس دارید.

○ هزینه‌ی زیادی می‌طلبد.

● در حال معرفی پایگاه‌ها بودید. ادامه دهیم.

○ **سایت کاربران:** این سایت برای ایجاد ارتباط مستمر و پویا سامان یافته است تا کاربران محترم در فضایی علمی و سالم، پرسش‌های خود را درباره‌ی محتوای پایگاه اینترنتی طهور مطرح کنند. ما نیز به آنان پاسخ می‌دهیم. با این توضیح که

بسیاری از ترجمه‌های موجود از قرآن کریم، روان نیست و با قواعد زبان و ادبیات فارسی منطبق نشده است. لذا جای ترجمه‌ای که امکان ارتباط راحت را با فارسی‌زبانان فراهم آورد، خالی بود

اگر پاسخ پرسش آنان در سایت باشد، پرسشگر را بدان ارجاع می‌دهیم و اگر به اطلاعات دیگری نیاز دارد، تهیه می‌کنیم و در سایت قرار می‌دهیم.

البته برخی از کاربران، پرسش‌هایی خارج از وظایف مقرر و در چارچوب مؤسسه هم با ما در میان می‌گذارند. (برای مثال، مشکلات شخصی و خانوادگی). ما نیز تا حد ممکن با استفاده از مفاهیم دینی، پاسخ آنان را با هدف راهنمایی، آماده می‌کنیم.

● در حوزه‌ی فعالیت‌های قرآنی، چه کارهایی را سامان داده‌اید؟

○ در این حوزه، فعالیت‌های مؤسسه متنوع است:

الف) ترجمه‌ی قرآن طهور: در بررسی ترجمه‌های قرآن به این نتیجه رسیدیم که این ترجمه‌ها برای همه قابل استفاده نیستند. مردم نیز این موضوع را با مؤسسه در میان می‌گذاشتند.

● مشکل این ترجمه‌ها از نظر شما چیست؟

○ بسیاری از ترجمه‌های موجود از قرآن کریم، روان نیست و با قواعد زبان و ادبیات فارسی منطبق نشده است. لذا جای ترجمه‌ای که امکان ارتباط راحت را با فارسی‌زبانان فراهم آورد، خالی بود.

ابتدا گروه‌هایی تشکیل شد؛ یک گروه به نگارش فارسی مسلط هستند و به زبان عربی زیاد اشراف ندارند. این گروه کارشان انتقال مفاهیم قرآنی از عربی به فارسی است. گروه دوم که به زبان عربی مسلط‌اند، کار گروه اول را با متن قرآن تطبیق می‌دهند. برای مثال، معادل‌هایی را که گروه فارسی‌نویس، در نگارش خود به کار برده‌اند، با اصل واژه‌ی عربی می‌سنجند تا دریابند تا چه اندازه رسانای مفهوم معادل آن در قرآن است.

سایت خاصی هم برای ترجمه داریم و اکنون چند سوره از متن عربی قرآن را به همراه ترجمه‌ی فارسی در کنار هم در سایت قرار داده‌ایم. کار ترجمه ادامه دارد. در حال حاضر، گروه ویرایش، مشغول ویرایش نهایی ترجمه‌ی فارسی است. پس از آن‌که تمام قرآن به فارسی برگردانده شد، هم روی سایت قرار می‌گیرد. البته در قالب ترجمه به صورت کتاب هم چاپ و منتشر می‌شود.

● ترجمه‌ی ۳۰ جزء قرآن چه وقت به اتمام می‌رسد؟

○ همان‌طور که یادآور شده‌ام، در حال ویرایش نهایی کاریم. امیدواریم کار تا سه ماه آینده خاتمه یابد.

● منظور شما از ترجمه به زبان فارسی، فارسی معیار رسمی است؟

○ فارسی معیار با توجه به حساسیت‌های ترجمه در کار قرآن موردنظر ماست.

● در حال حاضر حتی در غیر تهران، فارسی تهرانی را معیار کرده‌اند. در حالی که فارسی معیار رسمی و زبان ادبی غیر از آن است که در گویش تهرانی می‌شنویم. می‌دانیم که در مناطق گوناگون کشور، گویش‌های متعدد متفاوت رواج دارد.

○ فارسی معیار موردنظر ماست. تفاوت در مناطق در لحن و لهجه است و نه در زبان. براساس زبان فارسی معیار با ترجمه‌های موجود نمی‌توان ارتباط برقرار کرد.

وقتی ترجمه کامل شد و روی پایگاه اینترنتی قرار گرفت، آن‌گاه مشخص می‌شود که منظور ما چیست و ترجمه‌ی قرآن طهور با ترجمه‌های موجود چه تفاوت‌هایی دارد.

● اکنون از قرآن ترجمه‌های متفاوتی در بازار وجود دارد، اما بیش‌تر مردم به دو دلیل از ترجمه‌ی مرحوم الهی قمشه‌ای استفاده می‌کنند: وفور نسخ آن در بازار به سبب چاپ‌های متعدد توسط ناشران متفاوت، و ارتباط آسانی که مخاطبان می‌توانند با این ترجمه برقرار کنند، آن هم به دلیل ترجمه و تفسیر بودن آن.

○ در برخی از موارد ترجمه و شرح است که شرح را در پرانتز می‌آورد.

● آیا شما فقط آیات را به فارسی برگردانده‌اید یا از شیوه‌ی الهی قمشه‌ای هم بهره برده‌اید؟

○ ترجمه‌ی قرآن را براساس تفسیرالمیزان آغاز کردیم. در این مرحله نیز سعی داریم فقط ترجمه به فارسی باشد. اما در جاهایی توضیحاتی را برای خواننده می‌آوریم تا به درک بهتری از آیه یا موضوع موردنظر برسد. این توضیح نیز براساس تفسیرالمیزان اضافه می‌شود. تصمیم ما در مؤسسه بر این است که در آینده ترجمه‌ای همراه با شرح آماده کنیم و در اختیار عموم قرار دهیم. قرار است برای هر آیه شرحی دو تا سه سطری تهیه شود. هدف از این کار، روشنگری بیشتر در مورد هر آیه است.

برتری مکه نسبت به سایر سرزمین‌ها

حسن کاظمی سهلوانی

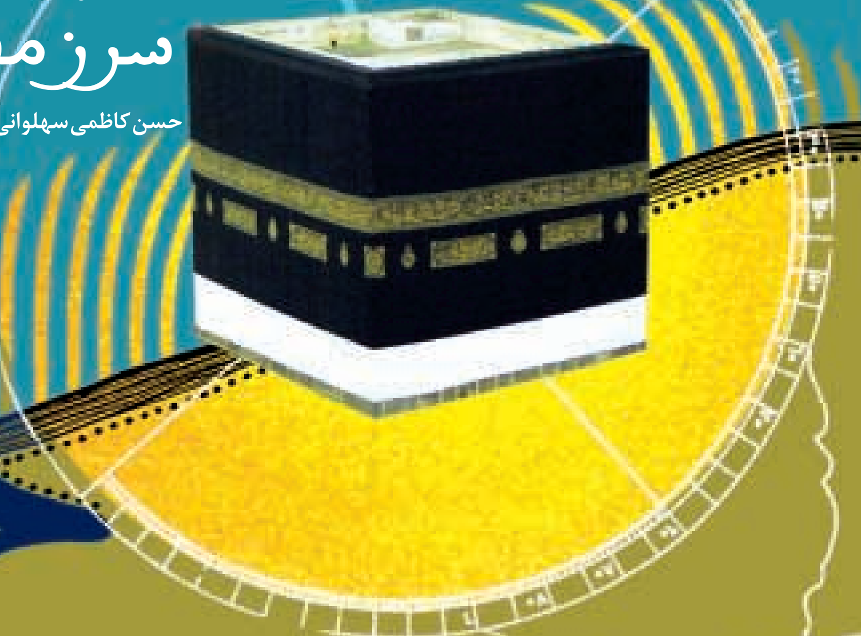

خداوند تعالی در قرآن کریم آورده است که: «و لتنذر ام‌القری و من حولها» [انعام/ ۹۲]: هشدار دهی مردم سرزمین مکه و اطراف آن را.

تحقیقات علمی جدید (۱۹۷۷) حکایت از آن دارد که مکه‌ی مکرمه، مرکز خشکی‌های جهان است. این مطلب، نتیجه‌ی تحقیقات علمی سال‌های متعدد است که به کمک جدول‌های دقیق و پیچیده‌ی ریاضی و به کمک دستگاه‌های محاسباتی، بدان دست یافته‌اند. [الحاج احمد،۲۰۰۷: ۲۱۳].

یوسف الحاج احمد در کتاب موسوعه اعجاز علمی قرآن، از قول دکتر **حسین کمال‌الدین مصری** آورده است: این کشف عجیب در خلال بحث تعیین قبله برای نقاط گوناگون جهان به دست آمده است. وی ابراز می‌دارد، بدین منظور، نقشه‌ای جدید از کره‌ی زمین ترسیم و در آن قاره‌های پنجگانه را معین و مشخص کرده و به صورت اتفاقی و تعجب برانگیز، به این موضوع دست یافته است که مکه‌ی مکرمه، وسط جهان واقع شده است.

وی خاطر نشان می‌سازد ، خشکی‌ها به نسبت یکسان و مساوی در اطراف مکه توزیع شده‌اند و مکه‌ی مکرمه در وسط خشکی‌های جهان واقع شده است.

او نقشه‌ی قدیم جهان قبل از اکتشافات آمریکا و استرلیا را مهیا کرده و تلاش‌های علمی خود را روی نقشه‌ی قدیم جهان هم انجام داده و دریافته است، مکه در موقعیت قدیم جهان و به هنگام شروع دعوت اسلام هم، در مرکز خشکی جهان واقع شده بوده است. مکه با تقدیر الهی مرکز زمین بوده است و برخی اندیشمندان معتقدند، مکه مرکز تجمع شعاع مغناطیس جهان بوده است و هر کسی با قلبی خاشع و با انابه مکه را زیارت کند، چه به صورت حج و چه عمره، مجذوب تمامی سرزمین مکه، چه زمینش و چه کوه‌هایش و به طور کلی هر زاویه‌ای از این سرزمین می‌شود و این احساس، از ابتدای ورود به این سرزمین، برای هرکسی وجود داشته و دارد. از این جا می‌توان به حکمت‌الهی در قرار دادن بیت‌الله الحرام در این سرزمین پی‌برد که مرکز تشعشع انوار نورانی اسلام به سایر نقاط جهان است.

منبع: یوسف الحاج احمد. موسوعه الاعجاز العلمی فی القران الکریم. سوریه ۲۰۰۷

دنیای مجازی

پایگاه‌های پرسش و پاسخ قرآنی و اسلامی

فریبا انجمی
دبیر منطقه‌ی دو تهران

www.slamicmedicing.com
نام: طب‌الاسلامی
زبان: عربی، انگلیسی
موضوع: علم پزشکی و طب در قرآن
skalghazal @ botmail.com

شرح مختصر و امکانات پایگاه

تفاسیر آیات قرآن کریم و تلاوت آیات و نیز مقالات در موضوعات علوم قرآنی و حدیث، در این پایگاه دیده می‌شود. بیانات استادان به‌صورت صوت و فیلم و نیز خبرهایی از دنیای اسلام در آن موجودند. این پایگاه با قرار دادن صوت و فیلم سخن‌رانی‌های استادان علوم قرآنی و تفسیر، و با عضوپذیری برای فرستادن مقالات قرآنی و خبرنامه، در گسترش تعالیم قرآنی می کوشد.

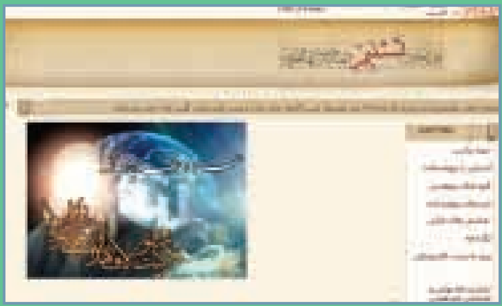

www.tasnim.ir
نام: تسنیم
زبان: فارسی، انگلیسی
موضوع: اخبار و تعالیم قرآنی
infor@tasnim.ir

شرح مختصر و امکانات پایگاه

پایگاه تسنیم با هدف اشاعه‌ی فرهنگ قرآنی و بیان اخبار قرآنی کشور و فعالیت‌های هنری، علمی و فرهنگی سعی در ایجاد فرهنگ قرآنی بین علاقه‌مندان دارد. می‌توان در مسابقات مطالب قرآنی، پایان‌نامه‌های قرآنی و مقالات این پایگاه شرکت کرد. در بخشی از پایگاه، کتاب‌های دیجیتالی قرآنی قرار دارند که حجم وسیعی را دربرمی گیرد. این پایگاه، قابلیت عضوپذیری و جست‌وجو در مطالب و اخبار قرآنی کشور را داراست.

www.quranology.com

نام: قرآن‌شناسی

زبان: فارسی، انگلیسی

موضوع: اعجاز علمی و شناخت قرآن

info@quranology.com

شرح مختصر و امکانات پایگاه

این پایگاه در سوئد و به‌منظور شناخت قرآن تأسیس شده است. به پرسش‌هایی در زمینه‌ی معانی واژه‌های قرآن، آیات آن، ابهامات آن و نظرات آن پیرامون مسائل گوناگون پاسخ می‌دهد. پاسخ‌های علمی و بحث‌های بدیع، از ویژگی‌های مهم این پایگاه است؛ بحث‌هایی در مورد اعجاز علمی قرآن در زمینه‌های بدن انسان، باد، باران، ستارگان، جنین، منظومه‌ی شمسی و... با توجه به بیانات قرآن، نکات جالب توجه و بدیعی را در بر می گیرد. پاسخ به پرسش‌های کاربران و بازدیدکنندگان هم از امکانات این پایگاه به‌شمار می‌رود.

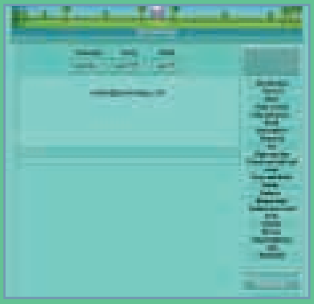

www.IslamicDataBank.com

نام: پارسا (پایگاه اطلاع‌رسانی سراسری اسلامی)

زبان: فارسی

موضوع: مقالات اسلامی و قرآنی

Info@ IslamicDataBank.com

شرح مختصر و امکانات پایگاه

این پایگاه در زمینه‌های پژوهش، اطلاع‌رسانی، علوم رایانه‌ای، ترجمه و ویرایش، منابع منتشر شده را به‌صورت تخصصی وارد پایگاه می کند. کتاب‌شناسی توصیفی هر منبع شامل عنوان نام پدیدآورنده، محل نشر، ناشر، تاریخ نشر، عکس روی جلد، موضوع و... ابتدا در بخش مأخذشناسی استخراج می‌شود. از امکانات این پایگاه، ارائه‌ی فهرست و چکیده‌ی کتاب‌ها، مقالات و نرم‌افزارهای علوم اسلامی داخلی است. هنگامی که پژوهشگری روی شبکه‌ی جهانی به پایگاه مراجعه می کند، به کمک ابزار قوی جست‌وجو که در اختیار او قرار می گیرد، نخست منابع مورد نظر خود را انتخاب می کند و پس از مطالعه‌ی چکیده‌ها، منابع مورد درخواست را سفارش می‌دهد تا اصل منبع به‌صورت پستی برای او ارسال شود یا فایل رایانه‌ای آن را خریداری کند.

روش‌های تدریس

روش شناخت تعلیم توحید در قرآن

کاربرد روش الگویی در آموزش توحید

لیلا خدام

چکیده

روش الگویی یکی از مؤثرترین و پایدارترین انواع یادگیری محسوب می‌شود که یادگیری در آن به‌طور مستقیم و از طریق مشاهده انجام می‌گیرد. در این روش، نمونه‌ای عینی و قابل تقلید در برابر دانش‌آموز قرار می‌گیرد و وی با مشاهده‌ی اعمال و گفتار فرد الگو، می‌کوشد در همه‌ی موارد خود را همانند الگوی موردنظر سازد و شبیه او گردد.

آموزش به روش الگویی، یکی از روش‌هایی است که در قرآن، در موضوعات گوناگون و از جمله در آموزش توحید از آن استفاده شده است. در این مقاله به نمونه‌ای از آن اشاره خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، توحید، آموزش، روش آموزش، روش‌های تعلیمی، روش الگویی.

روش الگویی

در روش الگویی، یادگیری به‌طور مستقیم و از طریق مشاهده انجام می‌گیرد. بدین نحو که مربی، شخصی را که مقبولیت لازم را برای الگو شدن دارا باشد، در برابر دانش‌آموز قرار می‌دهد تا از اعمال و گفتار فرد الگو پیروی کند و خود را شبیه او سازد.

از آن‌جا که در روش فوق، یادگیری به‌طور مستقیم و از طریق مشاهده انجام می‌گیرد و هم‌چنین به سبب میل و گرایش ذاتی انسان به امر تقلید، این روش از مؤثرترین و پایدارترین انواع یادگیری محسوب می‌شود [دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷: ۲۴۴-۲۴۳؛ امینی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۲۳۴]. و علت تأثیر بسیار زیاد روش مذکور این است که انسان‌ها در همه‌ی عمر با امور محسوس سروکار دارند و به همین دلیل، بیش از هر چیز، از روش‌های عینی متأثرند، لذا روش الگویی نیز به خاطر عینی بودن آن، بر جان انسان‌ها می‌نشیند و در نفوس آن‌ها رسوخ می‌کند. بهترین مفاهیم و رساترین اندیشه‌ها نیز زمانی که در قالب نمونه‌ای عینی ارائه می‌شوند، کاملاً ادراک و تصدیق می‌شوند. کلیات علمی نیز اگر بر مصادیق تطبیق نشود، تصدیق آن و ایمان به درستی‌اش، برای نفس سنگین و دشوار است؛ لذا این سخن که غایت تربیت، اتصاف به اسمای حسنای الهی و صفات ربوبی است، درک نمی‌شود مگر آنکه تحقق آن در نمونه‌ای عینی و ملموس مشاهده گردد [دلشاد تهرانی، ۱۳۷۷: ۲۵۱-۲۵۰].

تأثیر والدین و مربی در اصلاح جامعه

تأثیر الگو و نقش‌پذیری انسان، امری طبیعی است که از تقلید سرچشمه می‌گیرد. غریزه تقلید یکی از نیرومندترین غرایز بشری است که در طبیعت انسان‌ها نهاده شده است و به آموزش نیاز ندارد. این غریزه از هنگام تولد با وی

همراه اسـت و تا آخر عمر باقی خواهد ماند؛ با این تفاوت که با رشد عقلی انسان، از میزان تقلید وی کاسته خواهد شد. به همین دلیل، کودک در چند سال نخست زندگی خود، همه‌ی کارهایش را از الگوهای پیرامون خود که در درجه‌ی اول پدر و مادر هستند، الگوبرداری می‌کند. با تقلید از آنان رشد می‌کند و ساختار تربیتی‌اش سامان می‌یابد. از همین‌روست که والدین و مربی باید در اصلاح رفتار و اخلاق خود بکوشند؛ زیرا اخلاق و رفتار اینان، الگوی رفتار متربیان خواهد شـد. بر این اساس، روش الگویـی در سـازمان‌دادن به شـخصیت و رفتار کودک نقش بسزایی دارد. پس از والدین نیز، شخصیت‌هایی که روی کودک نفوذ معنوی دارند، نقش الگویی بسـزایی در تربیت بازی می‌کنند؛ به گونه‌ای کـه تمـام ویژگی‌هـای فکری و روحی و جلوه‌هـای رفتاری آنان تقلید می‌شـود و هرچـه قدرت نفوذ الگوها بیشـتر و زمینه‌ی پذیرش آماده‌تر باشـد، نمونه‌برداری کامل‌تر صورت می‌گیرد. به همین دلیل است که نقش الگوها، حسـاس‌ترین نقش تربیتی است، تا جایی که الگوهای صالح، مردم را به صلاح می‌رسانند و الگوهای فاسد، مردم را به فساد می‌کشانند [همان، ۲۴۴-۲۴۳؛ امینی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۹۹-۹۸]. از امیرمؤمنان (ع) در این باره روایت شـده است که فرمودند: «الناس بأمرائهم أشبه منهم بـآبائهم: مردم به زمام‌داران خود شبیه‌ترند تا به پدرانشان» [مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۷۵: ۴۶].

لذا در این روش، با یک رابطه‌ی دوسـویه بین الگوپذیری و الگوسـازی مواجـه خواهیم بود؛ یعنی به همـان میزان که اسـوه‌پذیری کودکان و نوجوانان اهمیت دارد، اسوه‌سـازی و الگوسازی نیز اهمیت دارد. بنابراین، والدین و مربیان می‌توانند با رفتار حسـاب شده، صفات نیکو و سـجایای پسندیده را بر افراد و جوامع حاکم سازند. بر این اساس، نافذترین و مؤثرترین روش تربیتی، روش الگویی است [اعرافی، بی‌تا، ج ۲: ۲۳۴].

لـذا می‌توان گفـت روش الگویـی، یکـی از مؤثرترین و پایدارترین روش‌های تربیتی اسـت که افـراد مورد تعلیم با تقلیـد کردن و نمونه قرار دادن دیگـری، از اعمال، رفتار و گفتـار وی پیـروی می‌کنند و از آن‌جا که شـخص نیکوکار و شـخص بدکار، هر دو می‌توانند الگو قرار گیرنـد، لذا بر والدین و مربیان لازم اسـت علاوه بر اصلاح رفتار و گفتار خود، الگوهای مناسب را به متربیان معرفـی کنند تا آن‌ها راه را به خطا نروند.

روش الگویی در قرآن و سنت

این روش در بسـیاری از آیات قرآن کریم به چشم می‌خورد که در برخی از آن‌ها، اشـخاصی به عنوان اسـوه و الگو معرفی شده‌اند و به پیروی از آنان فرمان داده شده است. مانند آیه‌ی ۲۱ سوره‌ی مبارکه‌ی احزاب: لقد کان لکم فی رسول

در روش الگویی، یادگیری به‌طور مستقیم و از طریق مشاهده انجام می‌گیرد. بدین نحو که مربی، شخصی را که مقبولیت لازم را برای الگو شدن دارا باشد، در برابر دانش‌آموز قرار می‌دهد تا از اعمال و گفتار فرد الگو پیروی کند و خود را شبیه او سازد

الله أسوه حسنه لمن كان يرجوا الله و اليوم الأخر و ذكر الله كثيراً: هر آينه شما را [در خصلت‌ها و روش] پیامبر خدا نمونه و سرمشق نیکو و پسندیده‌ای است، برای کسی که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدای را بسیار یاد می‌کند». در برخی دیگر، رفتار اسوه‌ها و زندگی آنان بیان شده است و از این طریق، هدایت‌های آسمانی به‌طور عینی در معرض مشاهده‌ی افراد قرار داده شده است؛ مانند ادب بلیغ پیامبران در مقام سخن گفتن با خداوند [همان، ج ۲، ص ۲۳۵-۲۳۴].

روش الگویی علاوه بر این‌که در قرآن مورد توجه قرار گرفته است، از سوی پیامبر اکرم (ص) و ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) و بزرگانی چون ابن‌سینا، مولوی، محمد قطب، پیاژه، موریس دبس و... نیز به آن توجه شده است. برای مثال، امام صادق (ع) در این باره می‌فرمایند: «کونوا دعاه الناس بأعمالکم و لاتکونوا دعاه بألسنتکم: مردم را با رفتار خود دعوت نمایید تا با زبان خود»[۸] و یا محمد قطب می‌گوید: «اسلام، پایه‌ی روش تربیتی خود را بیش از هر چیز بر روش الگویی قرار داده است؛ زیرا عملی‌ترین و پیروزمندانه‌ترین وسیله‌ی تربیت، تربیت کردن با نمونه‌ی عملی و سرمشق زنده است». هم‌چنین، ابن‌سینا معتقد است که آموزش باید گروهی باشد و دانش‌آموز با هم‌سالان خود به ویژه با دانش‌آموزانی که بزرگ‌زاده‌اند و آداب نیک می‌دانند و عادات پسندیده دارد، معاشرت کند، زیرا کودک از کودک فرا می‌گیرد و می‌کوشد از آنان عقب نماند [اعرافی، بی‌تا، ج ۲: ۲۳۶-۲۳۴].

نمونه‌ی قرآنی در تعلیم توحید

فلما اعتزلهم و ما یعبدون من دون الله وهبنا له إسحق و یعقوب و کلاً جعلنا نبیاً [مریم/ ۴۹]: پس چون از آنان و آن‌چه به جز خدای یکتا می‌پرستیدند، کناره گرفت، به او اسحاق و یعقوب دادیم و همه را پیامبر کردیم.

تفسیر آیه

فلما اعتزلهم و ما یعبدون من دون الله وهبنا له اسحاق و یعقوب و کلاً جعلنا نبیاً: هنگامی که ابراهیم (ع) از قومش و عبادت آن‌چه که آن‌ها از غیر خدا می‌پرستیدند، کناره گرفت و به سوی شام رفت، ما آن (فراق از خویشاوندان) را به آن‌چه بهتر از ایشان بود و نزد خداوند، گرامی‌تر از آن‌ها بود، تبدیل کردیم و فرزندی چون اسحاق و فرزندزاده‌ای چون یعقوب به او بخشیدیم و هر یک از آن‌ها را نبی قرار دادیم. (۱)

صاحب مفاتیح‌الغیب در تفسیر این آیه، هفت نعمت و صفت برای حضرت ابراهیم (ع) بیان می‌کند که از طرف خداوند به آن حضرت (ع) عطا شده است و دلیل هر یک از آن‌ها را با توجه به آیات قرآن بیان می‌دارد. (۲) مثلاً علت این را که آن حضرت(ع) پدر مسلمین نام گرفتند: «مله أبیکم إبراهیم» [حج/ ۷۸]، به خاطر برائت جستن ایشان از پدر خویش در راه خدا بیان می‌کنند: «فلما تبیَّنَ له أنه عدو لله تبرأ منه إن ابراهیم لأوه حلیم» [توبه/ ۱۱۴]؛ از جمله نعمت‌های دیگر که جناب **فخر** به آن اشاره می‌کند، اعطای **اسحاق** (ع) و **یعقوب** (ع) به آن حضرت (ع) و نبی قرار دادن ایشان است که در این آیه به آن اشاره شده است و دلیل آن را به خاطر اعتزال و دوری از مردم بیان می‌کنند که در سوره‌ی مبارکه‌ی مریم آمده است: و أعتزلکم و ما تدعون من دون الله [مریم/ ۴۸].

صاحب التحریر در تفسیر این آیه می‌نویسد: هنگامی که از پدرش و قومش دوری گزید و با این فراق انس نگرفت (احساس ترس کرد)، ما به او ذریه‌ای دادیم تا با آن‌ها انس گیرد و لذا پسرش اسحاق و پسر پسرش یعقوب را به او دادیم و هر دوی آن‌ها را نبی قرار دادیم. و این پاداش تنها در اعطای اسحاق(ع) و یعقوب (ع) خلاصه نمی‌شود، زیرا عبارت آیه نیز بیانگر حصر نیست. پس اسماعیل (ع) را هم به او عطا کرد و اعطای اسماعیل قبل از اعطای اسحاق است. اما همه‌ی این‌ها بعد از دوری حضرت (ع) از قومش صورت گرفت.

و اما علت این‌که فقط از اسحاق و یعقوب یاد کرده و از اسماعیل نامی نبرده، این است که هنگامی که حضرت ابراهیم خواست از قومش دوری گزیند، همسرش ساره نیز برای رضای پروردگار، از قومش دوری گزید. بنابراین، خداوند هدیه‌ای را ذکر کرد که مشمول هر دوی آن‌هاست که دادن اسحاق و یعقوب به آنان است و برای این است که این موهبت به حضرت ابراهیم(ع) به خاطر مفارقتش از پدر و قومش داده شده است. لذا باید چیزی باشد تا حضرت با آن معاشرت کند و مأنوس شوند که همان اسحاق و یعقوب هستند و اما در مورد حضرت

روش الگویی علاوه بر این‌که در قرآن مورد توجه قرار گرفته است، از سوی پیامبر اکرم (ص) و ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام) و بزرگانی چون ابن‌سینا، مولوی، محمد قطب، پیاژه، موریس دبس و... نیز به آن توجه شده است

علامه معتقد است، علت اینکه در این آیه به نام اسحاق اکتفا شده، این است که خداوند خواسته است به توالی شجره‌ی نبوت در بنی‌اسراییل اشاره کند

اسماعیل، خداوند اراده کرده است تا دور از ابراهیم، در مکه و در جوار خانه‌ی کعبه باشد. و لذا از حضرت اسماعیل به‌طور مستقل یاد کرده است [ابن عاشور، بی‌تا، ج ۱۶: ۵۲-۵۱].

علامه معتقد است، علت این‌که در این آیه به نام اسحاق اکتفا شده، این است که خداوند خواسته است به توالی شجره‌ی نبوت در بنی‌اسراییل اشاره کند. لذا بعد از نام اسحاق، از یعقوب یاد شده است. چون دودمان یعقوب، جمع کثیری از انبیا بوده‌اند و مؤید این معنا جمله‌ی «و کلا جعلنا نبیاً» است [طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۴: ۶۲-۶۱].

صاحب تفسیر نمونه، اعطای این موهبت بزرگ ـ فرزندی هم‌چون اسحاق و نوه‌ای هم‌چون یعقوب ـ به حضرت ابراهیم را نتیجه‌ی آن استقامتی می‌داند که آن حضرت را در مبارزه با بت‌ها و کناره‌گیری از آن آیین باطل از خود نشان داد. [مکارم شیرازی، بی‌تا، ج ۱۳: ۸۶].

لذا این آیه بیانگر نعمتی است که خداوند به حضرت ابراهیم(ع) عطا کرد و آن نعمت، اعطای اسحاق و یعقوب به ایشان است که هر یک از آن‌ها را نبی قرار داد و این نعمت به خاطر دوری و کناره‌گیری آن حضرت (ع) از قومش (به خاطر خدا) و دوری از عبادت آن‌چه که آن‌ها غیر از خدا می‌پرستیدند، به ایشان عطا شد.

روش تعلیم توحید در آیه

در این آیه، خداوند برای این‌که مردم را به دوری از بت‌پرستی و به‌طور کلی نفی عبادت غیر خدا دعوت کند، به بیان داستانی واقعی می‌پردازد و داستان حضرت ابراهیم را نقل می‌کند و می‌فرماید: در قبال دوری و کناره‌گیری حضرت ابراهیم از قومش، به خاطر خدا و دوری از عبادت چیزهایی که آن‌ها غیر از خدا می‌پرستیدند، اسحاق و یعقوب را به ایشان عطا کرد و با بیان این ماجرا، الگویی را برای مخاطبان به تصویر می‌کشد که برای حفظ دین هجرت را برمی‌گزینند و از قوم خود کناره می‌گیرد و خداوند نیز به ایشان پاداش می‌دهد.

بدین ترتیب، به مؤمنین می‌آموزد که گاهی اوقات به خاطر خداوند، باید از چیزهایی که دوست دارند بگذرند و برای حفظ دین اگر لازم باشد، هجرت کنند.

نتیجه‌گیری

روش الگویی یکی از روش‌هایی است که در امر تعلیم توحید در قرآن استفاده شده است. در این روش، نمونه‌ای عینی و قابل تقلید مطرح می‌شود تا شخص با مشاهده‌ی وی، از اعمال و گفتارش تقلید کند و خود را همانند وی سازد.

منابع

۱. دلشاد تهرانی، مصطفی. **سیری در تربیت اسلامی** (چاپ سوم). مؤسسه‌ی نشر و تحقیقات ذکر. تهران. زمستان ۷۷.
۲. اعرافی، علیرضا و همکاران. **آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن**. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (چاپ اول). سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). تهران. پاییز ۱۳۷۷.
۳. امینی، ابراهیم. **اسلام و تعلیم و تربیت** (چاپ پنجم). انتشارات سازمان انجمن اولیا و مربیان. تهران. بهار ۱۳۷۹.
۴. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی بن مقصود. **بحارالانوار**. بیروت ـ لبنان: مؤسسه الوفاء، سال ۱۴۰۴ قمری.
۵. ابن عاشور، محمد بن طاهر، **التحریر و التنویر**، بی‌چا، بی‌نا، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۵۱-۵۲.
۶. طباطبایی، سید محمد حسین. **المیزان فی تفسیر القرآن** (چاپ پنجم). دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم. قم. ۱۴۱۷ ق.
۷. مکارم شیرازی و همکاران. تفسیر نمونه (ج ۱۳). سال ۱۳۷۴ ش.
۸. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، **جامع‌البیان فی تفسیر القرآن**، چاپ اول، بیروت: دار المعرفه، سال ۱۴۱۲ ق، ج ۱۶، ص ۷۰؛ طوسی، محمد بن حسن، با مقدمه شیخ آغابزرگ تهرانی و تحقیق احمد قیصر عاملی، التبیان فی تفسیر القرآن، بی‌چا، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی‌تا، ج ۷، ص ۱۳۱؛ ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، **روض‌الجنان و روح‌الجنان فی تفسیر القرآن**، تحقیق: دکتر محمد جعفر یاحقی ـ دکتر محمد مهدی ناصح، بی‌چا، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، سال ۱۴۰۸ ق، ج ۱۳، ص ۹۲؛ میبدی، رشیدالدین احمد بن ابی سعد، **کشف‌الأسرار و عده الأبرار**، تحقیق: علی اصغر حکمت، چاپ پنجم، تهران: انتشارات امیرکبیر، سال ۱۳۷۱ ش، ج ۶، ص ۵۳؛ گنابادی، سلطان محمد، **تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباده**، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، سال ۱۴۰۸ ق، ج ۳، ص ۷؛ طیب، سید عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلام، سال ۱۳۷۸ ش، ج ۸، ص ۴۵۱؛ مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، چاپ اول، تهران: دارالکتب الإسلامیه، سال ۱۳۷۴ ش، ج ۱۳، ص ۸۶.

معیار طراحی سؤالات امتحانی درس دینی و قرآن

با توجه به فصل امتحانات دانش آموزان، معیار طراحی سوالات تقدیم شما خوانندگان عزیز می شود. امید است مفید فایده واقع شود.

حیطه‌های تربیتی

دانشـــمندان تعلیم و تربیت هدف‌های تعلیـــم و تربیت را در سه حیطه‌ی شـــناختی، عاطفی، و روانی- حرکتی تقسیم‌بندی و سازمان‌دهی کرده‌اند.

الف) حیطه‌ی شناختی

حیطه‌ای است که آموختن و به‌طور کلی پیدا کردن شناخت به آن مربوط می‌شـود. این حیطه شـش سـطح یا طبقه دارد که به‌ترتیب از ساده به مشکل عبارت‌اند از:

۱. دانـش: در این‌جا دانش یعنی حفظ یک مطلب. مثلاً نبی یعنی پیامبر، یا معاد یعنی زندگی پس از مرگ.

۲. درک و فهم: عامل فهمیدن در این سطح، یعنی برقراری ارتبـاط بین معنـای لغوی کلمه با مفهوم واقعـی آن. برای مثال، دانش‌آموز معنی واحد را بلد است، ولی فهم و درک خدای واحد در سطحی بالاتر از دانستن معنای آن است و آن یعنی فهم بلاشریک بودن او.

۳. کاربرد: در این سـطح دانش‌آموز باید بتواند، بدون نیاز به راهنمایی، عبارت فهمیده شده را در موقعیت مناسب به کار بندد و از آن استفاده کند. مثلاً برای اثبات نبوت، از کلمه‌ی نبی به موقع و به‌جا استفاده کند.

۴. تجزیـه و تحلیل: دانش‌آموز در این سـطح قادر خواهد بـود مطالبی را که به او عرضه می‌شـوند، در زمینه‌های یادگرفته شـده طبقه‌بندی کند. مثلاً در منطق، مطالب دارای سفسـطه را بفهمد و آن‌ها را از اسـتدلال درست منطقی جدا کند و یا عناصر تشکیل‌دهنده‌ی این سفسطه را معرفی کند.

۵. ترکیب: در این سـطح، دانش‌آموز قادر اسـت از مطالب اولیه‌ی فرا گرفته شـده، مثلاً استدلال تازه‌ای درباره‌ی توحید ارائه دهد و یا با فراگرفتن مقدماتی، برای معاد استدلال بیاورد.

۶. ارزش‌یابی (قضاوت و داوری): در آخرین سطح حوزه‌ی شـناخت، دانش‌آموز می‌تواند مطالب درسـت و نادرست را از هم تشـخیص و تمیز دهد. به عبارت دیگر، مطالب را آن‌قدر درونی و محکم فرا گرفته اسـت که خود می‌توانـد درباره‌ی صحت یا عدم صحت آن‌ها داوری کند.

ب) حیطه‌ی عاطفی

حیطه‌ای است شامل علاقه‌ها، احساسات، ارزش‌ها، اخلاقیات و عواطف انسانی. در تعلیم و تربیت حوزه‌ی دینی، به این حوزه «دل» اطلاق می‌شود که خود پنج سطح یا طبقه دارد:

۱. دریافت: یعنی این‌که فرد در مرحله‌ی اول با ارزش یا نوع جدیدی از موضوع اخلاقی یا ارزشی برخورد می‌کند و به اصطلاح آن را درمی‌یابد. در این‌جا، شـخص هیچ واکنشی (اعم از مثبت یا منفی) از خود نشان نمی‌دهد.

۲. واکنش: در این سطح یا مرحله، فرد فقط به موضوع توجه نمی‌کند، بلکه نسبت به آن واکنش نشان می‌دهد. به‌عبارت دیگر،

نسبت به آن توجه فعالانه دارد یا رفتارهای داوطلبانه و فرمان‌برانه از خود بروز می‌دهد.

۳. ارزش‌گذاری: در این مرحله، رفتار فرد با ثبات شده است؛ به طوری که نشان‌دهنده‌ی دست یافتن او به خصلتی ناشی از عقیده است. درحقیقت، ارزش ارائه‌شده به او، به گونه‌ای برایش درونی شده است.

۴. سازمان‌بندی (تدوین): در جریان درونی‌شدن ارزش‌ها، فرد با ارزش‌های متعدد و متفاوتی روبه‌رو می‌شود. در این مرحله، آن‌ها را تدوین می‌کند، به‌صورت نظام‌دار و براساس ضرورت و اهمیتشان، آن‌ها را مرتب می‌کند و به روابط بین آن‌ها نظم و نسق می‌دهد.

۵. تبلور (درونی شدن): در این مرحله، رفتارهای ارزشی فرد براساس احساس و عواطف نیست. او آن‌قدر در این زمینه به کمال رسیده و اصطلاحاً پخته شده که به ثبات رسیده است و به سادگی و راحتی تغییر نمی‌پذیرد.

ج) حیطه‌ی روانی ـ حرکتی

نظر به این‌که بحث در این حیطه حول محور مهارت‌های حرکتی و رفتار افراد یا دانش‌آموزان است مثلاً یادگیری قرائت نماز، روخوانی و روان‌خوانی قرآن کریم و سایر اعمال شبیه به این موضوع در حیطه‌ی روانی ـ حرکتی و یا مهارتی قرار می‌گیرد.

طرح سؤال با توجه به حیطه‌های تربیتی

الف) حیطه‌ شناختی

بنای کتاب‌های دینی و قرآن بر حفظ مطالب نیست و اصرار دارد که مسائل را پس از حوزه‌ی شناخت، به سمت ایمان و سپس عمل صالح سوق دهد. بنابراین، سؤال‌های ما باید دارای این جهت‌گیری باشد و بر محفوظات کمتر تکیه کند تا در این حیطه، هرچه بیش‌تر به سمت «قضاوت و داوری» میل کند.

سؤال اشتباه: نیازهای بنیادین انسان چندتاست؟ آن‌ها را نام ببرید.

سؤال درست: از بین نیازهای بنیادین انسان، کدام نیاز از همه اساسی‌تر است؟ چرا؟

اصولاً دانش‌آموزان دوره‌ی دبیرستان ممکن است در حیطه‌ی شناختی از حداقل دانش و درک و فهم در مسائل دینی و قرآن برخوردار باشند. بنابراین، سمت‌وسوی آموزش عبارت است از: در مرحله‌ی اول، کاربرد این مفاهیم در حوزه‌ی زندگی فردی و اجتماعی، در مرحله‌ی دوم و در سطحی بالاتر، تجزیه و تحلیل وضع موجود، در مرحله‌ی سوم قضاوت و داوری درباره‌ی آن‌چه که انسان در حوزه‌ی فردی و اجتماعی انجام داده است و درنهایت در

> **دانش‌آموزان دوره‌ی دبیرستان ممکن است در برخی حیطه‌های شناختی از حداقل دانش و درک و فهم در مسائل دینی و قرآن برخوردار باشند**

مرحله‌ی چهارم، با الهام از معارف قرآنی، ساختن خود و جامعه‌ای قرآنی. در این صورت، نمونه سؤال‌های اشتباه و درست می‌تواند این گونه باشد:

مرحله‌ی اول: کاربرد

سؤال اشتباه در مرحله‌ی اول: ضمن ترجمه‌ی آیه‌ی زیر، بنویسید موضوع اساسی آن چیست؟

قل لا اسالکم علیه اجراً الا الموده فی القربی

سؤال درست: پس از ترجمه آیه بیان کنید؛ این آیه چه ارتباطی به امامت و پیروی ما از امام دارد؟

مرحله‌ی دوم: تجزیه و تحلیل

سؤال اشتباه در مرحله‌ی تجزیه و تحلیل: نقش‌هایی را که اسلام برعهده‌ی هریک از اعضای خانواده نهاده است، توضیح دهید.

سؤال درست: ضمن بررسی نقش‌های اعضای یک خانواده از نظر اسلام، بنویسید چرا نمی‌توان این نقش را جابه‌جا کرد؟

مرحله‌ی سوم: ارزش‌یابی (قضاوت و داوری)

سؤال اشتباه مرحله‌ی ارزش‌یابی: با توجه به نامه‌ی حضرت علی(ع) به مالک‌اشتر بنویسید، رهبر با چه کسانی نباید مشورت کند؟

سؤال درست: با توجه به نامه‌ی حضرت علی(ع) به مالک‌اشتر، توضیح دهید چرا رهبر نباید با افراد ترسو مشورت کند؟

مرحله‌ی چهارم، ترکیب (ساختن خود و جامعه‌ی دینی)

سؤال اشتباه مرحله‌ی ترکیب: پیام آیه‌ی زیر را بنویسید.

«ولله العزه و لرسوله و للمؤمنین».

سؤال درست: با توجه به مفهوم آیه‌ی «ولله العزه و لرسوله و للمؤمنین» و نیز میل به عزت‌نفس در انسان، توضیح دهید چگونه می‌شود به عزت رسید؟

ب) حیطه‌ی عاطفی

یکی از هدف‌های تعلیم و تربیت دینی و قرآنی، به‌خصوص در دوره‌ی جدید تألیف کتاب‌ها در آموزش و پرورش که در دوره‌ی دبیرستان به‌عنوان دینی و قرآن شهرت یافته است، تأثیرگذاری بر عواطف دانش‌آموزان است؛ به گونه‌ای که شاهد تقویت ایمان آنان باشیم. بنابراین، مؤلفان و تهیه‌کنندگان کتاب‌ها سعی داشته‌اند حتی ظواهر الفاظ و نوع صفحه‌آرایی آن‌ها به گونه‌ای باشد که درنهایت شاهد رشد و تقویت ایمان دانش‌آموزان باشیم.

نمونه‌ی فرم ارزیابی سؤالات

درس: آموزشگاه: نام دبیر: امتحان: دی ☐ خرداد ☐

ردیف	موارد	امتیاز ۵	۴	۳	۲	۱	شماره‌ی سؤال دارای اشکال
۱	مشخصات سربرگ: نام و نام‌خانوادگی، کلاس، رشته، ناحیه، نام درس، نام دبیر، تاریخ و مدت امتحان، تعداد صفحات						
۲	تعیین شماره (بارم) سؤالات در ستون سمت چپ برگه						
۳	خوانا بودن سؤالات						
۴	کیفیت تکثیر						

ارزیابی محتوایی و فنی سؤال

ردیف	موارد	امتیاز ۵	۴	۳	۲	۱	شماره‌ی سؤال دارای اشکال
۱	نظم منطقی در ترتیب سؤالات از ساده به مشکل						
۲	رعایت تناسب در تعداد سؤالات						
۳	رعایت تناسب محل پاسخ‌گویی با جواب مورد انتظار						
۴	رعایت املای درست، نکات دستوری و نگارشی						
۵	صریح و روشن بودن سؤالات						
۶	اختصاص وقت مناسب برای آزمون						
۷	تناسب نمره‌ی منظور شده با جواب مورد انتظار در قسمت‌های مختلف سؤال						
۸	رعایت بودجه‌بندی کتاب						
۹	تنوع سؤالات براساس رعایت محتوا و اهداف آموزش						
۱۰	رعایت سطوح مختلف حیطه‌ی شناختی در طراحی سؤالات						
۱۱	رعایت اصل انتخابی نبودن سؤالات						
۱۲	نبود پاسخ سؤالات (مستقیم و غیرمستقیم) در سوالات دیگر						
۱۳	وضعیت ارائه‌ی پاسخ‌نامه‌ی کلیدی برای همه‌ی سؤالات						
۱۴	رعایت اصول علمی ـ تخصصی در طرح سؤالات عینی						
۱۵	رعایت اصول علمی ـ تخصصی در طرح سؤالات کوتاه پاسخ						
۱۶	رعایت اصول علمی ـ تخصصی در طرح سؤالات تشریحی						

پیشنهاد برای بهبود کیفیت طراحی سؤالات

گذراندن دوره‌ی طراحی سؤال ☐

مشاوره‌ی حضوری با گروه آموزش مربوط ☐

نظر گروه:

تکان‌های خاک

در سال ۱۸۲۷م، براون،دانشمند بریتانیایی دریافت، آب باران هنگامی که نازل می‌شود، لرزش‌هایی را در دانه‌های خاك ایجاد می‌کند. این دانه‌ها که بزرگ‌ترینشان قطری حدود ۰/۰۰۲ میلی‌متر دارد، به صورت صفحه‌هایی کوچك، بارهای الکتریکی متفاوت بین دانه‌ها ایجاد می‌کند که به سبب اختلاف نوع کانی‌ها، اختلاف بار الکتریکی نیز متفاوت است و ایجاد یون‌های صورت مثبت و منفی می‌کند. اختلاف یون‌ها، باعث لرزش دانه‌ها خاك می شود که فایده‌ای بس عظیم و مهم دارد، زیرا صفحه‌ها از هم دور می‌شوند و فاصله پیدا می‌کنند. این موضوع فضایی بین صفحه‌ها ایجاد می کند که آب در آن‌ها ذخیره باعث می‌شود که برخی گیاهان تا دو یا سه ماه، اندوخته‌ی آبی داشته باشند و به آب نیاز نداشته باشند.

از آن‌جا که این لرزش‌های صفحه‌های دانه‌های خاك را اولین بار براون کشف کرد، آن‌ها را به نام لرزش‌های براون می‌خوانند و این در حالی است که قرن‌ها قبل از براون، این لرزش‌ها وجود داشته و در قرآن کریم بدان اشاره شده است. آن‌جا که می‌فرماید: «و تری الارض هامده فاذا انزلنا علیها الماء اهتزت و ربت انبتت من کل زوج بهیج» [الحج/ ۵]:

تو زمین را افسرده می‌بینی. چون باران بر آن بفرستیم، در اهتزاز آید و نمو کند و از هرگونه گیاه بهجت انگیز برویاند.

نکته‌ای که لازم است بدان اشاره شود، کلمه‌ی «ربت» است. این واژه از اصل الربو و رباست و معنی زیاد شدن دارد. به واسطه‌ی نفوذ آب در سطح لایه‌ها که چون به حالت اشباع درآید، باعث ذخیره‌ی آب می‌شود. امروز از این اصل استفاده می‌کنند و طرح‌های «آب خازن‌داری» را برای ذخیره‌ی آب اجرا می کنند.

منبع: یوسف الحاج احمد. موسوعه الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم. سوریه ۲۰۰۷

روش‌های تربیتی قرآن کریم

اهداف عبرت‌آموزی قرآن کریم

علیرضا قاسم‌زاده
کارشناس‌ارشد علوم قرآن و حدیث
دبیر الهیات و معارف اسلامی

چکیده

از کارامدترین روش‌های تربیتی که در قرآن کریم آمده، روش تربیت از راه عبرت است. عبرت حالتی است که در اثر برخورد با امور ظاهری و مشهود، برای انسان پدید می‌آید و به معرفت باطنی و غیر مشهود منتهی می‌شود. به دلیل ارزش والای این روش و تأثیرگذاری آن در تربیت افراد، قرآن کریم به‌صورت گسترده‌ای آشکارا یا به اشاره، از آن سخن به میان آورده است؛ به‌طوری که در بررسی آیات قرآن کریم، کمتر سوره‌ای را می‌توان یافت که خداوند در آن از این مهم سخن نگفته باشد. یقیناً، قرآن کریم در استفاده از این روش اهداف ویژه‌ای را مد نظر قرار داده است. مقاله‌ی حاضر، ضمن مروری گذرا بر مفهوم عبرت، درصدد بیان مهم‌ترین اهداف عبرت‌آموزی قرآن کریم از قبیل اثبات وحیانی بودن قرآن، تقویت ایمان به توحید و یگانگی خدا، ایمان به نصرت و یاری خداوند، ایجاد و تقویت معادباوری، بیداری و برانگیختن فطرت دینی افراد و نیز اثبات صحت نبوت پیامبر(ص) است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، عبرت، وحیانی بودن، فطرت.

مقدمه

قرآن کریم برای تربیت بشر، از روش‌های متنوعی استفاده کرده است که شاید یکی از تأثیرگذارترین آن‌ها، روش تربیت از راه بیان عبرت یا همان عبرت‌آموزی باشد. واژه‌ی عبرت و اعتبار، هفت مرتبه در قرآن کریم به کار رفته و خداوند به‌وسیله‌ی آن، همه‌ی انسان‌ها ازجمله خردمندان [یوسف/ ۱۱۱]، اهل بصیرت [آل‌عمران/ ۱۳؛ حشر/ ۲؛ نور/ ٤٤] و خشیت [نازعات/ ٢٦] را به عبرت‌آموزی تشویق کرده است. واژه‌ی «عبره» در اصل از کلمه‌ی «عِبَر» مشتق شده است که ارباب لغت برای آن معانی متفاوتی ذکر کرده‌اند. چنان‌که **راغب** اصل آن را گذاشتن از حالی به حالی می‌داند و در تعریف عبرت و اعتبار چنین می‌گوید: «الاعتبار و العبره بالحاله التی یتوصل بها من معرفه المشاهد الی ما لیس بمشاهد» [راغب اصفهانی ۱٤۲۲ هـ.ق: ٥٤٤]: عبرت حالتی است که انسان را از معرفت و شناخت چیزی که دیده شده، به چیزی که در گذشته دیده نشده است، می‌رساند.

علاوه بر واژه‌ی عِبرَه، واژگانی چون «آیَه، مَثَل و فِتنَه» نیز در قرآن کریم به معنای عبرت‌آموزی به کار رفته‌اند [تفلیسی،

۱۳۷۱: ۳٤۷]. باید متذکر شـد، تشابه زندگی انسان‌ها، اقوام و ملت‌ها با یکدیگر و حسابگری و اندیشه‌ورزی و نیز تأثیرپذیری آدمی، پایه‌های اساسی روش عبرت‌آموزی را تشکیل داده‌اند که از همکاری و تعامل آن‌ها با یکدیگر، عبرت به‌وجود می‌آید [ر.ک: قائمی، ش ۲۷: ٦۹].

از آن‌جایـی که هـر روش تربیتی، اهـداف خاصی را برای تربیت بهتر متربیان خود دنبال می‌کند و برای رسـیدن به آن هدف‌ها، تمامی تلاش خود را به‌کار می‌گیرد، جای این سـؤال اسـت که هدف قرآن کریم از طرح مسائل عبرت‌آموز، از قبیل بیان قصص گذشـتگان و نیز توجه دادن مردم به شگفتی‌های آفرینش و... چیست؟ به نظر می‌رسد، با بررسی آیات قرآن کریم که آشکارا یا به اشاره انسان‌ها را به عبرت‌آموزی دعوت کرده‌اند و تفکر و تعمق در آن، بتوان برای این روش تربیتی قرآن کریم اهداف مهمی را برشمرد.

اثبات وحیانی بودن قرآن کریم

یکـی از اهداف اصلی روش عبرت‌آموزی، اثبات این مطلب اسـت که قـرآن کریم از جانب خداوند متعـال به‌صورت وحی بر پیامبرش نازل شـده اسـت. این موضوع زیربنای اعتقادات و باورهای مسلمانان را تشکیل داده و نزد آنان از حساسیت ویژه‌ای برخوردار اسـت. حال با توجه به این‌که هم‌اکنون نیز دشمنان اسلام درصددند با ایجاد خدشـه در این اعتقاد و طرح نظراتی مغرضانه درباره‌ی منشأ قرآن، آب را از سرچشمه گل‌آلود کنند، اثبات این‌که قرآن کار بشـر نبوده و وحی الهی است، از اهمیت دوچندانی برخوردار می‌شود.

با مراجعه بـه قرآن کریم متوجه می‌شـویم، طرح قصص انبیای الهی، اقوام و امت‌های گذشـته و اخبار آن‌ها از یک‌سو و بیان ظرایف و ریزه‌کاری‌های دقیق شگفتی‌های آفرینش از سوی دیگر، قبل از هر چیز بیانگر این اسـت که قرآن ساخته‌ی بشر نبوده، بلکه از جانب خداوند بر بشر ارزانی شده است. قرآن کریم بر این هدف در موارد گوناگون تأکید کرده اسـت. در سـوره‌ی هود، بعد از بیان داسـتان حضرت نوح(ع) و غرق قوم سـتمکار او، پیامبر(ص) را خطاب قرار داده است و می‌فرماید: «تلک من انبـاء الغیب نوحیها الیک ما کنت تعلمهـا انت و لا قومک من قبل هذا فاصبر ان العاقبه للمتقین» [هود/ ٤۹]: این از خبرهای غیب است که آن را به تو وحی می‌کنیم. پیش از این، نه تو آن را می‌دانستی و نه قوم تو. پس شکیبا باش که فرجام [نیک] از آن تقواپیشـگان است. در ماجرای زندگی **مریم(س)** و قصه‌ی کفالت ایشـان توسـط حضرت **زکریای نبـی(ع)**، خداوند به رسـول‌الله(ص) تأکید می‌کند، این از اخبار غیب است که به تو وحـی می‌کنیم، و[گرنه] وقتی که آنـان قلم‌های خود را [برای قرعه‌کشـی به آب] می‌افکندند تا کدام یک سرپرستی مریم را به‌عهده گیرد، نزد آنان نبودی و [نیز] وقتی با یکدیگر کشمکش می‌کردند، نزدشان نبودی [آل‌عمران/ ٤٤]. در صحنه‌ای دیگر، در انتهای قصه‌ی زندگی پر فراز و نشیب **حضرت یوسف(ع)** چنین می‌فرماید: «ذلک من انباء الغیب نوحیه الیک و ما کنت لدیهم اذ جمعوا امرهم و هم یمکرون» [یوسـف/ ۱۰۲]: «این [ماجرا] از خبرهای غیب اسـت که به تـو وحی می‌کنیم و تو هنگامی که آنان هم‌داستان شدند و نیرنگ می‌کردند، نزدشان نبـودی. به هرحـال، قرآن کریم در انتهای سـوره‌ی یوسـف، سرگذشت همه‌ی پیامبران را واقعی و روشنگر بسیاری از حقایق می‌داند و می‌فرماید: «لقد کان فی قصصهم عبره لاولی الالباب ما کان حدیثاً یفتری و لکن تصدیق الذی بین یدیه و تفصیل کل شیء و هدی و رحمه لقوم یؤمنون» [یوسف/ ۱۱۱]: به‌راستی در سرگذشت آنان، برای خردمندان عبرتی است. سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد، بلکه تصدیق آن‌چه [از کتاب‌هایی] است که پیش از آن بوده و روشنگر هر چیز است و برای مردمی که ایمان می‌آورند، رهنمود و رحمتی است.

علاوه بر این، قرآن کریم در طرح شـگفتی‌های خلقت، از مواردی چون مراحل آفرینش آسمان‌ها و زمین، خلقت انسان و زندگی حیوانات، ازجمله درباره‌ی تولید شیر در شکم حیوان که قرآن آن را در بیان عبرت‌ها آشکارا مورد تأکید قرار داده، چنان دقیق عمل کرده که امروزه نیز با پیشرفت‌های علمی وسیع بشر، هنوز راز بسـیاری از این مسائل مطروحه در آیات نورانی قرآن کریم مکشـوف نشده است. چنان‌که **سـید قطب**، وجود یک حقیقت از این نوع در قرآن کریم را با توجه به این‌که تمام مردم آن روزگار از ایـن امور جاهل بودنـد، برای اثبات وحیانی بودن

> **یکـی از اهداف اصلی روش عبرت‌آموزی، اثبات این مطلب است که قرآن کریم از جانب خداوند متعال به‌صورت وحـی بر پیامبرش نازل شده است**

قرآن از جانب خداوند کافی می‌داند [سید قطب، ج ۲۱۸۱/٤]. لذا بیان این مسائل در قرآن کریم که آورنده‌اش امّی و درس‌ناخوانده بوده و در آیاتی از قرآن کریم، درباره‌ی ایشان چنین گفته شده که از خود هیچ علمی ندارد و غیب نمی‌داند و هرچه که بیان می‌کند، به پیروی از وحی الهی است [انعام/ ٥٠] و دوست و دشمن نیز بر این مطلب گواهی داده‌اند، یک پیام مهم به همراه دارد و آن این‌که قرآن کریم وحی الهی است و این پیام مهم همیشه همراه جریان دائمی عبرت‌ها در میان نسل‌های بشر وجود داشته و هم‌چون خون در رگ‌های عالم هستی جاری است. روش عبرت‌آموزی، به‌دنبال ظهور و تقویت باور به این هدف کلیدی قرآن کریم است تا با ثبوت آن، راه هرگونه شک و تردید را در قبال مسائل اساسی دیگر ببندند.

تقویت اعتقاد به توحید و ایمان به خدا

از دیگر اهداف کلیدی شیوه‌ی عبرت‌آموزی قرآن کریم، تقویت اعتقاد به توحید و یگانگی خداوند و ایمان به اوست. پرداختن به این هدف، با توجه به این‌که حتی بسیاری از پیروان کتب آسمانی نیز گرفتار ثنویت و تثلیث شده بودند، بسیار مهم و حیاتی بوده است. لذا قرآن کریم در فرازهای گوناگون، اعتقاد به خدایان گوناگون را زیر سؤال برده است و از پیامبر(ص) می‌خواهد به مردم بگوید، او یگانه و یکتاست و هیچ شریکی ندارد و از همه‌کس و همه‌چیز بی‌نیاز است [توحید/ ۳-۱]. اوست خدایی که آسمان‌ها و زمین و هرچه را در آن وجود دارد، آفریده است و کار آفرینش را تدبیر می‌کند [یونس/ ۳] و هم‌چنین، اوست که شب و روز را با هم جابه‌جا می‌کند و آن را عبرتی برای اهل بصیرت قرار می‌دهد: «یقلب الله اللیل و النهار ان فی ذلک لعبره لاولی الابصار» [نور/ ٤٤].

لذا اهل بصیرت نیز از این ماجرا درس گرفته و با بینایی خاص خود، در پشت پرده‌ی شگفتی‌ها، خدا را می‌بینند و ایمانشان نسبت به خدا بیش از پیش می‌شود. حال، مؤمنان بابصیرت که چشم دلشان به روی حقایق هستی باز شده است، این آمادگی را پیدا می‌کنند تا خداوند آیات و نشانه‌های زیادی برای اثبات حقانیت خود به ایشان نشان دهد. این‌جاست که می‌فرماید: «سنریهم ءایاتنا فی الافاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق» [فصلت/ ٥۳]: به‌زودی نشانه‌های خود را در افق‌ها [ی گوناگون] و در دل‌هایشان بدیشان خواهیم نمود، تا بر ایشان روشن گردد که او خود حق است. آری او حقیقتی انکارناپذیر است که در تمام ذره‌های عالم هستی حاضر است. پس اگر تمام آیات تکوین و تدوین را با نگاه عبرت‌آموز و هوشیارانه بنگریم، حتی برگ درختان سبز نیز بر معرفت خداوند شهادت می‌دهند و هریک به زبان حال از او سخن می‌گویند و آشکارا انسان‌ها را به معرفت خالق توانای خویش فرامی‌خوانند. بنابراین، قرآن کریم با شیوه‌ی عبرت‌آموزی و بیان عبرت‌ها، درپی تربیت افرادی مؤمن و خداجوست و قصد دارد با بیدار کردن جان‌های خفته‌ی انسان‌ها، آن‌ها را از قید بندگی خدایان پراکنده آزاد کند و به خضوع در مقابل خدای واحد قهار دعوت کند.

ایمان به نصرت و یاری خداوند

یکی دیگر از اهداف روش عبرت‌آموزی قرآن کریم، اعتماد به یاری خداوند در شرایط بسیار سخت و پیچیده است؛ زمانی که حوادث متفاوت به گونه‌ای رقم می‌خورد که سپاه صبر و بردباری عقب‌نشینی کرده و نومیدی و یأس، جان‌ها را به لب می‌رساند تا جایی که حتی انبیای عظام الهی نیز از ایمان مردم دچار یأس می‌شدند؛ چنان که خداوند در سوره‌ی یوسف(ع) با اشاره به این مطلب می‌فرماید: «حتی اذا استیئس الرسل و ظنوا انهم قد کذبوا جاءهم نصرنا فنجی من نشاء و لا یرد باسنا عن القوم المجرمین» [یوسف/ ۱۱۰]: تا هنگامی که فرستادگان [ما] نومید شدند و [مردم] پنداشتند که به آنان واقعاً دروغ گفته شده است، یاری ما به آنان رسید. پس کسانی را که می‌خواستیم، نجات یافتند. و[لی] عذاب ما از گروه مجرمان برگشت ندارد. به نظر **علامه طباطبایی**، آیه‌ی فوق رسول خدا(ص) را این‌گونه مورد خطاب قرار می‌دهد که: «رسولان همانند تو مردانی از اهل سرزمین خود بودند که قریه‌های ایشان به کلی نابود شده بود. آن‌ها قوم خود را هم‌چنان دعوت می‌کردند و مردم اجابتشان نمی‌کردند و با این‌که پیامبران به عذاب خدا انذارشان

از اهداف روش عبرت‌آموزی قرآن کریم، اعتماد به یاری خداوند در شرایط بسیار سخت و پیچیده است؛ زمانی که حوادث متفاوت به گونه‌ای رقم می‌خورد که سپاه صبر و بردباری عقب‌نشینی کرده و نومیدی و یأس، جان‌ها را به لب می‌رساند

می‌کردند، نمی‌پذیرفتند تا آن‌که پیامبران از ایمان آوردن قوم خود مأیوس شدند و یا نزدیک بود مأیوس شوند و مردم نیز گمان کردند خبر پیامبرشان درباره‌ی عذاب کذب و دروغ بوده. در این موقع بود که یاری خداوند فرا رسید و هر کسی را که می‌خواست نجات داد و البته نجات‌یافتگان انبیا و مؤمنان بوده‌اند و عذاب سخت خداوند مجرمان را فرا گرفت [طباطبایی، ج ۲۷۹/۱۱]. لازم به ذکر است که این هدف، به شکل یک سنت جاری، در همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها رخ‌نمایی کرده و در قرآن به‌صورت گسترده از آن صحبت به میان آمده است؛ چنان که اگر به قصص انبیای گذشته در سوره‌های متفاوت رجوع کنیم، آن جاهایی که خداوند از نجات انبیا و پیروانشان از شر دشمنان سخن به میان آورده، به وضوح آن را درمی‌یابیم.

با دقت در زندگی رسول‌الله (صلی‌الله علیه و آله و سلم) نیز می‌بینیم، در فرازهای گوناگون، کمک و یاری خداوند باعث پیروزی ایشان و مسلمانان شده است. آن‌جا که خداوند در ماجرای جنگ با مشرکان در بدر، موضوع تصرف در چشم مشرکان را در راستای کمک به مسلمین مطرح کرده است و آن را عبرتی برای اهل بصیرت معرفی می‌کند و می‌فرماید: «قد کان لکم ایه فی فئتین التقتا فئه تقاتل فی سبیل الله و اخری کافره یرونهم مثلیهم رأی العین و الله یؤید بنصره من یشاء ان فی ذلک لعبره لاولی الابصار» [آل‌عمران/ ۱۳]. قطعاً در برخورد میان دو گروه، برای شما نشانه‌ای [و درس عبرتی] بود. گروهی در راه خدا می‌جنگیدند و دیگر [گروه] کافر بودند که آنان [مؤمنان] را به چشم، دو برابر خود می‌دیدند و خدا هر که را بخواهد، به یاری خود تأیید می‌کند. یقیناً در این [ماجرا] برای صاحبان بینش، عبرتی است.

در جنگ با یهودیان قلعه‌ی بنی‌نضیر نیز موضوع ترس‌افکنی در دل یهودیان را مطرح کرده تا جایی که خود دست به تخریب خانه‌های خویش زدند و مفتضحانه به ترک کاشانه‌شان تن در دادند. چنان که قرآن در سوره‌ی حشر به آن اشاره می‌کند و چنین می‌فرماید: «هو الذی اخرج الذین کفروا من اهل الکتاب من دیارهم لاول الحشر ما ظننتم ان یخرجوا و ظنوا انهم مانعتهم حصونهم من الله فأَتهُمُ الله من حیث لم یحتسبوا و قذف فی قلوبهم الرعب یخربون بیوتهم بایدیهم و ایدی المؤمنین فاعتبروا یاولی الابصار» [حشر/ ۲]: اوست کسی که از میان اهل کتاب، کسانی را که کفر ورزیدند، در نخستین اخراج [از مدینه] بیرون کرد. گمان نمی‌کردید که بیرون روند و خودشان گمان داشتند که دژهایشان در برابر خدا مانع آن‌ها خواهد بود، و [لی] خدا از آن‌جایی که تصور نمی‌کردند، بر آنان درآمد و در دل‌هایشان بیم افکند. [به طوری که] خود به دست خود و دست مؤمنان، خانه‌های خود را خراب می‌کردند. پس ای دیده‌وران، عبرت گیرید.

لذا قرآن کریم این موضوع را مایه‌ی عبرت برای همه‌ی مردم قرار داده که درس بیاموزند و به این نکته‌ی مهم برسند که: «و ما النصر الا من عندالله» [انفال/ ۱۰]. پیروزی جز از نزد خدا نیست و خداوند در تمام صحنه‌ها دوستان و یاری‌کنندگانش را یاری می‌رساند. چنان‌که خود به مؤمنان وعده فرمود: «یا ایها الذین آمنوا ان تنصروا الله ینصرکم و یثبت اقدامکم» [محمد/ ۷]. یقیناً، فهم این هدف توسط عبرت‌آموزان، تأثیر به‌سزایی در تربیت، ایجاد آرامش درونی، ثبات قدم، شجاعت و درنتیجه ایمان و اعتماد کامل آنان به خداوند متعال دارد.

ایجاد و تقویت معادباوری در عبرت‌آموزان

از دیگر اهداف عبرت‌آموزی قرآن کریم، تقویت ایمان به معاد و بازگشت به سوی خداوند است. این ایمان، با ایمان به خدا و یاری او نسبت به دوستان و اهلاک دشمنان ارتباطی محکم دارد. چون بازگشت همه به سوی خداست و اوست که اجر و پاداش مؤمنان را به خاطر صبر و جهادشان در دنیا، و جزای کفار و دشمنان را بعد از آن‌که در دنیا عذابشان کرد، محاسبه و به‌صورت کامل عطا می‌کند. لذا قرآن کریم در سوره‌ی آل‌عمران [۱۷-۱۰]، عبرت از پیروزی مسلمانان در جنگ بدر را با مقایسه‌ی میان زندگی پست و فانی دنیا و سرای جاوید آخرت و عذاب‌های آن برای مخالفان و نعمات بهشتی برای مؤمنان همراه کرده است تا عبرت‌آموزان از زندگی پست دنیا، به آخرت و بازگشت به سوی خدا منتقل شوند و به این حقیقت

در جنگ با یهودیان قلعه‌ی بنی‌نضیر نیز موضوع ترس‌افکنی در دل یهودیان را مطرح کرده تا جایی که خود دست به تخریب خانه‌های خویش زدند و مفتضحانه به ترک کاشانه‌شان تن در دادند

دست یابند که خدا پشتیبان و یاور دوستانش در دنیا و آخرت بوده است؛ همان‌طور که در هر دو سرا از دشمنان و مخالفانش انتقام می‌کشد و آنان را به عذاب دردناک جهنم دچار می‌سازد [نحلاوی، ١٤٢٣ هـ‌ق: ١٧٢].

با مروری بر داستان‌ها و قصص امت‌های گذشته که در آیات زیادی از قرآن کریم وارد شده است، درمی‌یابیم که خداوند پرده از زندگی کسانی برداشت که دنیا و زینت‌های آن غرقشان کرده بود و اسیر شهوات و لذت‌های زودگذر آن شده بودند؛ لذا راه هدایت بر آنان بسته شد و به فجیع‌ترین وضع نابود شدند. تشریح وضعیت آنان در قرآن به‌عنوان عبرت و درس، برای تأثیرگذاری در دل مردم است تا سرنوشت امت‌ها و اقوام گذشته را با خود و زندگی خود تطبیق دهند و به واسطه‌ی آن، نفس و روحشان را از هرگونه آلودگی پاک کنند و برنامه‌های زندگی را طوری تنظیم کنند که ناظر به قیامت و روز جزا باشد؛ چون ایمان به قیامت و باور آن، چشمان انسان را نافذ و حقیقت‌بین می‌کند و سبب می‌شود که او از ظواهر امور، به باطن آن‌ها دیده گشاید و از سرای غرور به سرای شعور پا گذارد. جالب این‌که خداوند در سوره‌ی مبارکه‌ی فرقان، علت عدم عبرت‌گیری همه‌ی کسانی را که آثار برجا مانده از عذاب قوم لوط را دیده و یا درباره‌ی آن شنیده و پند نگرفته‌اند، باور نداشتن معاد معرفی می‌کند و می‌فرماید: «و لقد اتوا علی القریه التی امطرت مطر السوء افلم یکونوا یرونها بل کانوا لایرجون نشورا» [فرقان/ ٤٠]: و قطعاً بر شهری که باران بلا بر آن بارانده شد، گذشته‌اند. مگر آن را ندیده‌اند؟ [چرا،] ولی امید به زنده شدن ندارند. به نظر مفسران، جمله‌ی «**بل کانوا لا یرجون نشورا**» به معنای این است که آنان از معاد نمی‌ترسند و یا اصلاً از معاد مأیوس‌اند و حتی چنین احتمالی هم نمی‌دهند. پس منشأ اصلی تکذیب آنان بر کتاب و رسالت، و اندرز و عبرت نگرفتنشان به آن چیزهایی که مایه‌ی اعتبار عبرت‌گیرندگان است، این موضوع اساسی است که اینان منکر معادند و به همین دلیل، دعوت انبیا در آنان کمترین اثری ندارد و هیچ حکمت و موعظه‌ای به دل‌هایشان راه نمی‌یابد [طباطبایی، ١٤١٧ هـ‌ق، ج ١٥: ٢١٨]. شیوه‌ی تربیتی عبرت‌آموزی، به‌دنبال دور کردن انسان‌ها، از عاقبت‌گریزی و تربیت افراد وارسته‌ای است که ترس از انتقام و عقاب خداوند در تمام وجودشان ریشه کرده و مانع از ارتکاب گناه در آن‌ها می‌شود. درنتیجه، این افراد با دیدگانی باز، با حوادث و وقایع عالم روبه‌رو شده و کوچک‌ترین اتفاقات، بزرگ‌ترین درس‌ها را برایشان به همراه دارد.

بیداری و برانگیختن فطرت دینی افراد

شیوه‌ی عبرت‌آموزی سعی دارد با تأثیرگذاری در نفوس و جان‌های انسان‌ها، فطرت حق‌جو و حق‌گرای انسان را بیدار کند. فطرت از واژه‌ی «فَطَرَ» به معنی خلق و ابداع گرفته شده و «فاطر» نیز که یکی از نام‌های خداوند است، از این کلمه مشتق شده است [راغب اصفهانی، ١٤٢٢ هـ‌ق: ٦٤٠]. لذا به ویژگی‌هایی که در اصل خلقت و آفرینش انسان وجود دارند، فطرت گفته می‌شود [شهید مطهری، ١٣٧٣ هـ‌ق: ١٩]؛ استعدادهای خاصی که خداوند در نهاد همه‌ی ابنای بشر، فارغ از هر رنگ و نژاد و زبان، به ودیعه نهاده است. به خاطر این استعداد است که انسان می‌تواند تفکر کند و بیندیشد، با اراده و اختیار خود دست به انجام کاری بزند، طالب خوبی‌ها و کمالاتی چون عدالت، احسان و راست‌کرداری شود، از صفاتی چون تجاوز، حسد و دروغ بیزاری جوید و دوستدار زیبایی‌های عالم هستی شود.

فطرت در قرآن کریم معادل دین الهی گرفته شده است [طبرسی، ١٣٧٢، ج ٨، ٤٧٤]؛ چنان‌که می‌فرماید: «فاقم وجهک للدین حنیفا فطرت الله التی فطر الناس علیها لاتبدیل لخلق الله ذلک الدین القیم ولکن اکثر الناس لایعلمون» [روم/ ٣٠]: پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن. با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدا، تغییرپذیر نیست. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

مطابق این آیه، انسان براساس نوعی سرشت و طبیعت آفریده شده است که برای پذیرش دین آمادگی دارد و اگر به حال طبیعی خود رها شود، راه دین را انتخاب می‌کند؛ مگر این‌که عوامل گوناگون خارجی مانع شوند. انسان براساس فطرت خود، طالب خوبی‌ها و کمالات است و در این راستا در پی برترین کمالات یعنی خداوند و رسیدن به اوست. حال این‌که چرا انسان از این امر درونی که مشترک میان همه‌ی انسان‌هاست، فاصله گرفته و به جای خداپرستی، به تقدیس خدایان گوناگون گرایش پیدا کرده و یا این‌که به جای روی آوردن به فضایل اخلاقی، خواستار رذایل گشته، به خاطر عواملی خارج از وجود اوست که پرده‌هایی ضخیم بر وجود انسان می‌گذارند، روشن‌بینی او را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند و او را به انحراف می‌کشانند.

حال، نقش عبرت‌آموزی این است که این پرده‌ها را کنار زند و حجاب‌ها را یکی پس از دیگری بردارد تا انسان حق‌گرایانه به

سوی دین گرایش پیدا کند. پس هدف این روش، تربیت نفوس انسان براساس فطرت و درون انسان است که همان حرکت در مسیر دین الهی و گرایش به سوی حقیقت‌جویی و خداگرایی است. این‌جاست که متوجه می‌شویم، بی‌دلیل نیست که قرآن با جلوه‌ی خاصی، داستان حضرت ابراهیم(ع) را به‌عنوان الگویی برای بیداری فطری انسان بیان کرده است و می‌فرماید، ایشان بعد از این‌که نشانه‌های خدا را در ملکوت عالم هستی مشاهده نمود، با تفکر و اندیشه که برخاسته از فطرت حق‌جوی هر انسانی است، با ستاره‌پرستان، ماه‌پرستان و خورشیدپرستان- این گرفتاران عالم مُلک- به مبارزه برخاست تا چهره‌اش را از همه‌ی آن‌چه غیر خدایی است برگرداند و حق‌گرایانه رو به خدا نمود [انعام/ ۷۹-۷۴]. بیان این داستان در قرآن برای این بود که همه‌ی انسان‌ها می‌توانند ابراهیم‌وار ملکوت عالم را در همین عالم مُلک مشاهده کنند و به جایی برسند که بگویند: «ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین» [انعام/ ۱۶۲]: درحقیقت، نماز من و [سایر] عبادات من و زندگی و مرگ من، برای خدا، پروردگار جهانیان است.

این همان فطرتی است که انسان بر آن متولد شده است؛ چنان‌که رسول‌الله(ص) فرمود: «کل مولود یولد علی الفطره» [کلینی، ۱۳۷۲، ج ٤: ٤٤؛ مجلسی، بی‌تا، ج ۱۳: ۲۸۱] و شیوه‌ی عبرت‌آموزی نیز به دنبال تحقق و ظهور چنین هدف مقدسی است.

اثبات صحت نبوت پیامبر(ص)

همان‌طور که روش عبرت‌آموزی، وحیانی بودن قرآن کریم و اخبار آن را ثابت می‌کند، بیانگر این مطلب نیز هست که آورنده‌ی این اخبار و آیات وحیانی، باید پیامبری برگزیده از طرف مبدأ عالم هستی بوده باشد. لذا عبرت‌آموزی قرآن، علاوه بر تقویت باور به مبدأ و اعتقاد به معاد، به حلقه‌ی اتصال بین این دو هدف، یعنی موضوع نبوت و اثبات صحت آن نیز پرداخته است. در قرآن کریم، به دنبال آیاتی که خبرهای اقوام و ملت‌های گذشته را مطرح می‌کند و یا آیاتی که به شگفتی‌های عالم هستی، اشاره دارد، گاه به صراحت و گاه به اشاره، چنین بیان شده که آورنده‌ی این اخبار دقیق و ظریف، شخصی «امّی» [اعراف/ ۱۵۷] و درس ناخوانده بوده که از روی هوی و هوس سخن نمی‌گوید [نجم/ ۳]. لذا نقل این اخبار، همان‌طور که نشان از وحیانی بودن قرآن کریم دارد، صداقت پیامبر(ص) در نبوتش را نیز ثابت می‌کند. با رجوع به آیات مورد بحث در

انسان براساس نوعی سرشت و طبیعت آفریده شده است که برای پذیرش دین آمادگی دارد و اگر به حال طبیعی خود رها شود، راه دین را انتخاب می‌کند

اثباتی وحیانی بودن قرآن که در صفحات قبل به آن اشاره شد، می‌بینیم که خداوند علاوه بر آن، در آیاتی دیگر (نحل، ٤٤؛ ص، ۲۹؛ انعام، ۱۹ و...) نیز بعد از بیان وحی بودن قرآن، به حامل آن اشاره کرده و می‌فرماید: «نوحیها الیک» [هود/ ٤۹] و «نوحیه الیک» [آل‌عمران/ ٤٤؛ یوسف/ ۱۰۲]. در این آیات، ضمیر در کلمه‌ی «الیک» به شخص پیامبر(ص) اشاره دارد و نشان می‌دهد که او فرستاده‌ی خداوند برای هدایت انسان‌ها به سوی کمال و سعادت است.

نتیجه

در جمع‌بندی موضوعات یاد شده می‌توان گفت، هدف قرآن کریم ارائه‌ی یک شیوه‌ی تربیتی جامع برای تربیت افرادی مؤمن، بابصیرت، خردمند و خداترس بوده است؛ افرادی که با تمام وجود به مبدأ هستی یعنی وجود باری تعالی و نیز معاد ایمان دارند و با جان و دل، وحیانی‌بودن قرآن کریم و نبوت رسول‌الله(ص) را پذیرفته‌اند و تمام برنامه‌های زندگی خود را براساس فطرت خداجویی و خداگرایی، برای به دست آوردن رضایت او تنظیم می‌کنند و همه‌ی شؤونات زندگی‌شان را نیز در مسیری مستقیم برای رسیدن به این اهداف مقدس قرار می‌دهند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. تفلیسی، ابوالفضل. وجوه القرآن. انتشارات دانشگاه تهران. ۱۳۷۱ ش.
۳. راغب اصفهانی، حسین‌بن محمد. المفردات فی غریب‌القرآن. دارالعلم دارالشامیه. دمشق، بیروت، ۱٤۲۲ق.
٤. سید قطب، سیدبن قطب‌بن ابراهیم. فی ظلال‌القرآن. دارالشروق. بیروت. ۱٤۱۲ق.
٥. طباطبایی، سید محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن. دفتر انتشارات اسلامی. تهران. ۱٤۱۷ ق.
٦. طبرسی، فضل‌بن حسن. مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن. انتشارات ناصرخسرو. تهران. ۱۳۷۲ ش.
۷. قائمی‌مقدم، محمدرضا. عبرت و تربیت در نهج‌البلاغه. مجله‌ی حوزه و دانشگاه. ۱۳۸۰. شماره‌ی ۲۷.
۸. کلینی، محمدبن یعقوب. کافی. انتشارات اسوه. ۱۳۷۲ش.
۹. مجلسی، محمدباقر. بحارالانوار. مؤسسه الوفاء. بیروت. بی‌تا.
۱۰. مطهری، مرتضی. فطرت. انتشارات صدرا. تهران. ۱۳۷۳ ش.
۱۱. نحلاوی، عبدالرحمن، التربیه بالعبره. دارالفکر. دمشق. ۱٤۲۳ق.

همایش، گزارش، پیشنهاد

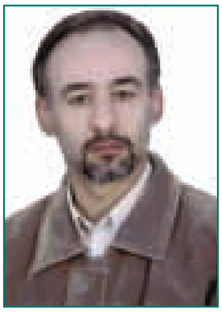

ابوالفضل نفر

ابوالفضل نفر دانش‌آموخته‌ی رشته‌های برق و الهیات و معارف اسلامی (فلسفه و حکمت) است، فعالیت‌های قرآنی، قرائت، آموزش قرائت، آموزش مفاهیم و شرح و توضیح آیات بر پایه‌ی تفاسیر معتبر و آثار شهید مطهری را در دوره‌های تحصیلی راهنمایی، متوسطه و دانشگاه، پی گرفت.

درآمد

در زمستان سال گذشته، روز سه‌شنبه ۲۹ دی‌ماه ۱۳۸۸، روز هوای پاک، در معیت یکی از همکاران سازمان آموزش و پرورش استان مرکزی، جناب آقای **یعقوب‌پور**، در جمع ۷۸ نفری دبیران قرآن نواحی ۱ و ۲ شهر اراک حضور یافتیم و توفیق رفیق شد تا با آن جمع قرآنی درباره‌ی تحول بنیادین در آموزش و پرورش، جایگاه حوزه‌ی یادگیری قرآن در برنامه‌ی درسی ملی و نقش مجلات رشد و از جمله، رشد آموزش قرآن در این تحول بزرگ، گپ و گفتی داشته باشیم. اخیراً رشد آموزش قرآن در مجموعه‌ی معظم مجلات رشد، هم از حیث تأثیرگذاری به‌عنوان یک رسانه‌ی نوشتاریِ آموزشی و هم از نظر تعامل با مخاطبان و خوانندگان خود، جایگاه مناسبی پیدا کرده است.

گفتم هوای پاک، به خاطرم خطور کرد که چرا ما هفته‌ای با عنوان «زندگی پاک» یا «حیات طیّبه»، در تجلیل از پاکان و آنان که پاک زیستند و پاک رفتند (عاش سعیداً و مات سعیداً)، در کشورمان نداریم؟! مگر نه این است که از اهداف غاییِ مطرح‌شده در حضرت قرآن کریم، همین زندگی پاکیزه و حیات طیبه است؟!

پیامبر(ص) در قرآن کریم انسان‌ها را به زندگی و احیا و زنده‌تر شدن دعوت می‌کنند. **شهید مطهری**، آگاهی و فعالیت (تلاش مجدانه) را از ارکان هر زندگی با نشاط انسانی می‌داند. ایشان فلسفه‌ی آموزش و فلسفه‌ی پرورش را در بیانی کوتاه و رسا، آگاهی‌بخشی و توانمندسازی انسان‌ها (از کودکی تا...) معرفی می‌کند! آیا منبعی معتبرتر، مطمئن‌تر، جذاب‌تر و نورانی‌تر از قرآن حکیم برای استخراج آگاهی و معرفت وجود دارد؟ (و من اصدق من الله حدیثاً ـ قد جائکم بصائر مِن ربّکم ـ هدیً و رحمهً) و آیا ملاک و معیاری مطمئن‌تر برای فعالیت معقول در جهت توانمندسازی (و خودسازی)، به‌جز آن‌چه در این کتاب فرقان آمده است، سراغ داریم؟

براساس نظریه‌ی بلوم و همکارانش، در آموزش مهارت‌ها، فرایندی پلکانی طی می‌شود. پله‌ی آغازین، تقلید یا الگوبرداری از آن طرح‌واره‌ی مهارتی است که قصد آموزش دادن آن را به قرآن‌آموزان داریم

اما گزارش

نشست گرم و صمیمی ما، در پی عرایض کوتاه و بیانیه‌ی چند دقیقه‌ایِ این‌جانب در تجلیل از خادمان ساحت مطهر قرآن کریم و یکی دو خاطره از بزرگان، با پرسش و پاسخ‌هایی که درپی می‌آید، دنبال شد.

● کدام شیوه‌ی کلی آموزش قرآن را توصیه می‌فرمایید؟

○ خواندن قرآن یک مهارت ترکیبی است. براساس نظریه‌ی **بلوم** و همکارانش، در آموزش مهارت‌ها، فرایندی پلکانی طی می‌شود. پله‌ی آغازین، تقلید یا الگوبرداری از آن طرح‌واره‌ی مهارتی است که قصد آموزش دادن آن را به قرآن‌آموزان داریم. در این مرحله باید همه‌ی شرایط یک نمونه‌برداری و تقلید سالم، کافی، جذاب و اثربخش را از پیش فراهم کرده باشیم. امروزه با تهیه‌ی نوارها و لوح‌های فشرده‌ی حاوی قرائت‌های آموزشی که در «گروه برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی قرآن» در دفتر تألیف تهیه و در اختیار گروه‌های آموزشی گذاشته شده و قابل تهیه از برخی فروشگاه‌هاست، بخشی از شرایط یاد شده را می‌توان تدارک دید. هم‌چنان‌که می‌توان از قرائت‌های قاریان دانش‌آموز که در مدارس هم‌جوار مشغول تحصیل هستند، برای یک اجرای زنده بهره برد.

گام و پله‌ی دوم، خواندن قرآن‌آموزان داوطلب و... و دست‌آخر الزام به خواندن خجالتی‌هاست. در این گام نباید از مهارت‌آموز انتظار دقت داشته باشیم. البته در گام سوم که شاید در جلسات آتی به مرحله‌ی اجرا گذاشته شود، انتظار داریم قرآن‌آموز دقت بیشتری اِعمال کند.

در گام چهارم که به نوبت‌های بعدی موکول می‌شود، شرایط کسب مهارت ترکیبی خواندن قرآن فراهم می‌شود که در کتاب‌های راهنما و مقالات چاپ شده در «رشد آموزش قرآن» با شرح مبسوط آورده شده است. پله و گام پنجم عادی‌سازی مهارت است که بعدها محقق می‌شود.

● چگونه و با چه وسایلی در دوره‌ی راهنمایی، کلاس قرآن را شاد و با نشاط کنیم؟

○ این پرسش خیلی کلی است و با چند جمله نمی‌توان حق مطلب را ادا کرد. در هر حال، خواستن توانستن است. شما را به مطالعه‌ی شماره‌های قبلی «رشد آموزش قرآن» و سایت‌های آنلاین قرآنی استادان فن ارجاع می‌دهم. اما پیش و بیش از هر چیز، انگیزه‌ی شیرین و زیبای شما که برآمده از جان لطیفتان است، لطف خدای منان را در این رویکرد اُنسی در آموزش قرآن، شامل حالتان خواهد کرد (انشاءالله).

به‌طور کلی عرض می‌کنم، آموزش مفاهیم قرآن را دنباله‌دار طراحی کنید و از اشعار زیبا با مضامین مهارت‌ها و آداب زندگی اسلامی در آموزش شناخت ما بهره بگیرید. مدل چیدن صندلی‌ها را تغییر دهید و کلاس را در مکانی جذاب برگزار کنید. لطیفه‌های قرآنی (در روایات داریم) بیان کنید و...

● چرا به رسالت مقدس ما، یعنی آموزش قرآن، کم‌لطفی می‌شود و افراد غیرمتخصص را بدون آموزش‌های لازم برای تدریس اعزام می‌کنند؟!

○ پاسخی ندارم. ما نیز گله‌مندیم. آیا هیچ کارشناس و مدیری به خود اجازه می‌دهد، کسی را که فاقد دانش و مهارت آموزش ریاضی یا فیزیک است، به کلاس یاد شده اعزام کند؟!

● مجله‌ی رشد آموزش قرآن، بیشتر به مباحث مربوط به دبیرستان پرداخته است. لطفاً درباره‌ی روش تدریس قرآن پایه‌ی اول دبستان و راهنمایی مطالبی در مجله ارائه بفرمایید که چه‌کار کنیم تا وقت کم نیاوریم.

○ شاید در آن شماره از مجله که حضرت‌عالی مطالعه فرموده‌اید، غلبه‌ی مطالب با مباحث دبیرستانی بوده است. اما این‌جانب، به‌عنوان ناظر محتوایی مجله گواهی می‌دهم که از مهم‌ترین دغدغه‌های مجله، مسئله‌ی انس با قرآن کریم در

مجلات رشد در آغاز (در سال‌های ۱۳۴۴ و ۱۳۴۵) تحت عنوان خواندنی‌ها و به انگیزه‌ی توسعه‌ی فرصت یاددهی ـ یادگیری و گسترش سواد خواندن راه‌اندازی شدند که هم‌اکنون بزرگ‌ترین مجموعه‌ی کمک‌آموزشی (رسانه‌ی نوشتاری آموزشی) در جهان به‌شمار می‌رود

دوره‌ی ابتدایی به‌عنوان **رویکرد اصلی** بوده است. همکاران بزرگوار این‌جانب که از قضا، هم عضو تحریریه‌ی مجله و هم عضو گروه تألیف کتاب‌های آموزش قرآن مدرسه‌ای هستند، در هر شماره بخشی از محتوا را به برنامه‌ی درسی قرآن، ارزش‌یابی از آموخته‌های قرآن‌آموزان، طرح درس، طراحی آموزشی و سایر فنون و مهارت‌های تدریس قرآن در دوره‌ی ابتدایی، اختصاص داده‌اند. لطفاً به شماره‌های پیشین مجله و یا به سایت رشد، بخش مجله‌ی رشد آموزش قرآن (به‌صورت PDF) مراجعه بفرمایید.

● من شماره‌ی اخیر رشد آموزش قرآن، یعنی پاییز یا زمستان ۱۳۸۸ را مطالعه کردم. اولاً جذاب، جالب و متنوع نبود، ثانیاً هر عنوان مقاله در سه یا چهار صفحه‌ی طولانی! مطرح می‌شود که مطالعه‌ی آن خسته‌کننده و غیرجذاب است.

○ اگر این‌گونه کلی بگوییم که جذاب نبود، خیلی مبهم است! جذابیت به تعداد ذائقه‌ها و سلیقه‌های متفاوت مخاطبان می‌تواند تنوع داشته باشد. چه‌چیز جذاب نبوده است؟ روی جلد؟ پشت جلد؟ صفحه‌آرایی؟ محتوا؟ شما می‌فرمایید متنوع نبود و در ادامه فرمودید هر مقاله در سه یا چهار صفحه آمده است! اگر ٦٤ صفحه‌ی مجله تقسیم بر چهار شود، یعنی مجله از تنوع شانزده‌گانه‌ای برخوردار است! این‌که شانزده هفده مقاله، اثر، گزارش و گفت‌وگو در یک مجله بیاید، اگر تنوع نیست پس چیست؟!

ضمناً سه یا چهار صفحه مطلب فنی آموزشی، در مقایسه با یک فصل از یک کتاب مثلاً «راهنمای آموزش قرآن»، کجایش طولانی و خسته‌کننده است؟! پس معلوم می‌شود، حوصله‌ی خواندن و عادت مطالعه‌ی ما باید بیش از این باشد. ما معلم هستیم و مطالعه‌ی مطالب مربوط به حرفه‌مان بر ما فرض است.

○ مجموعه‌ی مجلات رشد، از اجزای مهم «بسته‌ی آموزشی» هستند. کتاب‌های درسی و سایر رسانه‌های آموزشی، دیگر اجزای این بسته محسوب می‌شوند.

مجلات رشد در آغاز (در سال‌های ١٣٤٤ و ١٣٤٥) تحت عنوان **خواندنی‌ها** و به انگیزه‌ی توسعه‌ی فرصت یاددهی ـ یادگیری و گسترش سواد خواندن راه‌اندازی شدند که هم‌اکنون بزرگ‌ترین مجموعه‌ی کمک‌آموزشی (رسانه‌ی نوشتاری آموزشی) در جهان به‌شمار می‌رود؛ با تنوع ٣٢ عنوان ماه‌نامه، فصل‌نامه، سال‌نامه و گاه‌نامه و شمارگان سالانه‌ی بالای ٣٠ میلیون نسخه! کار ما تبلیغ نیست! آن‌چه در این‌جا عرض شد، معرفی بود نه تبلیغ کالا! من امیدوارم این مجموعه‌ی عظیم، سوادهای دانشی، مهارتی، عاطفی، انسی، خواندنی و سواد رسانه‌ای ما را توسعه دهد تا به آن چشم‌اندازی که رهبر فرهیخته‌ی انقلاب ترسیم فرمودند، دست یابیم.

* * *

در پایان خاطره ای بیان می‌کنم تا شاید بدانیم و بیشتر بدانیم که چه جایگاهی را در معلمی و خدمت به قرآن داریم:

ده دوازده سال پیش‌تر، یکی از بزرگان دو هفته به کُما (بی‌هوشی کامل) فرورفت که سرانجام با دعای شاگردان و دوست‌دارانش به هوش آمد. مدتی بعد، هنگامی که دوران نقاهت را پشت‌سر گذاشت و بهبودی کامل یافت، خطاب به ملاقات‌کنندگان خود گفت: «من بی‌هوش نشده بودم، من واقعاً مرده بودم! ملائکه آمدند تا مرا به برزخ ببرند! در آن اوضاع و احوال که وحشت کرده بودم، به همه‌ی اولیا متوسل شدم که نجاتم دهند، اما نتیجه نگرفتم. تا این‌که **علامه طباطبایی** (قدس‌سره) بر من ظاهر شدند و به من تلقین کردند که بگویم مرا به دنیا برگردانید تا به قرآن خدمت کنم و جبران نمایم. من نیز به توصیه‌ی آن استاد کل و خادم اعظم قرآن عمل کردم. این شد که مرا به سرای عمل و دنیا برگرداندند تا انشاءالله در خدمت به قرآن تلاش کنم.

پی نوشت

١. آموزش متوجه‌ی آگاهی‌بخشی و پرورش متوجه توانمندسازی است.

قرآن و جاذبه‌ی زمین

خداوند در قرآن کریم در سوره‌ی
مرسلات فرموده است: «الم نجعل الارض کفاتا احیاً و امواتا»
[مرسلات/ ۲۶ــ۲۵].
«آیا زمین را جایگاهی نساختیم برای زندگان و مردگان». اگر در مفردات آیات مذکور بررسی لغوی داشته باشیم، در می‌یابیم که کفاتا از فعل کفت، کفاتا گرفته شده است که به معنای جذب کرد او را ، گرفت و ضمیمه‌اش ساخت او را، آمده است.

علامه راغب اصفهانی،در مفردات خود آورده است: گفته شده است که مقصود از آیه، جذب زندگان، یعنی انسان، حیوان و گیاهان و نیز مردگان یعنی جمادات، آب و... است. هم‌چنین کفات را به معنی پرش سریع و یا راندن تند هم آورده‌اند [راغب اصفهانی، ۱۹۹۲: ۷۱۴].

از جمله صفات و خصوصیات زمین، جذب و گرفتن آن است که در آیات مذکور آمده است. این موضوع اشاره‌ی صریح و روشن به نیروی جاذبه‌ی زمین دارد که هر چیزی روی سطح زمین باشد، به سوی زمین جذب می‌شود و وزن اشیا در حقیقت چیزی نیست مگر همان جاذبه‌ی زمین که با حجمی که در زمین اشغال می‌کند، متناسب است. پس اگر وزن چیزی در سطح زمین ۱۰۰ کیلوگرم باشد، همین شیء در سطح کره‌ی ماه یک ششم این وزن را خواهد داشت. انسانی که در سطح زمین ۶۰ کیلوگرم وزن دارد، در سطح ماه، وزن او ۱۰ کیلوگرم است.

چرا وزن هر چیزی با نیروی جاذبه‌ی زمین و در سطح ماه با جاذبه‌ی مرکز ماه مرتبط می‌شود که نیروی جاذبه‌ی آن کمتر است [الحاج احمد، ۲۱۰:۲۰۰۷]؟ آیا می‌دانید اگر نیروی جاذبه وجود نداشت، زندگی چگونه ممکن می‌شد؟ آب چگونه روی سطح زمین جریان می‌یافت؟ اگر جاذبه وجود نداشت، هوا در فضا می‌ماند و با چرخش و حرکت زمین و ثبات هوا، موج‌هایی از گردبادهای سهمگین ایجاد می‌شد که سرعت آن بالغ بر ۱۶۰۰ کیلومتر در ساعت می‌شد و این سرعت کافی بود تا همه‌ی آن‌چه بر سطح زمین وجود داشت، نابود شود [همان، ص۲۱۰].

حالت بی‌وزنی را که غیر قابل تحمل است برای زمین قرار نداد و می‌فرماید: «ا من جعل الارض قرارا» [نمل/ ۶۱] یا آن‌که زمین را آرامگاه ساخت. آری استقرار و آرامش زمین، چرخش و جاذبه‌ی آن، استقرار اشیا روی زمین، وزن‌دار بودن اشیا که همان نیروی جاذبه‌ی زمین است، همه وهمه برای بر پا داشتن حیات و زندگی روی زمین است که اگر چنین نبود، حیاتی هم نبود. پس بر ماست که به عنوان خضوع در برابر خالق وتشکر در ازای آفریده‌هایش، فریاد بر آریم که «فتبارک الله احسن الخالقین» [مومنون/۱۴]: در خور تعظیم است خداوند، آن بهترین آفرینندگان.

منبع: یوسف الحاج احمد. موسوعه الاعجاز العلمی فی القران الکریم. سوریه ۲۰۰۷

تجربیات سر کار خانم فهیمه رضایی در شماره‌ی پیش تقدیم شما عزیزان شد. بخش دوم و پایانی این تجربیات هم اینک پیش روی شماست.

﴿ویژگی‌ها و روش کار من در کلاس﴾

- معمولاً کلاس‌هایم را با سوره‌ی حمد یا سور کوچک و بعضاً آیةالکرسی شروع می‌کنم، چون برای انسجام کلاسی مفید و از جنبه‌ی معنوی نیز حتماً چنین است.
- حتماً یک سال بزرگ‌تر شدن آن‌ها را تبریک می‌گویم و آن‌ها را به سوی قرآن سوق می‌دهم.
- وسایل نقاشی را از قبل آورده‌اند. اعلام می‌کنم نقاشی بکشند. معمولاً موضوع نقاشی «من و قرآن»، «جلد قرآن» و شبیه این‌هاست. پس از اتمام کار از آن‌ها سؤال می‌کنم که معنی لغوی کلمه‌ی قرآن چیست. پاسخ‌ها را اعلام می‌کنند: کلام خدا، کتاب خدا، کتاب وحی، برنامه‌ی زندگی، آیاتی که بر پیامبر نازل شده‌اند و...
- تنها حرف «خـ» را با خط زیبا روی تابلو می‌نویسم. پاسخ‌ها این‌گونه می‌شود: خدا- خوب- خیلی خوب و... «و» را اضافه می‌کنم و معمولاً یکصدا می‌شنوم: خوب. حرف «ا» بعد از و جو را عوض می‌کند. تا زمانی که کلمه‌ی «خواندنی» روی تابلو تکمیل می‌شود، ذهن‌ها فعال شده‌اند. جالب است که فکر می‌کنند فقط بازی کرده‌اند. می‌پرسم که در قرآن چه

فهیمه رضایی
آموزگار قرآن ناحیه ٤ مشهد

من توانستم شما نیز می‌توانید

راهکارهای ایجاد طراوت در کلاس قرآن

- بخش دوم و پایانی

چیزهایی نوشته شده است. پاسخ‌ها عموماً مسائل عبادی و اخلاقی هستند.

● شگفتی‌هایی از آیات را بیان می‌کنم. مثلاً آیه‌ی ۳۶ سوره‌ی قیامه- و ارتباط آن با انگشت‌نگاری که خداوند در آن‌جا فرموده است: «فکر می‌کنید ما سر انگشتان شما را جمع‌آوری نمی‌کنیم؟» مطرح می‌کنم: چرا سر انگشتان؟ چشم به این کوچکی با دید به این وسعت که دقیق‌تر است! می‌گویم حالا سر انگشت خود را با نفر پهلویی‌تان مقایسه کنید. بعد با نفر جلویی... عقبی. نقاشی تقریبی سر انگشت را روی تخته می‌کشم. یک بیضی یا دایره با بیضی‌های دیگر که نقطه‌ی وسط را احاطه کرده‌اند.

چون پسر هستند و از پلیس‌بازی خوششان می‌آید، می‌پرسم: اثر انگشت‌نگاری و شناسایی مجرم بر اثر آن را در فیلم‌های پلیسی دیده‌اید؟ جالب است که سر انگشتان ما همه ظاهراً یکی است، اما واقعاً با هم متفاوت‌اند و نمونه‌های دیگر با توجه به وسع کلاس.

در این زمینه دانش‌آموزان خیلی همراهی می‌کنند و کلاس مملو می‌شود از خاطره، معجزه، داستان، اطلاعات علمی و عمومی. البته باید با مهارت با نوجوانان وارد بحث شویم، چون کم‌کم خرافه‌ها نیز وارد می‌شوند که هم محکوم کردن صریح آن‌ها به دلیل تعصب خاص دانش‌آموزان نسبت به خانواده‌ها، مخصوصاً پدر و مادر، خطاست و هم پذیرفتن این حرف‌ها اثرات سویی دارد.

مثلاً مهم‌ترین مسئله یا یکی از مهم‌ترین مسائل می‌تواند این باشد که اگر به قرآن بی‌احترامی کنیم، کور می‌شویم. درک این موضوع برای نوجوانی که کوری را فقط نابینایی چشم ظاهر می‌بینند، مشکل است. در مقابل این خرافه‌ها و سوء تفاهم‌ها معمولاً می‌گویم: «تا حالا نشنیده‌ام... فکر نمی‌کنم... جایی نخوانده‌ام... اگر در کتاب خوانده‌ای، من هم دوست دارم آن را مطالعه کنم.» و پاسخ‌هایی شبیه این.

آن‌چه در اولین جلسه‌ی دوستی من با دانش‌آموزان می‌گویم، از این‌گونه مطالب است. جلسه بعدی نوبت درس و کتاب است. خرسندم از این‌که طی یک هفته باید شش کلاس قرآن داشته باشم و شانس آزمودن ابتکارات و نوآوری‌هایم در کلاس چند برابر شده است. چند نمونه از راه‌حل‌هایی که معمولاً در نظر می‌گیرم، از این قرار است:

● به هر بهانه و طریقی کلاس نباید یکنواخت باشد. اجرای نمایش و انجام مسابقه در ایجاد شادی حرف اول را می‌زند.

از گروه‌بندی کلاس‌ها که توسط معلم مربوطه‌شان انجام شده است، خیلی استفاده می‌کنم. چون غالباً، هم به لحاظ درسی گروه متعادلی دارند، و هم جنبه‌های اخلاقی و حتی جسمانی و جثه‌ی آنان مدنظر قرار گرفته است. در عین حالی که به اسم گروه آن‌ها احترام می‌گذارم و در کلام خودم خیلی به‌کار می‌برم، گاهی به فراخور زمان اسم گروهشان را عوض می‌کنم. بهترین تجربه‌ی من در تغییر اسم‌ها، گذاشتن عدد، مثل ۱، ۱۹، ۲۱، ۲۳x یا ۳۰ روی گروه‌هاست. بهانه‌ی این نام‌گذاری ایام احیای رمضان بود. همین نام‌گذاری هم به‌عنوان مسابقه برای مشورت به گروه‌ها واگذار شد و نتیجه‌ی آن به‌طور شفاهی به کلاس اعلام گردید که خود جرقه‌ای بود برای فکر کردن و صحبت کردن.

از نام‌گذاری هفت سین سفره‌ی نوروز هم تجربه‌ی خوبی دارم.

اما از گذاشتن نام‌های قرآنی روی گروه‌ها زمانی بیشتر لذت بردم که سرگروه‌ها با تشکیل جلسه، اسم قشنگ گروهشان را با خط زیبا روی تابلوی مقوایی نوشتند، حاشیه‌نگاری کردند و جلوی گروهشان گذاشتند.

از گذاشتن نام‌های قرآنی روی گروه‌ها زمانی بیشتر لذت بردم که سرگروه‌ها با تشکیل جلسه، اسم قشنگ گروهشان را با خط زیبا روی تابلوی مقوایی نوشتند، حاشیه‌نگاری کردند و جلوی گروهشان گذاشتند

● برای «روخوانی» مسابقات مختلف اجرا می‌کنم. ابتدا اعلام می‌کنم: گروه‌ها خوب گوش کنند دو مسابقه داریم اولی انضباط گروهی و دوم خواندن آیات (شرح خواهم داد). پس از تدریس توسط خودم یا فرد داوطلب و یا گروه داوطلب که از قبل تعیین شده‌اند، باید مسابقه اجرا شود. در هر کلاس به گونه‌ای مسابقه را برگزار می‌کنم:

۱. هر گروه هم‌صدا آیات را بخوانند و تا هر زمان که هماهنگ هستند، ادامه دهند. گروهی برنده است که آیات بیشتری بخواند.

۲. گروه‌ها جداگانه به جلوی کلاس می‌آیند. هر فرد یک آیه می‌خواند و گروه‌های دیگر غلط‌هایشان را می‌شمارند.

آموزش پیام‌های قرآنی که حفظشان اجباری نیست، بهترین قسمت است برای ایجاد شادی در کلاس؛ چون معمولاً اجرای تئاتر با همکاری گروه را برایشان به مسابقه می‌گذارم

۳. اعضای هر گروه از اعضای گروهی دیگر می‌پرسند، به‌طوری‌که پرسش‌کننده و پاسخ‌دهنده جایشان عوض نشود؛ تا تبانی صورت نگیرد و قضاوت عادلانه باشد. معدل هر گروه و یا نمره‌ی فردی را در دفترم یادداشت می‌کنم.

٤. هر گروه از بین خودشان یک نفر را انتخاب می‌کنند تا به جای بقیه‌ی افراد آیات را بخواند. هر نماینده آیات بیشتر و بدون غلط تلاوت کرد، برنده است. واضح است که گروه‌ها زرنگ‌ترین فرد را انتخاب می‌کنند که اگر شرایط مساوی باشد، زهی سعادت. آن‌ها برای کسب امتیاز در هنگام خواندن نمایندگان، آن‌قدر دقت می‌کنند که اثر یادگیری‌اش بیشتر از زمانی است که خودم می‌خوانم.

۵. هر گروه یک یا دو نفر از گروه دیگر را برای روخوانی انتخاب می‌کنند که این‌جا معمولاً بچه‌های ضعیف به میدان می‌آیند. برای تمرین مثلاً پنج دقیقه فرصت می‌دهم. حتی از پشت در کلاس (بیرون) برای این فرصت استفاده می‌کنم، همه دست به‌کار می‌شوند؛ تعدادی بازیکن یا قاری و تعدادی مربی. آن‌ها صرفاً برای پیروزی در مسابقه فعالیت می‌کنند، اما من تیر را به هدف زده‌ام.

٦. باید آیات درس مورد نظر از اول تا آخر خوانده شوند و گروهی برنده خواهد بود که از تعداد کمتر قاری استفاده کند. چون با هر غلط، نفر بعد آیات را ادامه خواهد داد و انتخاب ترتیب خواندن هم با گروه دیگر است که معمولاً از نفرات ضعیف شروع می‌شود و قوی‌ترین فرد آیات را تمام خواهد کرد و گروه‌ها مساوی خواهند بود.

۷. از فردی می‌پرسم که گروهی نمره می‌دهم؛ البته با اعطای تسهیلات. به این صورت‌که کدام آیات را کدام فرد از گروه بخواند. مثلاً پنج آیه به‌عهده خود گروه است و به قول خودشان آسان‌ها را بچه‌های ضعیف می‌خوانند و به‌عکس. هیچ اشکال ندارد هدف یادگیری است.

۸. با قرعه‌کشی سؤال می‌پرسم.

۹. فرد یا آیات را خودم انتخاب می‌کنم.

این خواندن‌ها فقط گروهی است. از خواندن ردیفی (هر کلاس سه ردیف دارد) هم خیلی استفاده می‌کنم و امتیازات را روی تخته می‌نویسم. هر ردیف یک‌سوم تخته را به خود اختصاص می‌دهد و برای خواندن آیات، آن‌ها را به تفکر و جست‌وجو وادار می‌کنم. این مثال‌ها را از درس سوم کتاب پایه‌ی چهارم انتخاب کرده‌ام.

مثال ۱. مفهومی: آیه‌ای را بخوانید که می‌گوید: «کسی که کار بد انجام نمی‌دهد، رستگار است.»

دانش‌آموزان ردیف مورد نظر: «قد افلح من تزکی.»

مثال ۲. قواعد درس: سومین آیه‌ای را که قاعده‌ی این درس در آن هست، هم‌خوانی کنید.

دانش‌آموزان: «والذی قدر فهدی.»

مثال ۳. یادآوری دروس گذشته: از صفحه‌ی دوم، آیه‌ای را که بیشترین حروف ناخوانا را دارد، پیدا کنید و بخوانید.

دانش‌آموزان: «الذی یصلی النار الکبری.»

و مثال‌های دیگر:

- آیه‌ای را که شماره‌اش را با تاریخ امروز برابر است، بخوانید و اگر روز مهم تاریخی باشد، چه گریز جالبی خواهد شد برای معرفی آن روز.
- پاسخ مرا پیدا کنید و شماره‌ای آیه را بخوانید: ۱۰-(۷×٤)

دانش‌آموزان: «انّ هذا لفی الصحف الاولی.»

- اولین آیه‌ای که معنی دارد، فقط معنی‌اش را بخوانید!

... و از این قبیل انتخاب‌ها که در حین عمل محال است نوآوری به بار نیاید. غیر از خواندن‌های ردیفی و گروهی، با توجه به لزوم شناخت بیشتر دانش‌آموزان و جلب‌توجه آنان به کلاس، از این عبارات استفاده می‌کنم:

- دانش‌آموزانی که تک فرزند هستند، آیه‌ی ۱.
- دانش‌آموزانی که فرزند اول هستند، آیه‌ی ۱.
- دانش‌آموزانی که برادر دارند، آیه‌ی ۲.
- دانش‌آموزانی که مدرسه تا خانه را پیاده می‌روند، آیه‌ی ۳.
- دانش‌آموزانی که پدر و مادرشان کارمند هستند، آیه‌ی ٤.
- دانش‌آموزانی که تا به حال در تئاتر بازی کرده‌اند، آیه‌ی ۵.

● دانش‌آموزانی که دیشب مسواک زده‌اند، آیه‌ی ٦.
● دانش‌آموزانی که نقاشی یا خطشان خوب است، آیه‌ی٧.
● دانش‌آموزانی که هفته‌ی آینده با وضو به کلاس می‌آیند، آیه‌ی ١٢.

و به‌خاطر می‌سپارم که هفته‌ی آینده به آن‌ها که وضو دارند، مثبت تعلق بگیرد.

● دانش‌آموزانی که نماز چهار رکعتی را بلد هستند، آیه‌ی ٤.
● دانش‌آموزانی که نماز دو رکعتی را بلد هستند، آیه‌ی ٢.
● دانش‌آموزانی که دوست دارند نماز یاد بگیرند، آیه‌ی ١٧.
● دانش‌آموزانی که تیم آبی‌اند! آیه‌ی ٤.
● دانش‌آموزانی که تیم قرمزند! آیه‌ی ٦.

و...

● از دادن نمره، آن‌هم ٢٠، ابا دارم و سعی می‌کنم محور نمره‌دادن در کلاس را عوض کنم. مثلاً یک‌بار اعلام کردم امروز روز زمین پاک است (فروردین بود) و زمین، ردیف شما، یک‌سوم تخته‌ی کلاس است. مواظب باشید به‌ازای هریک غلط، یک لکه یا عدد روی زمین شما را کثیف خواهد کرد.

باری نمره را برعکس می‌دهم و هر گروه یک غلط داشت، نمره‌اش یک خواهد بود. اگر گروهی پنج غلط داشت، نمره‌اش پنج می‌شود. آن‌وقت هدف یادگیری است و تلاش برای نمره‌ی صفر!

● آموزش پیام‌های قرآنی که حفظشان اجباری نیست، بهترین قسمت است برای ایجاد شادی در کلاس؛ چون معمولاً اجرای تئاتر با همکاری گروه را برایشان به مسابقه می‌گذارم.

● حتماً درباره‌ی نقاشی‌های مربوط به پیام‌ها با دانش‌آموزانم صحبت می‌کنم و نظرات آن‌ها را جویا می‌شوم. برای تکرار پیام‌های دعاگونه از آن‌ها می‌خواهم رو به قبله بایستند و کتاب را به حالت دعا به دست بگیرند و بخوانند. به حالت‌های متفاوت و خیلی خیلی ساده تکرار کنند تا حفظ شوند. مثلاً بایستند، دستشان را روی پیشانی بگذارند، به آسمان نگاه کنند، سرشان را روی میز بگذارند، به کتابی که در دست من هست نگاه کنند، و... آخرین‌بار فقط آن‌ها که حفظ هستند، بخوانند. دانش‌آموزان فکر می‌کنند فقط بازی کرده‌اند.

● هر از چند گاهی با اجازه‌ی معلمشان، از آن‌ها می‌خواهم که دفتر انشایشان را به کلاس بیاورند و در مورد یکی از موضوعات کلاس یا پیام‌های قرآنی مطلب بنویسند.

چه تماشایی است هنگامی که بی‌ریا روی زمین حیاط سجده می‌کنند تا هم آموزش نماز باشد و ثواب آموختن را ببرند، و هم از من نمره بگیرند. ادامه‌ی زنگ را نیز با بازی سپری کنند

● گاهی با هماهنگی دفتر، جایزه‌ی نظم و خوب خواندن به بچه‌ها می‌دهم.

● برای این‌که نماز را یاد بگیرند، آن‌ها را دسته‌های دو نفری (آموزنده و یادگیرنده) تقسیم می‌کنم. مکان آموزش هم حیاط مدرسه است و جایزه‌اش فوتبال. و چه تماشایی است هنگامی که بی‌ریا روی زمین حیاط سجده می‌کنند تا هم آموزش نماز باشد و ثواب آموختن را ببرند، و هم از من نمره بگیرند. ادامه‌ی زنگ را نیز با بازی سپری کنند.

● نوعی بازی در کلاس، مشاعره بود که تبدیل به تبادل آیه به آیه شد. البته در این جلسات دانش‌آموزان باید وضو داشته باشند، چون باید کتاب را ورق بزنند و آیه را با دقت و بدون غلط بخوانند تا امتیاز بگیرند.

● گاهی هدایایی چند به کلاس می‌برم تا فکر و دستشان را مشغول سازم (ضمیمه‌ی ٧).

● برای کلاس من خواندن با قرائت، جدید و جالب توجه است و این مشکل را دارم که آن‌ها یا خواندن با قرائت را بلد نیستند یا خجالت می‌کشند. اگر هم بخواهند تمرین کنند، زمینه برای خندیدن دیگران مهیا خواهد شد. پس این ترفند را برای خواندن با قرائت به‌کار بردم: اعلام کردم با فرمان ١-٢-٣ من، آیه را مثل کلاس‌اولی‌ها بخوانند (معمولاً بخش‌بخش می‌خوانند)، آیه‌ی بعد را مثل کلاس... آیه‌ی بعد را مثل معلم‌ها، آیه‌ی بعد را مثل مادرشان آیه‌ی بعد را مثل پدرشان (بعضی‌ها پدرشان خشمگین بود) و همین‌طور مثل پیرمردها، مثل خلبان‌ها، مثل ورزشکاران، مثل قاری‌های قرآن... دوباره مثل قاری‌های قرآن دست‌ها به بناگوش می‌رود و صوت‌ها کلاس را آذین می‌بندند.

از شخصیت‌های منفی هیچ استفاده نمی‌کنم (مثل معتادها که پیشنهاد یکی از دانش‌آموزان بود.)

و یا از آن‌ها می‌خواهم، در خانه آیات را قرائت و ضبط

با نقاشی هم میزان علاقه‌ی دانش‌آموزانم را به کلاس بررسی می‌کنم. پس از گذشت دو ماه، برای مرور درس ۲ (سوره‌ی غاشیه)، از آن‌ها می‌خواهم یک آیه از این سوره را نقاشی کنند

کنند و نوار را به کلاس بیاورند.

ارزیابی راه‌حل‌های جدید

حداقل اثر این روش‌ها که ذکر آن‌ها به اطاله‌ی کلام انجامید، به‌خصوص مسابقات و نمایش در کلاس‌هایم، این بود که به من فرصت داد تا بیشتر از توانایی‌های دانش‌آموزانم استفاده کنم. به این نتیجه رسیدم که باید همه‌ی اعضا و جوارح دانش‌آموزانم در حال کار و فعالیت باشند تا کلاس آرام‌تر و آموزنده‌تری داشته باشم؛ حتی اگر از دید شخص ثالث، در پراکندگی جمعیت کلاس یکنواختی حاکم نباشد و عده‌ای ایستاده و عده‌ای نشسته باشند. وقتی دانش‌آموزان برای «فاصلحوا بین اخویکم»، مسابقه‌ی نمایشی دعواگونه در کلاس راه انداختند و از در کلاس به‌طور نمایشی با دعوا وارد شدند و کتک‌کاری کردند و خودشان را به خاک‌های زمین کلاس مالیدند (تا گروه برنده باشند) این خودش تمرینِ بازیگری و ایجاد انگیزه‌ی شغلی حرفه‌ای برای آینده هم بود! چه می‌دانی شاید بعضی از همین کتاب‌خورها در آینده بدل‌کار شوند!، چه‌قدر من و دانش‌آموزان دیگر خندیدیم و از نمایش‌ها لذت بردیم. کاش در حین اجرای نمایش همکاری وارد کلاس می‌شد تا نظر او را برایتان درج می‌کردم.

این راه‌ها غیر از فواید مذکور، این فایده را داشتند که شاگردان، هم راه‌های دیگری پیشنهاد دادند و هم نظراتشان را برایم نوشتند.

دانش‌آموزانم عموماً مسابقه را بیشتر می‌پسندند.

از همکارانم خواستم غیرمستقیم از دانش‌آموزان کلاس قرآن و روش‌های کلاس سؤال کنند و نقاط ضعف و قوت را برای من بیان کنند. دانش‌آموزان از این‌که در زمینه‌های گوناگون حق انتخاب دارند، و داوری و ارزیابی می‌کنند، خوشحال‌اند.

از اولیا در جلسات، درباره‌ی کلاس سؤال می‌کنم و انتظار آنان و فرزندانشان از کلاس قرآن را جویا می‌شوم و متقابلاً انتظار خودم را بیان می‌کنم.

با نقاشی هم میزان علاقه‌ی دانش‌آموزانم را به کلاس بررسی می‌کنم. پس از گذشت دو ماه، برای مرور درس ۲ (سوره‌ی غاشیه)، از آن‌ها می‌خواهم یک آیه از این سوره را نقاشی کنند. بیشتر از صد دانش‌آموز پایه‌ی چهارم دارم که حتی یک نفر از آن‌ها جهنم را ترسیم نکرد. فکر می‌کنم بچه‌ها فقط بهشت را می‌بینند. معمولاً در نقاشی‌های پسربچه‌ها، خودشان حضور دارند؛ حتی با ماشینی که مورد علاقه‌ی آن‌هاست. با اهدای گردونه‌ی قرآن، کمتر دانش‌آموزی بود که معنی سوره‌ی جدید را نداند (ضمیمه‌ی ۸).

حالا دیگر نمی‌توانم کتاب‌های درسی را به دو گروه دست‌نخورده یا پاره‌پوره تقسیم کنم. حضور منظم دانش‌آموزان در کلاس را شایسته‌ی جشن گرفتن می‌دانم. از این‌که همه با کتاب در کلاس حاضر می‌شوند، لذت می‌برم. تمرین‌های حل‌شده‌ی درس‌ها، گرچه برای امتیاز و جایزه است، اما میزان توجه دانش‌آموزان را بیان می‌کند.

دوست شدن‌ها، ارزیابی‌ها، داوری‌های دانش‌آموزان احساس شخصیت آنان همه و همه خوب است. اما فقط یک مشکل دارم: باید راهی برای فرار از نمره بیابم. پیشنهاد شما چیست؟

تصمیم نهایی

هر چند روش‌های گوناگون (مسابقه، نمایش و...) چند بار در کلاس‌هایم مورد آزمایش قرار گرفتند و این آزمایش به قیمت صرف وقت زیاد تمام شد، اما ارزش آن را روزی بیشتر احساس کردم که یکی از دانش‌آموزانم گفت: «خانم می‌خواستم دندان‌پزشکی بروم، چون نوبت داشتم. ولی این زنگ را آمدم تا ببینم چه مسابقه‌ای داریم و زنگ بعد مامانم بیاید دنبالم...»

از این‌که آن روز با طرح جدید برای آن کلاس به مدرسه رفته بودم، خدای را شاکرم. از همه‌ی تجربیاتم سود خواهم جست و به کمک دانش‌آموزانم، کلاس‌هایم را پربارتر از پیش خواهم ساخت.

درنــــگ

درسی بــــــزرگ از حضرت یوسف (ع)

حضرت یوسف (ع) که دریای عفو و بخشش بود، اذیت و آزارها از جمله: از پدر جدا کردن، و به چاه انداختن و کتک ها را که از برادران خویش خورده و آن ها را تحمل کرده بود همه را نادیده گرفت و برادرانش را مورد عفو و اغماض قرار داد و به ایشان فرمود: امروز از ناحیۀ من هیچ گونه سرزنش و ملامتی نسبت به شما نخواهد شد. و چون من از شما در گذشتم، خدای مهربان نیز از این جهت شما را مورد مغفرت خود قرار داد. من که از شما در گذرم، خدا نیز به طور حتم از شما در خواهد گذشت، چرا که او: ارحم الرحمین است. [یوسف / ۹۲]

" قال لاتثریب علیکم الیوم یغفر الله لکم و هو ارحم الراحمین". در بعضی دیگر از روایات آمده است که برادران یوسف بعد از این ماجرا پیوسته شرمسار بودند. یکی را به سراغ او فرستادند و گفتند: تو هر صبح و شام ما را بر کنار سفره خود می نشانی، ما از روی تو خجالت می کشیم، چرا که آن همه جسارت به تو کردیم. یوسف برای اینکه برادران نه تنها کمترین احساس شرمندگی نکنند، بلکه وجود خود را بر سر سفره او، خدمتی به او احساس کنند، جواب بسیار جالبی داد و گفت: مردم مصر تاکنون به چشم یک غلام زر خرید به من می نگریستند و به یکدیگر می گفتند: « سبحان من بلغ عبداً بیع به عشرین در هماً مابلغ...» : « منزه است خدایی که غلامی را که به بیست درهم فروخته شد، به این مقام رسانید.» اما الان که شما آمده اید و پرونده زندگی من برای این مردم گشوده شده است، می فهمند که من غلام نبوده ام، من از خاندان نبوت و از فرزندان ابراهیم خلیل هستم و این مایه افتخار و مباهات من است.

منبع: تفسیر نمونه: ج۱۰، ص ۶۵

همگام با شما همراه با دانش‌آموزان

خاطره‌های ماندگار

دبیرخانه درس دینی و قرآن مستقر در مشهد مقدس

در منطقه‌ای بسیار محروم، مأمور به تدریس شدم. تا ۱۶ روز ترک خدمت کردم و نرفتم تا بالأخره متقاعد شدم که بروم. وقتی با همکارم وارد مدرسه شدیم، دیدیم بچه‌ها غالباً با پای برهنه به مدرسه آمده‌اند. چنان استقبالی از ما کردند و شور و شعفی از خود نشان دادند که ما به کار در آن‌جا امیدوار شدیم؛ با این‌که آب سالم و برق نداشت. آب خود را از تانکر جهاد سازندگی برمی‌داشتیم. محرومیت در حدی بود که من و دوستم ناگزیر شدیم هفته‌ای ۴۸ ساعت به تدریس دروس گوناگون بپردازیم. می‌گفتند، ۲۴ ساعت اضافی را فی سبیل‌الله حساب کنید. شوق دانش‌آموزان، باعث شد که با وجود سنگینی کار، با علاقه و رضایت خاطر به کار خویش ادامه دهیم.

«فاطمه علی‌آبادی»

در کلاس مشغول تدریس قاعده‌ی وقف بودم. که سرگروه دینی و قرآن، برای بازدید به سمت کلاس من آمد. او سر کلاس این‌طور وانمود کرد که خانم فلان، اولین سالی است که تدریس می‌کند. حال اگر شما بچه‌ها از درس قرآن اشکال دارید، از من بپرسید. دانش‌آموزان سؤالاتی مطرح کردند. یکی از بچه‌ها سؤالی کرد و سرگروه در پاسخ به او توضیحاتی داد. دیدم نادرست می‌گوید. گفتم: فکر می‌کنم اشتباه می‌فرمایید. او بر صحت کلام خود اصرار کرد. با این‌که بعضی از بچه‌ها از حرف من دفاع می‌کردند، ولی سرگروه محترم نپذیرفت. در دفتر مدرسه توضیحات بیشتری برای او دادم. قبول کرد و به اشتباه خود اعتراف کرد.

«کوکب جهانی دوقزلو»

پر انرژی بودم، اما بی‌تجربه. یک بار زیر برگه‌ی دانش‌آموزی که همیشه نمره‌ی خوب می‌گرفت و این دفعه نمره‌ی تک آورده بود، نوشتم: «خیلی خیلی بد». چند روز بعد، پدرش که ظاهراً فرهنگی بود، نزد من آمد و مرا از تأثیر نامطلوب این جمله بر فرزندش متذکر ساخت.

ده سال بعد، با مدرک لیسانس الهیات وارد دبیرستان شدم، بعد از آن‌که مدتی تدریس را رها کرده بودم، پندی که ۱۰ سال پیش به من داده شده بود، آویزه گوشم قرار دادم.

اکنون نمرات کامل را با زیرنویس تشویقی قدردانی می‌کنم، برگه‌های ضعیف را با جملات امیدوارکننده زیرنویس می‌کنم. و شاهد تأثیرات خوبی بوده‌ام.

«امضاء محفوظ»

کلاس اول ابتدایـــی را بـــه من داده بودند. دو خواهر در کلاس حضور داشـــتند. یکی رتبه‌ی اول بود و دیگری بسیار ضعیف. چهار پنج ماهی از سال گذشت و هیچ پشرفتی در کار او دیده نشد؛ با این‌که همه‌ی راه‌های تشویقی و تنبیهی را که به عقلم رسیده بود، به کار برده بودم.

چون اوایل کارم بود و دوست داشتم قبولی ۱۰۰ درصد در کلاس داشته باشم، پس از امتحان نوبت اول، روزی این بچه‌ی ضعیف را صدا زدم و به عنوان آخرین ترفند، به او گفتم: من هر کاری کردم، تو درس‌خوان نشدی. معلوم است که خودت نمی‌خواهی. امروز که به خانه می‌روی، دیگر به مدرسه برنگرد.

متأسفانه این تهدید کار خودش را کرد و او دیگر به مدرسه نیامد. فکر نمی‌کردم چنین شود. به خانه‌اش رفتم، اما نتوانستم او را راضی کنم. پدرش گفت: او دختر لجبازی است و دیگر نمی‌آید.

الان ۲۰ ســـال از آن ماجرا می‌گذرد. گرچه آن روستا تا کلاس پنجم بیشتر نداشت، اما این دانش‌آموز بعداً از طریق نهضت ادامه‌ی تحصیل داد. این تلخ‌ترین خاطره‌ی دوران تدریسم است و هنوز ذهنم را می‌آزارد. گویا او در گوشم مدام زمزمه می‌کند:

تو برای وصل کردن آمدی　　　نی برای فصل کردن آمدی

زهرا روستا

تصویرگر: سمائه شریفی

قرینه در آیات قرآن

قرینه عنصر بسیار مهمی برای فهم عبارت است، چرا که ما به‌وسیله‌ی آن حقیقت را از مَجاز بازمی‌شناسیم

صادق علاماتی
پژوهشگر علوم قرآنی
دبیر دبیرستان‌های شهرری

کلیدواژه‌ها: حقیقت و مجاز، قرینه، سیاق.

ترجمه و تنظیم مقاله‌ی حاضر برگرفته از کتاب « الجمله العربیه و المعنی» ، دکتر فاضل صالح سامرائی است. که نکات برجسته‌ای را در آیات به بحث کشانده است.

کلام بر دو قسم است:

۱. عبارتی که به قرینه نیاز ندارد و معنای ظاهری آن، مطابق با معنای باطنی آن است، بدون هیچ ابهامی. و یا احتمال معنای دیگری در آن نمی‌رود؛ مانند: «خلق الله السموات و الارض» و «و الهکم اله واحد لا اله الا هو الرحمن الرحیم» [بقره/ ۱۶۳]. و یا مانند این آیه: «و اذ قال ابراهیم لابیه ءازر اتتخذ اصناما ءالهه انی ارئک و قومک فی ضلال مبین» [انعام/ ۷۴].

۲. عبارتی که مقصود و مراد آن روشن نشود، مگر به‌واسطه‌ی قرینه. مانند رأیت اسداً به معنای شجاع، رایت عیناً به معنای جاسوس، و یا هذا بحر، یعنی شخص بخشنده. معانی این عبارات خودبه‌خود آشکار و روشن نمی‌شود، مگر به‌واسطه‌ی قرینه‌ای که شنونده را از معنای حقیقی منصرف و او را متوجه یکی از معانی همگن و نظیر خود می‌سازد [موسوعه اصطلاحات...، ج۵: ۱۲۲۸]. و منظور از قرینه آن است که به چیزی در غیر جای خودش دلالت کند و گفته شده است که قرینه به مقصود و مراد اشاره دارد [التعریفات: ۱۵۲].

قرینه عنصر بسیار مهمی برای فهم عبارت است، چرا که ما به‌وسیله‌ی آن حقیقت را از مَجاز بازمی‌شناسیم و مقصود اصلی را از الفاظ مشترک درمی‌یابیم. و توسط قرینه، ذکر یا حذف و خروج کلام را از ظاهر آن و دیگر اموری که احتمال بیش از یک معنا در آن باشد، درمی‌یابیم.

اندیشمندان تقسیماتی را در مورد قرینه انجام داده‌اند [موسوعه اصطلاحات...، ج۵: ۱۲۲۸؛ الرضی، ج۱: ۱۲۹] و البته امکان تقسیم‌بندی بیشتر و مفصل‌تر آن می‌رود. یکی از بهترین تقسیم بندی های عبارت است از:

الف) **قرینه‌ی لفظی:** لفظی که بر معنای مورد نظر دلالت دارد و اگر آن لفظ نباشد، معنای مورد نظر روشن و آشکار نمی‌شود؛ مانند «فلم تقتلون انبیاء الله من قبل» [بقره/ ۹۱].

لفظ «من قبل» روشن ساخته است که منظور از «تقتلون» زمان گذشته است، نه حال و آینده. و در «نعبد الهک و اله ءابائک ابراهیم و اسماعیل و اسحاق الها واحداً» [بقره/ ۱۳۳]، لفظ «الهاً واحداً» بیانگر آن است که خدای او و خدای پدرانش یک خدای واحد است و دو خدا مورد نظر نیست. و در «اعدلوا هو اقرب للتقوی» [مائده/ ۸]، ضمیر «هو» به عدل برمی‌گردد و معنا را تصریح می‌کند: «العدل اقرب للتقوی» و آن چیزی که ضمیر «هو» را مشخص می‌کند، همان ماده‌ی مشتق ماقبل آن، یعنی «اعدلوا» است.[1]

ب) **قرینه‌ی عقلی:** قرینه‌ای که از منطق عقلانی آشکار می‌شود؛ مانند: اکل الکمثری[2] موسی. پس عقل تعیین‌کننده است که خورنده کیست. و در آیه‌ی شریفه‌ی «بل مکر الیل و النهار»[3] [سبأ/ ۳۳] و یا در «و اشربوا فی قلوبهم العجل» [بقره/ ۹۳]. عقلاً روشن است که گوساله قلب را آبیاری نمی‌کند، بلکه منظور از «و اشربوا»، حُب پرستش گوساله است. و در «و لقد ارینه آیاتنا کلها فکذب و ابی» [طه/ ۵۶]. شکی نیست که قطعاً خداوند همه‌ی آیاتش را به فرعون نشان نداده، بلکه فقط آیاتی را که موسی آورده، به او نشان داده است. و نیز «بل فعله کبیرهم هذا» [انبیا/ ۶۳]، عقلاً معلوم است، صحیح نیست که بت بزرگ، بت‌های کوچک را شکسته باشد، بلکه حضرت **ابراهیم(ع)**، با این بیان خواسته است آن‌ها را ملامت کند.

ج) **قرینه‌ی معنوی:** قرینه‌ای که به دلالت معنا و صحت آن حُکم می‌شود[4]؛ مانند «و کان وراءهم ملک یأخذ کلّ سفینه

حقیقت و مجاز

بهترین تقسیم‌بندی قرینه عبارت است از: قرینه‌ی لفظی، عقلی، معنوی، سیاق و مقام و قرینه‌ی علمی

غصباً » [کهف/ ۷۹]. یعنی سفینه‌ی صالحه (کشتی سالم). و اگر (صالحه) در تقدیر نباشد، معنای آیه صحیح نیست. هرچند که ناسالمی کشتی آن را از کشتی بودنش خارج نمی‌کند. و یا نظیر این آیه که از زبان بنی‌اسرائیل خطاب به موسی جاری شده است، آن‌گاه که آن‌ها را به ذبح گاوی فرمان داد: «قالو الأن جئت بالحق» [بقره/ ۷۱]، یعنی الان حق بر ما آشکار شد؛ در صورتی که موسی(ع) حق را از ابتدا برای آنان آورده بود. و در «اضرب بعصاک الحجر فانفجرت منه اثنتا عشره عیناً» [بقره/ ۶۰]، یعنی او زد و چشمه جوشید.

پس معنای آیه، اقتضای آن را دارد که جوشیدن چشمه بعد از زدن واقع شده است. و یا درضمن «کان منکم مریضا أو علی سفر فعده من أیام اخر» [بقره/ ۱۸٤]، معنای این آیه می‌رساند که بیمار و یا مسافرند که افطار می‌کنند. زیرا اگر معنایی غیر از این داشت، دیگر قضای روزه بر آن‌ها لازم نبود. «و اعبدوا الله و لا تشرکوا به شیئاً و بالوالدین احساناً و بذی القربی» [نساء/ ۳۶]. عطف «بالوالدین» به «لاتشرکوا به شیئاً» درست نیست، زیرا در آن صورت معنای آیه نادرست خواهد بود. لذا معنای عبارت اقتضا می‌کند که چیزی در تقدیر باشد. مثلاً «و أحسنوا بالوالدین» و یا «أوصیکم بالوالدین» و نظایر آن. در «و مصدقاً لما بین یدی من التوریه و لاحل لکم بعض الذی حرم علیکم» (آل‌عمران/ ۵۰]، عطف (لأحل) بر (لما بین یدی) درست نیست، زیرا صحیح نیست که گفته شود «و مصدقاً لاحل»[۵]، بلکه معنای آیه اقتضا می‌کند که چیزی در تقدیر باشد، مانند «و جئتکم لاحل» و یا چیزی شبیه آن.

و «فلا تقل لهما اف»[۶] [اسراء/ ۲۳]. معنای عبارت دلالت بر این دارد که خداوند فرزند را بیشتر از اف (اظهار دلتنگی و تنفر) نیز نهی کرده است، ازجمله ضرب و شتم. لذا اکتفا به ظاهر آیه نادرست است. و در «فمن یعمل مثقال ذره خیراً یره» [زلزله/ ۷]. مفهوم عبارت می‌رساند که بدون‌شک، آن‌چه بیشتر از مثقال است، در حکم روایت داخل است.

و در «و من اهل الکتاب من ان تأمنه بقنطارٍ یؤده الیک و منهم من ان تأمنه بدینارٍ لایوده الیک» [آل‌عمران/ ۷۵]، بدون‌شک اگر کسی بر اموالی امین شود، آن را بازمی‌گرداند و خیانت در امانت نکرده است، ولی دیگر کس اگر بر مقدار معین مالی امین گردد، آن را بازنمی‌گرداند و خیانت در امانت کرده است. و ترجیحاً معنا بنا بر مقتضای عبارت است.

از دیگر سوی، ممکن است این مثال در قرینه‌ی عقلی هم از جهتی بگنجد. در کتاب «المستصفی فی علم الأصول» آمده است، کلام را دو قسم می‌توان گرفت:

۱. کلامی که با لفظ و سیاق، معنایش صریح است؛

۲. کلامی که با مفهوم و فحوای کلام، معنایش تصریح می‌شود: «فلا تقل لهما اف»، «و لا تظلمون فتیلا» [نساء/ ۷۷]، «فمن یعمل مثقال ذره خیراً یره»، «و منهم من ان تأمنه بدینار لایؤده الیک».

اکثر زبان‌شناسان اتفاق‌نظر دارند که در عبارات مذکور، فهم معنا بیش از تأنیف (دلتنگ شدن) است، یعنی ضرب و شتم، و مقدار بیشتری از فتیل و ذره نیز مورد نظر است؛ که از خود الفاظ استنباط می‌گردد [المستصفی من...، ج۱: ۳۳۵].

د) سیاق و مقام: سیاق جمله غیر از مقام آن است، ولیکن آن دو ملازم هم‌اند. سیاق همان نحوه‌ی کلام و پیوند و روابط بین آن‌هاست. اما مقام، حالتی است که کلام در آن حالت بیان می‌شود. مثلاً اگر در مجلس عزا، به صاحب عزا گفته شود: «و مثل کلمه خبیثه کشجره خبیثه اجتثت من فوق الأرض مالها من قرار» [ابراهیم/ ۲۶]، کلمه‌ی خبیثه همانند درخت ناپاکی است که از زمین برکنده شده است و قرار و ثباتی ندارد. این‌جاست که همه‌ی حاضران خشمگین خواهند شد. و یا به

ورزشکاری گفته شود: خداوند قدرت و توانت را بدون عقل افزون گرداند. و یا به کسی گفته شود: اللهم اجعله هباءً منثوراً، و اگر به او تذکری داده شود، گوید که آیه‌ی قرآن است.

به همین جهت، اگر در جایی کلامی گفته شود، بدون رعایت اقتضای مقام، و یا بالاتر از سطح حاضران، در این موارد گویند که این کلام مقتضی‌الحال نیست و نباید گفته شود. سیاق جمله متناسب نبوده است. و این دو ـ سیاق و مقام ـ از قرینه‌های بسیار مهم در فهم کلام‌اند و دلالت بر معنا دارند. «ذق انک انت العزیز الکریم». معنای این آیه آشکار نمی‌شود، مگر با توجه به سبک و سیاقی که در آن به‌کار رفته است. زیرا عبارت دلالت بر تکریم، و اما حقیقت آن، تحقیر و استهزاست و آمده است که «خذوه فاعتلوه الی سواء الجحیم، ثم صبوا فوق رأسه من عذاب الحمیم، ذق انک انت العزیز الکریم» [دخان/ ۴۹-۴۷]. و یا «انک لانت الحلیم الرشید». مقصود و منظور از این آیه، حاصل نیاید، مگر با توجه به سیاقی که در آن به کار رفته است. زیرا ظاهر عبارت مدح و ثناست، اما حقیقت آن استهزا را می‌رساند: «قالوا یا شعیب اصلوتک تأمرک ان نترک ما یعبد آباؤنا اون نفعل فی اموالنا ما نشؤا انک لانت الحلیم الرشید» [هود/ ۸۷].

و در «انهم اناس یتطهرون»، ظاهر عبارت، دلالت بر مدح دارد، اما سبک و سیاقی که در عبارت آورده شده است، دلالت دارد بر این‌که گویندگان قصد مدح نداشتند، بلکه قصد مذمت و سرزنش را داشته‌اند. زیرا این گفتار، گفتار کافران است که در مورد لوط و خاندان او بیان شده است؛ آن‌گاه که لوط آن‌ها را از عمل زشت نهی می‌کرد. پس گفتند: و ما کان جواب قومه الا ان قالوا اخرجوهم من قریتکم انهم اناس یتطهرون» [اعراف/ ۸۲].

لذا سیاق از مهم‌ترین قرائن شناخت معناست. در (البرهان) آمده است، مفهوم سیاق است که شنونده و یا خواننده را در تبیین عبارات موجز و قطع فهم احتمالی مورد نظر و تخصیص عام و تقیید مطلق و تنوع معنایی هدایتگر است. سیاق از عظیم‌ترین قرائن معنایی برای مقصود گوینده است و هر کس که در آن اهمال کند، در گفت‌وگوها به خطا رفته است. و به آیه‌ی «ذق انک انت العزیز الکریم»: اگر نگریسته شود که چگونه سیاق جمله دلالت بر این دارد که شخص مخاطب ذلیل و حقیر است [البرهان، ج۲: ۲۰۱-۲۰۰].

هـ) قرینه‌ی علمی: منظور علم ضروری است که مخاطب باید آن را بداند. کلام ممکن است بیش از یک معنا داشته باشد، ولی قرینه‌ی علمی می‌تواند یکی از آن معانی را آشکار کند و بر معانی دیگر ترجیح دهد، و یا گاهی ظاهر کلام دلالت بر معنایی دارد که درحقیقت غیر از ظاهر آن است. با استناد به دریافتی که از آن برمی‌آید، «لا تأکلوا الربوا اضعافاً مضاعفه» [آل‌عمران/ ۱۳۰]، ظاهر آیه دلالت بر نهی از رباخواری دارد؛ هرگاه چندین برابر شده باشد. پس تا زمانی که ربا چندین برابر نشده باشد، مشمول این نهی نمی‌شود. درحالی‌که حقیقت این عبارت بیان می‌دارد که ربا در هر حالی حرام و ممنوع است؛ خواه چندین برابر شده باشد و یا نشده باشد. و لفظ «أضعافا مضاعفه»، قیدی برای نهی نیست، بلکه صورتی از صورت‌های گوناگون رباست که در زمان جاهلیت اتفاق می‌افتاده است.[۸] در «و لا تکرهوا فتیتکم علی البغاء ان اردن تحصنا» [نور/ ۳۳]. ظاهر آیه مشروط به خواست پاکدامنی خود کنیزان است، ولی اگر آن‌ها نخواستند پاکدامن بمانند، کراهت و اجبار آن‌ها جایز است. و درحقیقت اجبار کنیزان جایز نیست؛ چه بخواهند پاکدامن بمانند و یا نخواهند. این آیه بنا به مناسبتی نازل گردیده است که در جریان آن، عبدالله‌بن ابی، برای کسب درامد، کنیز خود را وادار به خودفروشی می‌کرد، درحالی‌که خود کنیز خواهان پاکدامنی بود. فهم و کشف حقایق این دو آیه، به دانش عمومی و حکم معلوم یعنی حرمت ربا و زنا بازمی‌گردد.

پی‌نوشت

۱. بنگرید به: حاشیه‌ی خضری، ج ۱، ص ۵٤.
۲. کمثری: گلابی.
۳. قابل ملاحظه است که اضافه همیشه برای تخصیص نیست. اضافه‌ی مکر به لیل، برای اختصاص نیست، چون‌که مکر به شب (لیل) اختصاص ندارد، ولی چون غالباً در شب واقع شود، به‌واسطه‌ی این مناسبت اضافه شده است. م.
٤. به عبارت دیگر، قرینه‌ای است که از معنا و مفهوم عبارت استنباط می‌شود.م.
۵. یعنی: تصدیق‌کننده‌ام برای این‌که حلال می‌کنم. م.
٦. کمترین اهانتی به آن‌ها (والدین) روا مدار.
۷. این عبارت برگرفته از آیه‌ی ۲۳ سوره‌ی فرقان است: خدایا! او را هم‌چون ذره‌ای در هوا پراکنده گردان.
۸. بنگرید به: البحر المحیط، ج۳، ص ٥٤؛ روح‌المعانی، ج٤، ص ٥٥.

منابع

۱. موسوعه اصطلاحات العلوم الاسلامیه المعروف بکشاف اصطلاحات الفنون للتهانوی ـ ۱۲۲۸/۵.
۲. التعریفات، ۱۵۲.
۳. الرضی ۱۲۹/۱.

من یک ماموریت دارم

۱. « انما امرت ان اعبد رب هذه البلده الذی حرمها الله»

«من ماموریت پروردگار این شهر مقدس (مکه معظم) را عبادت کنم» [نمل؛ ۹۱] خدایی که این شهر را حرمت نهاده است شهر مقدسی که تمام افتخار شما و حضورتان در آن خلاصه می‌شود.

شهر مقدسی که خدا آن را با برکاتش ارزانی داشته ولی شما بجای شکر نعمتش را کفران می کنید شهر مقدسی که حرم امن خدا است و شریفترین نقطه زمین و قدیمی ترین معبد توحید است، کعبه ای که مطابق بیت المعمور در آسمانها و مسجد ملائکه است.

۲.« و امرت ان اکون من المسلمین» [نمل؛ ۹۱]

«من ماموریم که از مسلمین باشم.» تسلیم مطلق در برابر فرمان پروردگار و نه غیر او. مقام تسلیم بالاتر از مقام رضا است.

۳.«و ان اتلوا القرآن» [نمل؛ ۹۱]

«من ماموریم قرآن را تلاوت کنم»، از فروغ آن شعله گیرم، و از چشمه آب حیاتش جرعه ها بنوشم، و در همه برنامه ها بر راهنمائی آن تکیه کنم، آری این وسیله من است برای رسیدن به آن دو هدف مقدس، و مبارزه با هر گونه شرک و انحراف و گمراهی.

و بر تمام جن و انس تا روز قیامت دستورات قرآن را از معارف حق و دستورات اخلاقی و بیان احکام شرعی گوشزد نمایم.

منبع: تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۵۷۴

رویکرد فرهنگی تربیتی

مقایسه‌ی سیر مشاهده در قرآن و علوم تجربی

فاطمه رمضانی
فریده عصار
مهدی مروجی

مقاله حاضر دومین مقاله از کمیته رویکرد فرهنگی تربیتی «دفتر برنامه ریزی و تالیف کتب درسی» است. امید است مورد استفاده شما عزیزان قرار بگیرد.

اشاره

«ما به زودی نشـانه‌های خود را در جهان برون و درون آن‌ها نشـان خواهیم داد تا بر آن‌ها آشـکار شـود که او حق مطلق است آیا کافی نیست که پروردگارت خود شاهد هر چیزی است؟» [فصلت/ ۵۳].

هدف از طرح این بحث، در درجه‌ی اول، بررسـی چگونگی فراهم‌شـدن زمینه‌های تفکر و تعقل از طریق مشـاهده و درنهایت نشان دادن نتیجه‌ی آن است که رسیدن به توحید یا معرفت حقیقی است. زیرا در قرآن، مشاهده یکی از راه‌های رسیدن به معرفت یقینی است.[۲] هدف دیگر، مقایسه‌ی اجمالی به مشاهده‌ی قرآنی با نگاهی به علوم تجربی، است، زیرا معتقدیم، رسیدن به یقین و معرفت حقیقی که هدف مشاهده‌ی قرآنی است، یکی از دغدغه‌های فراگیرندگان و بلکه نظام آموزشی ماست.

جایگاه مفهوم مشاهده در مباحث آموزش و پرورش

الـف) معنا و مصادیق مفهوم مشـاهده در حوزه‌ی تعلیم و تربیت: مشـاهده در فرهنگ‌نامه‌ها به‌معنای دیدن، معاینه کردن، عمل یا فرایند دیدن و دیدار آمده است [انوری، ۱۳۸۱].

ب) مفاهیـم مرتبط با مفهوم مشـاهده: در قرآن، در بسـیاری از موارد، برای این منظـور، از مفاهیمی چون «نظر» و «رأی» اسـتفاده شـده که به معنای «نگاه کردن» هم است [قریشی، ۱۳٦٤، ج ۷: ۱۳]؛ اگرچه مراد از آن گاهی تدبر و تأمل و دیدن همراه با عبرت ذکر نیز شده است [همان، ص ۳٤].

تعریف مشـاهده[۳]: مشاهده فرایندی است که از طریق آن به پدیده‌ها در محیط اطراف توجه می‌کنیم و از آن‌ها آگاه می‌شویم [راهنمای تدریس علوم، ۱۳۸٦: ۹]. مشاهده، با توجه به معنـای دو مفهوم نظر و رأی که مبنای ما برای مشـاهده در قرآن اسـت، یعنی: بررسـی تحقیقی یـک یا چند موضوع (خود انسان از نظر درون و برون، طبیعت، احوال گذشتگان و ماورای طبیعـت)، ماهیت آن‌ها، علل، مختصات و نتایجی که به‌دست می‌آید، برای فراهم کردن زمینه‌های معرفت حقیقی و درنهایت رسیدن به یقین.

«این چنین ملکوت آسمان‌ها و زمین را به **ابراهیم** نشان دادیم تا اهل یقین گردد.»[٤]

راه‌های عملی برای دعوت به مشاهده

۱. فراهم کردن زمینه برای تجسم

قـرآن از طریق تجسـم و ایجـاد صورت‌هـای ذهنی در مخاطـب، او را به تفکر و مشـاهده دعوت می‌فرماید. به‌عنوان نمونه، در آیه‌ی ۹۹ سـوره‌ی انعام، با ایجاد زمینه‌های تجسم، انگیزه و میل به مشاهده را در مخاطب برای رسیدن به حقیقت فراهم می‌آورد. **در کلاس، دانش‌آموز قبل از مشـاهده‌ی یک گل، آن را در ذهن مجسم و به‌تصویر می‌کشد.**

۲. پرسش و طرح مسئله

فراهم کردن زمینه‌های سـؤال و پرسـش یکـی دیگر از روش‌های دعوت به مشـاهده اسـت که در قرآن به آن توجه

فراهم کردن زمینه‌های سؤال و پرسش یکـی دیگر از روش‌های دعوت به مشاهده است که در قرآن به آن توجه شده است

شـده اسـت.[۵] گاهی نیز سـؤال بالاتر از حواس ظاهری است: «هل یسـتوی الذین یعلمون والذین لایعلمون؟» (زمر/ ۹). در این موقعیت، فراگیرنده برای رسـیدن به جواب پرسش خود، مشاهده کردن را ترجیح می‌دهد. **از دانش‌آموز سؤال شود: «همکاری در مدرسه چه ضرورت‌هایی دارد؟»**

۳. پرسش و پاسخ (گفت‌وگو)

گفت‌وگـو، پرسـش و پاسـخ‌های فراوانی در قـرآن نقل می‌شـوند، ازجمله در آیات ٦۷ تا ۷۲ سوره‌ی بقره و آیات ٦۲ تا ٦۵ سـوره‌ی انعام. در این روش، فرایند مشاهده‌ی حضرت ابراهیم(ع) را که با طرح مسـئله‌ی خداشناسـی به پرسش و پاسخ منجر شد (سوره‌ی شعرا، آیات ۷٤-۷۱) ذکر می‌کنیم:

اگرچه او قوم خود را به مشـاهده برای رسیدن به معرفت حقیقـی دعوت کرد، اما می‌خواسـت از این طریق خود را نیز به یقین برسـاند و نیز اگرچه حضرت، خداوند را با نور فطرت و دلایل اجمالی «عقل فطری» پذیرفته بود، اما می‌خواست از طریق مشاهده و استدلالات روشن‌تر، به حق‌الیقین برسد.

موضـوع: رسـیدن بـه توحیـد به‌عنوان یـک معرفت حقیقی[٦] (۷۹-۷٤ سوره انعام):

الف) مشـاهده با طرح مسـئله: «این چنین ملکوت آسـمان‌ها و زمیـن را به ابراهیم نشـان دادیم تـا اهل یقین گردد.»[۷]

ب) افاضـه‌ی معرفت از طـرف خداوند به حضرت ابراهیم(ع).[۸]

ج) ساختن فرضیه‌ها و آزمون[۹]:

منظور از «کتابا متشابها» کتابی است که مطالب آن در قسمت‌های متفاوت آن با یکدیگر همرنگ و هماهنگ هستند و تضاد و اختلافی در آن‌ها نیست

فرضیه‌ی اول: وقتی ستاره را دید (که نورانی هم بود)، گفت این پروردگار من است.[١٠]

آزمون فرضیه‌ی اول: وقتی ستاره افول کرد، گفت: به‌درستی که من آن‌چه را که غروب کند، به خدایی نخواهم پذیرفت.

د) ساختن دومین فرضیه و آزمون: موقعیتی است که حضرت ابراهیم(ع) از آزمون فرضیه‌ی اول گذشته و به ساختن فرضیه‌ی دوم، یعنی به «مشاهده‌ی ماه» رسید[١١]: ماه را بزرگ‌تر و نورانی‌تر از ستاره دید. گفت: «هذا ربی»؛ یعنی این پرورش‌دهنده‌ی من است. اما واقعیتی در این آزمون، صحنه را به کلی متحول کرد و آن هنگامی بود که ماه هم غروب کرد (یعنی آزمون فرضیه‌ی دوم هم به پایان رسید). در این مرحله، نور عقل فطری حضرت او را بر آن داشت تا از خداوند برای هدایتش یاری طلبد. او در این آزمون گفت: اگر پروردگارم مرا راهنمایی نکند، به یقین از گمراهان خواهم بود. این یاری خواستن تنها از عقل فطری ساخته است.[١٢]

هـ) ساختن فرضیه‌ی سوم و آزمون: «فلما را ءا الشمس بازغه قال هذا ربی هذا اکبر فلما افلت قال یا قوم انی برئی مما تشرکون» [٧٨/ سوره انعام].

در آزمون سوم با غروب خورشید، به انتخابی بس‌بزرگ دست می‌زند. او با استعانت از خداوند، درجهت هدایتش از فیوضات خاص الهی برخوردار می‌شود و از این طریق، یقین را درک و اعلام می‌کند.

و) استنتاج: «انی وجهت وجهی للّذی فطر السموات و الارض حنیفا و ما انا من المشرکین» [٧٩/ سوره انعام]: من با ایمان خالص روی به سوی خداوندی آوردم که آفریننده‌ی همه‌ی آسمان‌ها و زمین است و من هرگز با عقیده‌ی مشرکان موافق نخواهم بود.

قرآن دلیل نرسیدم قوم حضرت ابراهیم را به نتیجه‌ای که او رسید، نداشتن ایمان به خدا و یاری نطلبیدن از خداوند اعلام می‌فرماید: «با آن‌که بر آن‌ها گوش، چشم و عقل مدرک قرار دادیم تا خداشناس شوند، این قوای مدرکه خدا را نشناخت و آن‌ها را از عذاب نرهانید»[١٣] [احقاف/ ٢٥].

٤. تمثیل[١٤]

«و لقد ضربنا للناس فی هذا القرآن من کل مثل لعلکم یتذکرون» [زمر/ ٢٧-٢٦]. قرآن در بسیاری از آیات، مخاطب را از طریق مثل، به مشاهده برای رسیدن به یقین فرامی‌خواند.[١٥]

در سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ٢٣ می‌فرماید: مثل آنان که خدا را فراموش کرده‌اند و غیر از او چیز دیگری را به دوستی برگرفته‌اند، در سستی و بی‌بنیادی، مثل خانه‌ی عنکبوت است؛ اگر بدانید، سست‌ترین بنا، خانه‌ی عنکبوت است. به یقین با مشاهده‌ی خانه‌ی عنکبوت می‌توان به بی‌اساس بودن دلیل آن‌ها پی‌برد. **از دانش‌آموزان می‌خواهیم با انواع مثال‌ها منظور خود را ارائه دهند.**

٥. تشبیه

منظور از « کتابا متشابها» کتابی است که مطالب آن در قسمت‌های متفاوت آن با یکدیگر همرنگ و هماهنگ هستند و تضاد و اختلافی در آن‌ها نیست [تفسیر نمونه، سوره‌ی زمر، آیه‌ی ٢٣]. خداوند در قرآن، در مورد این کتاب، می‌فرماید: «کتابا متشابها» [زمر/ ٢٣]. کتابی است که آیاتش در لطف، زیبایی، عمق و محتوا همانند یکدیگرند. با این وصف، چون مراد از شبیه، مشابهت در هدف و توضیح دادن یکدیگر است، بنابراین می‌توان از این حالت، یعنی با توضیح یک پدیده، مخاطب را به مشاهده‌ی پدیده‌ی دیگری که میان آن‌ها نباشد ارتباط و انعطاف وجود دارد، هدایت کرد. **دانش‌آموز برگ‌هایی از درختان را که با هم شباهت‌هایی دارند، در یک گروه قرار می‌دهد.**

٦. مقایسه

در سوره‌ی هود آیات ١٩ تا ٢٤، بین مؤمنین و غیر آن‌ها مقایسه‌ای انجام گرفته است. بعد از احصای ویژگی‌های هر دو گروه می‌فرماید: مثل این دو گروه، هم‌چون نابینا و کر، در مقایسه با بینا و شنواست. آیا در مثل یکسان‌اند؟ پس آیا پند نمی‌گیرید؟[١٦] یا از طریق مشاهده‌ی نور و تاریکی [رعد/ ٨٦]، زندگان و مردگان [فاطر/ ٢٢]، آن‌هایی که می‌دانند و آن‌هایی که نمی‌دانند، برابرند؟ [زمر/ ٩]. به این ترتیب، فراگیرنده را به مشاهده‌ی این پدیده‌ها و مقایسه‌ی آن‌ها و نیز به تفکر فرامی‌خواند.

در علوم می‌توان با طرح مقایسه‌ی انواع برگ‌ها، دانش‌آموزان را به مشاهده دعوت کرد. یا یک نایلون سیاه و یک نایلون سفید روی زمین پهن کنند؛ به‌طوری‌که مدتی آفتاب به آن‌ها بتابد. بعد مقایسه کنند، کدام بیش‌تر گرم شده است.

به‌نظر می‌رسد قرآن و علوم تجربی در بسیاری موارد در این شرایط مشترک باشند. اما آن‌چه شرایط قرآن را متمایز می‌کند، در درجه‌ی اول نگاهی است که مشاهده گر دارد.

چگونه ویژگی‌های مشاهده‌ی قرآنی را داشته باشیم؟

١. **در درجه‌ی اول فراهم کردن زمینه برای استعانت لحظه‌به‌لحظه از خداوند.** به‌منظور استفاده‌ی صحیح از عقل فطری پرورش‌یافته، استنتاج و به‌کارگیری صحیح آن‌چه مشاهده شده، از مهم‌ترین مسائلی است که باید انجام گیرد.

٢. دعوت‌کننده در مشاهده‌ی قرآنی، خدای حکیم و معصومین(علیهم‌السلام) هستند. بنابراین، معلمان محترم به‌عنوان دعوت‌کنندگان و الگوهای شاخص فراگیرندگان به مشاهده، خود باید تزکیه شده باشند.

٣. **در این مشاهده، پدیده‌ها به‌عنوان آیه یا نشانه‌ای از حقیقت برتر، یعنی خداوند، مورد توجه قرار می‌گیرند.** قرآن آیه‌ها را نه امری اعتباری و نه امری محدود و مقید، بلکه در تمامی حالات به‌عنوان مخلوق، علامت و آیت پروردگار تلقی می‌کند. بنابراین برای این‌که فراگیرنده

عبور از حس به عقل، از سطح به عمق و از ظاهر به باطن (ملکوت)، همان استنباط است که مهم‌ترین رهیافت معرفتی است

نگاه آیه‌ای داشته باشد باید رویکرد برنامه‌های درسی به نگاه آیه‌ای مجهز باشد.

٤. مشاهده‌ی قرآنی، گذشتن از سیر افقی، قرار گرفتن در ساحت عقل و بهره‌مندی از نور عقل فطری برای رسیدن به هدف غایی است.[١٧] ایجاد حرکت فکری در فراگیرنده و هدایت او از اهداف واسطه‌ای (هدف‌های فاعلی) به هدف غایی، و از همه مهم‌تر، شکل‌گیری این رویکرد در برنامه‌های درسی، جدی‌ترین مسئله‌ای است که امروز خود را به آن نیازمند می‌بینیم.

٥. در قرآن، مشاهده‌گر بیش‌تر در مشاهده‌ی پدیده‌ها به نظم سوق داده می‌شود که منشأ انتزاع قانون است. به همین دلیل است که خداوند در آیات فراوان انسان را به مشاهده دعوت فرموده است تا با دیدن آن پدیده‌ها، به نظم و قانون در جهان هستی و درنتیجه به خالق پدیده‌ی مشاهده شده، پی‌برده شود. فراهم آوردن چنین زمینه‌ای در برنامه‌های درسی، از ضرورت‌هایی است که باید به آن پرداخته شود.

٦. مشاهده در قرآن، گذر(عبور) از معرفت حسی و رسیدن به معرفت عقل فطری، برای تبیین، استنتاج، و به‌کارگیری صحیح آن است. فراهم کردن این زمینه‌ها در برنامه‌های درسی، مشاهده‌گر را در بهره‌گیری از این ویژگی یاری خواهد کرد.

عبور از حس به عقل، از سطح به عمق و از ظاهر به باطن (ملکوت)، همان استنباط است که مهم ترین رهیافت معرفتی است.

٧. در مشاهده‌ی قرآنی، تدبر و تفکر در سنن و قوانین بین پدیده‌ها، به‌عنوان سنت‌ها و قوانین پایدار، برای تبیین علل پایداری و سقوط جوامع، به‌منظور افزایش سطح دانایی و توانایی و درنهایت رسیدن به معرفت حقیقی است. چرا که توجه به این قوانین و سنت‌ها، فراگیرنده را به‌سوی مدبر و مدبر آن‌ها سوق می‌دهد. فراهم شدن این زمینه‌ها در برنامه‌ی

مشاهده در قرآن، گذر (عبور) از معرفت حسی و رسیدن به معرفت عقل فطری، برای تبیین، استنتاج، به ویژه استنباط، و به کارگیری صحیح آن است

درسی، فراهم کردن یادگیری پایدار و به عبارت دیگر، یادگیری حقیقی است.

۸. مشاهده‌ی قرآنی بیش‌تر برای گرفتن عبرت و شناختن قوانین است: «انظروا کیف کان...» چون این پدیده‌ها تابع قانون و سنت‌ها هستند و به‌علاوه، هر آن چیزی که تابع قانون است، مخلوق و معلول است، پس خالقی دارد که او خداوند علیم است. توجه برنامه‌ریزان به این موضوع، یعنی عبرت‌شناسی از طریق مشاهده، درحقیقت فراهم کردن معیارهای قرآنی است.

برای مشاهده‌ی منابع و پی نوشت‌های این مقاله می‌توانید به نشانی: www.quran-dept.talif.com مراجعه کنید.

پی‌نوشت

۱. مقاله‌ی حاضر نگاه اجمالی به مشاهده است، تفصیل آن در سایت رشد آموزش قرآن قابل رؤیت است.

۲. «کذلک نری ابراهیم ملکوت السموات و الارض لیکون من الموقنین» «انعام/ ۷۵]

۳. از آن‌جا که در مشاهده از حواس سمعی و بصری بیش‌تر از سایر حواس استفاده می‌شود، این دو حواس بیش‌تر مورد توجه قرار می‌گیرند درحالی که در مشاهده می‌توان از همه‌ی حواس استفاده کرد.

۴. «کذلک نری ابراهیم ملکوت السموات و الارض لیکون من الموقنین [انعام/ ۷۵]. توجه: مشاهده از نظر قرآن می‌تواند انسان را به یقین برساند.

۵. «ءَانتم انزلتموه من المزن ام نحن المنزلون»: یا آبی که شما هر روز می‌نوشید، متوجهاید. شما آن آب را از ابر فرو ریختید یا ما؟ [واقعه/ ٦٩].

٦. «اذ قال ابراهیم لابیه ازر اتتخذ اصناما الهه انی ارئک و قومک فی ضلال مبین» [انعام/ ٧٤].

۷. کذلک نری ابراهیم ملکوت السموات و الارض لیکون من الموقنین [انعام/ ۷۵]. توجه: مشاهده از نظر قرآن می‌تواند انسان را به یقین برساند.

۸. در این مرحله، از طرف خداوند معرفت و زمینه‌های رشد به حضرت ابراهیم افاضه می‌شود (سوره‌ی انبیاء، آیه‌ی ٥٦).

۹. «فلما جن علیه الیل رءا کوکباً قال هذا ربی فلما افل قال انّی لا احب الافلین.»

۱۰. هم‌چنان که در جریان آیات مربوط به معادشناسی نیز عرض کرد: و اذ قال ابراهیم رب ارنی کیف تحی الموتی؟: پروردگارا به من نشان بده چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟ او می‌خواست شخصاً درباره‌ی خداشناسی و معاد بیندیشد و معبودی را که در فطرت پاک خویش و در اعماق جانش می‌یافت، پیدا کند. البته او خداوند را با نور عقل فطری خود و با دلایل اجمالی آن شناخته بود... (می‌خواست از طریق استدلالات روشن‌تر عقلی به حق‌الیقین برسد) [تفسیر نمونه، ج ٥: ١١].

۱۱. فلما رَءَا القمر بازغا قال هذا ربی فلما افل قال لئن لم یهدنی ربی لاکونن من القوم الضالین» [انعام/ ۷۵].

۱۲. هم‌چنان که علی(ع) هم وقتی عقل را تعریف می‌فرمایند، اعلام می‌کنند: «ما عبد به الرحمان.»

۱۳. تأمل در این آیه ممکن است این سؤال را نیز ایجاد کند: چرا افرادی که ایمان ندارند، نمی‌توانند پدیده‌ها را نشانه‌ای از عظمت خدا تلقی کنند درحالی که آن‌چه را که ایمان‌آورندگان می‌بینند، آن‌ها هم مشاهده می‌کنند؟ به چه علت از آن‌ها تشخیص حواس‌سلب می‌شود؟ یا چرا ابزار شناخت آن‌ها از کار می‌افتد، درحالی که در ظاهر امر این‌گونه نیست؟ جواب از قرآن: آیا مشاهده کردی کسی را که هوای نفس را خدای خود قرار داد و لذا گمراه شد و خدا مهر بر گوش و قلبش نهاد و پرده بر چشمش افکند؟ و در آیات دیگر می‌فرماید:

○ و کذالک یطبع الله علی کل قلب متکبر جبار.

○ بل طبع الله علیها بکفرهم.

دو دلیلی که قدرت تشخیص از آن‌ها سلب شد این بود که آن‌ها حقیقت را کتمان کردند، تکبر ورزیدند و سرکشی و ستمگری کردند. بنابراین از کار افتادن ابزار شناخت آن‌ها برای یافتن معرفت حقیقی، بازتاب اعمال خودشان بود.

مشاهده‌ی قرآنی بیش‌تر برای گرفتن عبرت و شناختن قوانین است: «انظروا کیف کان...» چون این پدیده‌ها تابع قانون و سنت‌ها هستند

۱۴. مثل قولی که درباره‌ی چیزی که شبیه است به قولی درباره‌ی چیز دیگر، تا یکی آن دیگری را بیان و مجسم کند. درواقع مثل برای تفهیم مطلب و اشباع ذهن شنونده است [قریشی، ١٣٦٤].

۱۵. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۶۱، سوره‌ی حج، آیه‌ی ۷۳، سوره‌ی عنکبوت، آیه‌ی ٤۱، سوره‌ی الاسرا، آیه‌ی ۸۹، سوره‌ی ابراهیم، آیات ۱۸ و ۲٦.

۱٦. مثل الفریقین کلاعمی و الاصم و البصیر والسمیع هل یستویان؟ افلا تذکرون؟

۱۷. نگاه در مشاهده‌ی قرآنی، چون نگاه یک زمین‌شناس در علوم تجربی نیست که بخواهد تنها به مواد تشکیل‌دهنده‌ی لایه‌های زمین و مذاب یا جامد بودن یا به چگونگی حرکت وضعی آن و در پایان به علت‌های فاعلی برسد. با این نگاه که فقط به سیر افقی پرداخته می‌شود، نمی‌توان از راه حس از علت فاعلی گذشت و به خالق زمین و پدیده‌های مورد مشاهده رسید.

منابع

۱. قرآن کریم. ترجمه‌ی ناصر مکارم شیرازی. نقش نگار. تهران. ۱۳۸۷

۲. انوری، حسن. فرهنگ بزرگ سخن. چاپ‌خانه‌ی مهارت. تهران. ۱۳۸۱

۳. بهشتی، سعید. آیین خردپروری. مؤسسه‌ی فرهنگی دانش و اندیشه‌ی معاصر. تهران. ۱۳۸۰.

٤. باقری، خسرو. نگاهی دوباره به تربیت اسلامی. مدرسه. تهران. ۱۳۸۵

۵. بیرجندی، پرویز؛ کبیری، قاسم؛ و... لغت‌نامه‌ی انگلیسی دانشگاهی راهنما. چاپ‌خانه‌ی حافظ. ۱۳۷۸.

٦. نهج‌البلاغه. ترجمه و تفسیر محمدتقی جعفری. دفتر نشر اسلامی. تهران.

۷. جعفری، محمدتقی. حیات معقول. دفتر نشر اسلامی. تهران. ۱۳۷٦

۸. جوادی آملی، عبدالله. معرفت‌شناسی در قرآن. مؤسسه‌ی نشر اسرا. قم. ۱۳۷۸.

۹. ــــــــ مراحل اخلاق در قرآن. مؤسسه‌ی نشر اسرا. قم. ۱۳۸۵

۱۰. ــــــــ تفسیر سوره‌ی اسرا.

۱۱. شریفیان، احمد. اهمیت استفاده از فنون یادگیری دیداری. رشد جوانه ۱۳. ۱۳۸٤.

۱۲. زکریایی، محمد. فرهنگ مطهر شهید مطهری: پدیدآور اصلی. ناشر: علی آذریون. تهران. ۱۳۷۸.

۱۳. ری‌شهری، محمد. حکمت و علم در قرآن و حدیث. ترجمه‌ی عبدالهادی مسعودی (ج ۱ و ۲). سازمان چاپ و نشر. قم. ۱۳۸۲.

۱٤. شیخ کلینی رازی. اصول کافی (جلد ٤). انتشارات اسلامیه. تهران.

۱۵. رمضانی و عصاره. «تفکر از دیدگاه قرآن». رشد آموزش قرآن. ش ۲٦ و ۲۷.

۱٦. راهنمای تدریس علوم تجربی ابتدایی. دفتر تألیف کتب درسی. ۱۳۸٦

۱۷. مطهری، مرتضی. مجموعه آثار. انتشارات صدرا. تهران. ۱۳۷۵.

۱۸. ــــــــ. تعلیم و تربیت اسلامی. ناشر صدرا. ۱۳۸۲.

۱۹. المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم- محمد فؤاد عبدالباقی.

۲۰. قریشی، علی‌اکبر. قاموس قرآن. دارالکتب الاسلامیه. ۱۳٦٤.

۲۱. صوفی، مریم. فرهنگ فارسی معلم. انتشارات جاجرمی. ۱۳۸۰.

۲۲. عمید، حسن. فرهنگ معاصر فارسی عمید. انتشارات امیرکبیر.

۲۳. کلانتری، الیاس. راهنما و فهرست ترجمه‌ی المیزان فی تفسیر القرآن محمدحسین طباطبایی. چاپ پیام. قم انتشارات اوج. ۱۳٦۱

۲٤. طباطبایی، محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه‌ی فارسی

۲۵. اهداف تربیت از دیدگاه اسلام. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه. تهران. ۱۳۷۲.

۲٦. ملکی، حسن. برنامه‌ی درسی و پرورش تفکر. انجمن اولیا و مربیان. تهران. ۱۳۸۰.

ترجمه‌ی سید یحیی یثربی از قرآن کریم

سید یحیی یثربی، هم‌زمان با انتشار جلد دوم تفسیر عقلی و کاربردی‌اش از قرآن، از انتشار مستقل ترجمه‌ی خود از قرآن کریم خبر داد.

سید یحیی یثربی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی، با اعلام این خبر به خبرگزاری ایکنا گفت: من اعتقاد دارم که قرآن و پیام آن را می‌توان به درستی و به شکل کامل به مخاطبان ارائه داد، به گونه‌ای که همه‌ی آن‌ها از هر نوع فرهنگ و ستّی بتوانند به درک مفاهیم آن دست یابند. به همین‌خاطر، برای نخستین بار در ترجمه‌ای که از قران کریم در دست نگارش دارم، به ترجمه‌ی مفاهیم قرآن پرداخته‌ام به گونه‌ای که هر فردی بتواند آن را بخواند و به تناسب سن خود از آن بهره ببرد.

وی افزود: «در این ترجمه، پرانتزها و اشاره‌هایی را که در دیگر ترجمه‌ها مانع از ارائه‌ی شفاف مفاهیم شده است حذف و به صورت ارائه‌ی مفهوم آیه، قرآن را به فارسی ترجمه کرده‌ام.»

سفینه‌ی قرآنی

ایکنا: بیست و سومین شماره‌ی فصل‌نامه‌ی تخصصی مطالعات قرآن و حدیث «سفینه» از سوی مؤسسه‌ی فرهنگی «نبأمبین» منتشر شد.

«چهار نکته درباره‌ی قرآن»، «پژوهشی در باب ناسخ و منسوخ»، «پایان سال‌های ابری (بازخوانی مجدد یوم‌الدار)»، «عرضه‌ی حدیث بر قرآن»، «انسان در عالم ذر (آراء و اقوال قرن‌های ۱۱ تا ۱۳)»، «تعلیقات آیت‌الله جعفری بر اصول کافی» و «سازوکار خداوند در معرفت‌بخشی»، برخی از مطالب منتشر شده در این شماره‌ی «سفینه» هستند.

بیست و سومین شماره‌ی فصل‌نامه‌ی «سفینه» به صاحب امتیازی مؤسسه‌ی فرهنگی «نبأمبین» به مدیر مسئولی محمد حسین شهری و سردبیری منصور پهلوان منتشر شده است.

تصویر قرآن از پیامبر(ص) برای کودکان

ایکنا: «پیامبر اعظم (ص) در قرآن» به قلم مهدی محمودیان، از سوی انتشارات پیام عدالت منتشر شد.

این کتاب درباره‌ی زندگانی و رسالت پیامبر اسلام، حضرت محمد(ص)، برای کودکان و نوجوانان است.

نویسنده در این کتاب به بیان ۸۰ درس پرداخته است. در بخش نخست، ۱۲ درس مطرح شده که به رسالت پیامبر(ص) و لزوم ایمان به آن حضرت می‌پردازد. مأموریت‌های آن حضرت و سختی‌های رسالت، از جمله برخوردهای مشرکان با آن حضرت، از دیگر دروس این کتاب هستند. نویسنده در ادامه به ویژگی‌های پیامبر(ص) از جمله ویژگی‌های اخلاقی و عبادی ایشان اشاره و ایشان را اسوه‌ی نیکو در اخلاق معرفی می‌کند. مطالبی چون رابطه‌ی خداوند با پیامبر(ص)، بزرگ‌ترین هدیه‌ی خداوند به پیامبر(ص) و معراج پیامبر(ص) از موضوعات این کتاب هستند.

«پیامبر اعظم(ص) در قرآن» در شمارگان ۴۰۰۰ نسخه منتشر شده است.

انتشار فرهنگ سه زبانه‌ی قرآن

«فرهنگ سه زبانه‌ی کلمات قرآن مجید» به قلم مرضیه‌ی یزدی، در شمارگان هزار نسخه، از سوی انتشارات آفاق غدیر به چاپ رسید.

این فرهنگ، ترجمه‌ی هم‌زمان قرآن مجید به سه زبان عربی، فارسی و انگلیسی است. نویسنده در این جلد که به جزء اول قرآن اختصاص دارد، به ترجمه‌ی واژه به واژه‌ی توأمان قرآن به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی پرداخته است.

از جمله ویژگی‌های این مجموعه می‌توان به بررسی بیش از ۳۰۰ واژه‌ی قرآنی و جلوگیری از ذکر واژه‌های تکراری اشاره کرد.

هم‌چنین، مترجم در این فرهنگ تلاش کرده است تا از ذکر واژه‌های مترادف فارسی خودداری کند همین امر موجب شده که دقت در ترجمه تا اندازه‌ای فراتر رود. به علت فقدان فرهنگ‌های قرآنی در این زمینه، از فرهنگ فشرده‌ی فارسی به انگلیسی، منابع لاتین و عربی بهره گرفته شده است. انگیزه‌ی نویسنده از نگارش این اثر چنان‌که خود می‌گوید، آشنایی نسل جدید، به ویژه انگلیسی زبانان، با فرهنگ و تعالیم قرآن است.

تدوین دایره‌المعارف تصویری قرآن

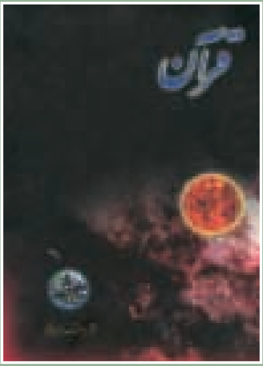

ایکنا: آرمان آرین، از تدوین دایره‌المعارف تصویری و نمایشی قرآن کریم بر مبنای نقش باورهای مذهبی در طول تاریخ در شکل‌دهی به شخصیت‌ها و آثار هنری در ایران خبر داد.

به گفته‌ی آرین این دایره‌المعارف تصویری و نمایشی قرآن کریم، با نگاه به قابلیت‌های تصویری و نمایشی شخصیت‌های قرآن کریم، و بر مبنای بررسی نقش باورهای مذهبی در طول تاریخ در شکل‌دهی به شخصیت‌ها و آثار هنری در ایران تدوین شده است.

وی افزود: «پیش از شروع تدوین این اثر دایره‌المعارفی با همین موضوع را با نگاه به اوستا تدوین کرده بودم که با توجه به نقش بی‌بدیل قرآن در فرایند شکل‌دهی به جریان فرهنگ در ایران در ادامه آن به تدوین این دایره‌المعارف از این نگاه پرداخته‌ام.»

وی با اشاره به این‌که در نگارش این دایره‌المعارف، بحث مذهبی وجود ندارد بلکه بحث هنری و تصویری است، افزود: «از این دست کار، پیش از این تنها برخی بازنویسی داستانی موجود بوده است و دایره‌المعارفی به صورت اشاره شده برای نخستین بار تدوین شده است که می‌تواند زمینه مناسبی را برای ایجاد روایت‌ها و اقتباس‌های گوناگون داستانی و هنری برای ما ایجاد کند.»

آرین با اشاره به این‌که این دایره‌المعارف را به صورت مقاله‌ای تدوین نکرده است، اظهار کرد: «این کتاب به صورت ارائه‌ی تعاریف برای کلیه واژه‌های قرآنی که جنبه‌ی بصری دارند، تدوین می‌شود و در نگارش آن، الناز ناصحی نیز به من یاری می‌رساند و به‌طور تقریبی نگارش را تا پایان سال ۱۳۹۰ به اتمام خواهیم رساند.

انتشار قرآن با حاشیه‌ی لغات دشوار

مرکز طبع و نشر قرآن کریم از چاپ «قرآن با ترجمه‌ی لغات دشوار در حاشیه» خبر داد.

به گزارش ایکنا، محمد بابایی، کارشناس نشر مرکز طبع و نشر قرآن کریم، با اعلام این خبر گفت: «در این اثر در هر صفحه تعداد ۲۰ واژه‌ی دشوار قرآن در حاشیه ترجمه شده است. از این طریق مخاطبی که نسبتاً با معنای واژگان قرآن آشناست، می‌تواند با دریافتن معنای واژگان دشوار به راحتی معنای ظاهری واژگان قرآن را دریابد.»

وی افزود: «در این [چاپ از] قرآن، ترجمه‌ی کاملی ارائه نشده است، اما شرح واژگان دشوار به همراه متن اصلی قرآن، اقدامی جدید و سودمند در راستای آشناسازی مخاطبان با ترجمه و دریافت مستقیم‌تری از مفاهیم قرآنی برای مخاطب است.»

این کارشناس مرکز طبع و نشر قرآن کریم تصریح کرد: «قرآن نیم جیبی با کاغذ نازک ۳۶ گرمی، بدون ترجمه، به خط عثمان طه نیز به زودی در شمارگان ۲۰ هزار نسخه به چاپ می‌رسد. هم‌چنین، قرآن با کشف الآیات و قرآن با ترجمه‌ی زیرنویس محمد مهدی فولادوند، از دیگر آثار در دست انتشار مرکز طبع و نشر قرآن کریم تا پایان سال جاری است.

تشکل‌های قرآنی کشور

۳

جمعیت قرآنی استان تهران ـ تهران

مدیر عامل: آقای مجید یراق‌بافان   تلفن همراه: ۱۳۲۸۴۱۱ ـ ۰۹۱۲

آدرس: خ قزوین، نرسیده به سه راه آذری، نبش خ شهید کاظمی

فرهنگ‌سرای قرآن

تلفن: ۵۵۷۸۱۱۵۵   دورنگار: ۵۵۷۸۱۱۵۵

مؤسسه‌ی حافظان قرآن کریم ـ کرج

مدیر عامل: آقای علی‌اکبر بهمنی زنجانی

آدرس: کرج، حصارک، روبه‌روس خ امام‌زاده محمد (ص)،

طبقه‌ی سوم، بانک صادرات

تلفن: ۴۵۸۳۵۱۱ ـ ۴۵۵۴۰۴۱ ـ ۰۲۶۱   دورنگار: ۴۵۸۳۹۱۵ ـ ۰۲۶۱

مؤسسه‌ی حفظ قرآن کوثر ـ تهران

مدیر عامل: حجت‌الاسلام و المسلمین آقای مهدی حقی

تلفن همراه: ۱۱۲۷۵۵۳ ـ ۰۹۱۲

آدرس: تهران، خ خواجه عبدالله انصاری، خ شهید عراقی، خ همیشه بهار شرقی، خ گلریز، پلاک ۱۲

تلفن: ۲۲۵۲۸۷۸۰   دورنگار: ۲۲۵۱۰۸۵۰

کدپستی: ۱۶۶۴۹۳۹۷۱۴

خانه‌ی قرآن بندر انزلی ـ گیلان

مدیر عامل: آقای سیف‌الله مسرور   تلفن همراه: ۱۸۱۱۶۵۶ ـ ۰۹۱۱

آدرس: بندر انزلی، میدان مالا

تلفن: ۱۱ ـ ۳۲۳۹۸۱۰ ـ ۰۱۸۱   دورنگار: ۳۲۲۳۳۳۱ ـ ۰۱۸۱

کدپستی: ۱۷۵۸

دفتر انتشارات کمک آموزشی

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک‌آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند:

مجله‌های دانش‌آموزی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

- رشد کودک (برای دانش‌آموزان آمادگی و پایه‌ی اول دوره‌ی دبستان)
- رشد نوآموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره‌ی دبستان)
- رشد دانش‌آموز (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره‌ی دبستان)
- رشد نوجوان (برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی)
- رشد جوان (برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه‌وپیش‌دانشگاهی)

مجله‌های بزرگسال عمومی

(به صورت ماهنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

◆ رشد آموزش ابتدایی ◆ رشد آموزش راهنمایی تحصیلی ◆ رشد تکنولوژی آموزشی ◆ رشد مدرسه فردا ◆ رشد مدیریت مدرسه ◆ رشد معلم

مجله‌های بزرگسال اختصاصی

(به صورت فصلنامه و ۴ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند):

◆ رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی راهنمایی تحصیلی) ◆ رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره‌ی متوسطه) ◆ رشد آموزش قرآن ◆ رشد آموزش معارف اسلامی ◆ رشد آموزش زبان و ادب فارسی ◆ رشد آموزش هنر ◆ رشد مشاور مدرسه ◆ رشد آموزش تربیت‌بدنی ◆ رشد آموزش علوم اجتماعی ◆ رشد آموزش تاریخ ◆ رشد آموزش جغرافیا ◆ رشد آموزش زبان ◆ رشد آموزش ریاضی ◆ رشد آموزش فیزیک ◆ رشد آموزش شیمی ◆ رشد آموزش زیست‌شناسی ◆ رشد آموزش زمین‌شناسی ◆ رشد آموزش فنی‌وحرفه‌ای ◆ رشد آموزش پیش دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و اختصاصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویان مراکز تربیت‌معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

◆ **نشانی:** تهران، خیابان ایرانشهر شمالی،ساختمان شماره‌ی۴ آموزش‌وپرورش ، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک‌آموزشی.

◆ **تلفن و نمابر:** ۸۸۳۰۱۴۷۸ ـ ۰۲۱

برگ اشتراک مجله‌های رشد

شرایط:

۱. پرداخت مبلغ ۷۰/۰۰۰ ریال به ازای یک دوره یک ساله مجله‌ی درخواستی، به صورت علی‌الحساب به حساب شماره‌ی ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت شعبه ی سه راه آزمایش (سرخه‌حصار) کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست.

۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده‌ی اشتراک باپست‌سفارشی. (کپی‌فیش‌رانزدخودنگه دارید.)

- نام مجله های‌درخواستی:
- نام و نام‌خانوادگی:
- تاریخ تولد:
- میزان تحصیلات:
- تلفن:
- نشانی کامل پستی:

استان: .... شهرستان: ....

خیابان: ....

پلاک: .... شماره‌ی پستی: ....

- در صورتی که قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره‌ی اشتراک خود را بنویسید:

کداشتراک: ....

امضا:

- صنـدوق پستی مرکزبررسی‌آثار: ۱۵۸۷۵/۶۵۶۷
- صنـدوق پستی امورمشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱
- نشانی اینترنتی: www.roshdmag.ir
- امور مشترکین: ۰۲۱ـ۷۷۳۳۶۶۵۶ ـ ۷۷۳۳۵۱۱۰
- پیام‌گیر مجله های رشد: ۰۲۱ـ۸۸۳۰۱۴۸۲

یادآوری:

- هزینه‌ی برگشت مجله در صورت خوانا و کامل نبودن نشانی و عدم حضور گیرنده، برعهده‌ی مشترک است.
- مبنای شروع اشتراک مجله از زمان دریافت برگ اشتراک خواهد بود.

مؤسسه‌ی دارالتحفیظ القرآن ـ تهران

مدیر عامل: آقای غفور آقازاده سلطان

آدرس: خ ایران، نرسیده به چهارراه آب‌سردار، پلاک ۱۵

تلفن: ۳۳۵۱۴۱۰۲ دورنگار: ۳۳۱۲۴۱۶۶

کدپستی: ۱۱۵۶۸۱۳۱۱۶

دارالقرآن خانه‌ی کارگر ـ تهران

مدیر عامل: عباس محجوب

آدرس: خ انقلاب، خ لبافی‌نژاد، پ ۸۵، طبقه‌ی اول

تلفن: ۶۶۹۵۶۵۹۸ ـ ۶۶۹۶۱۸۶۵ دورنگار: ۶۶۹۵۶۵۹۷

کدپستی: ۱۳۱۵۶۴۴۵۸۱

مؤسسه‌ی دارالقرآن کریم ـ اردبیل

مدیر عامل: آقای محمود صفری تلفن همراه: ۴۵۱۹۵۳۳ ـ ۰۹۱۴

آدرس: اردبیل، خ سی‌متری، خ شهید صوفی، کوچه شهید قناد امامی، ساختمان دوم

تلفن: ۳۳۵۵۶۸۵ ـ ۰۴۵۱ دورنگار: ۳۳۵۵۶۸۵ ـ ۰۴۵۱

کدپستی: ۵۶۱۴۶۳۳۷۷۱

دارالقرآن کریم ـ زنجان

مدیر عامل: آقای محمد مسعود اسماعیلی

تلفن همراه: ۱۴۱۵۶۵۹ ـ ۰۹۱۲

آدرس: زنجان، خ شیخ فضل‌الله نوری

تلفن: ۴۲۴۹۹۴۴ ـ ۰۲۴۱ دورنگار: ۴۲۴۸۸۴۴ ـ ۴۲۴۹۹۴۴ ـ ۰۲۴۱

کدپستی: ۴۵۱۳۸۹۵۹۱۴

مؤسسه‌ی ره‌پویان سیدالشهدا ـ قم

مدیر مسئول: خانم شریعتی تلفن همراه: ۳۵۳۰۰۷۳ ـ ۰۹۱۲

آدرس: قم، چهارراه غفاری، خ ایستگاه، کوچه‌ی ۸ ، پلاک ۱۸۰

تلفن: ۲۹۱۹۲۲۳ ـ ۰۲۵۱ دورنگار: ۲۹۰۵۱۷۹ ـ ۰۲۵۱

کدپستی: ۷۷۶۶۵ ـ ۳۷۱۸۶